

هشدار امام!

(...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد)

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعوا می کنند همه برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی. اجتماعی. فرهنگی

سال سی و دوم / شماره ۱ و ۲

شماره مسلسل ۱۴۰۱ و ۱۴۰۰

نیمه اول و دوم فروردین ماه ۱۳۹۰ ۲۰۰ تومان

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به
کنگره آیت الله العظمی مرعشی نجفی:

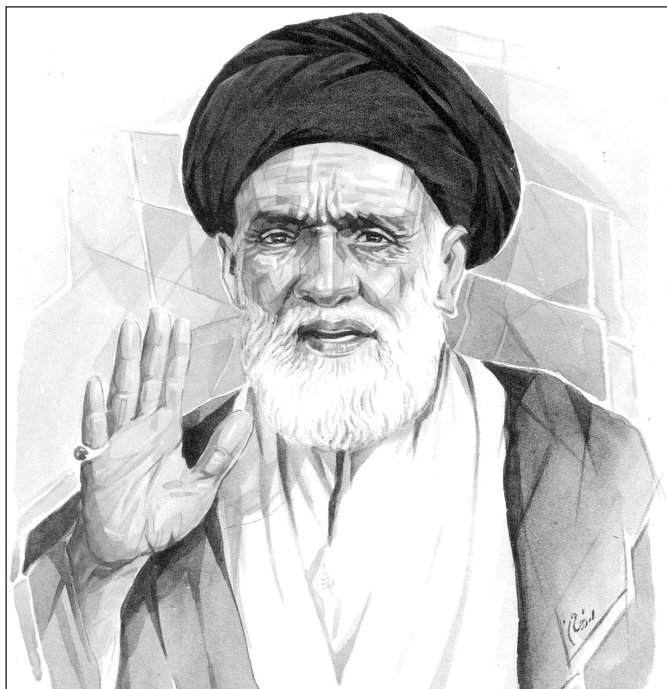
کتابخانه آیت الله مرعشی
نشانه اهمیت و عظمت میراث
مکتوب ماست

صفحه ۵

خاطرات و تحلیل هایی از منش فکری و سیاسی آیت الله کاشانی:

قضاوت تاریخ درباره پاسخ آن نامه

صفحه ۸



برترین بانوی خلقت

در کلام حضرت آیت الله

جوادی آملی

صفحه ۷

دکتر احمد راسم النفیس:

در پی تحقق وحدت و

عدالت در میان کشورهای

اسلامی هستیم

صفحه ۱۵

نامه آیت الله تسخیری به

رئیس اتحادیه جهانی علمای

مسلمان درباره اوضاع بحرین

صفحه ۲

برای اولین بار به زبان فارسی منتشر شد:

گلچینی از معارف تشیع

به قلم علامه طباطبائی

صفحه ۱۶

ریشه های مقاومت

در فلسطین

دکتر سید محمد صدر

صفحه ۱۲

واکنش آیت الله مکارم شیرازی به مستند «ظهور نزدیک است»:

نباید از وجود مقدس امام زمان (عج) برای

رسیدن به اهداف سیاسی استفاده شود



حضرت آیت الله مکارم شیرازی با بیان این که نباید از وجود مقدس امام عصر (عج) برای اهداف سیاسی استفاده شود، گفت: اخباری به دست ما رسیده مبنی بر اینکه قرار است سی دی دومی در خصوص ظهور حضرت مهدی (عج) و در همان مسیر سی دی اول تولید شود که امیدواریم دستگاه قضایی اجازه ندهد اعتقادات ما آسیب ببیند.

این مرجع تقلید با اشاره به مستند ظهور بسیار نزدیک است، اظهار کرد: در زمانی زندگی می کنیم که دشمنان از خارج در صدد هستند که بر پایه های اعتقادی ما ضربه بزنند و متأسفانه برخی از افراد بی اطلاع هم از داخل همین کار را می کنند.

وی افزود: کشیشی در کلیسایی که تنها ۵۰ عضو دارد قرآن را جلوی چشم دوربین ها محاکمه و آتش می زند که این از دیوانگی اوست. در آن مملکت در مقابل این کار سکوت می شود و متأسفانه کلیساها نیز در مقابل این حرکت واکنشی نشان نمی دهند.

آیت الله مکارم شیرازی خاطرنشان کرد: ما مسلمانان هم گرفتار اختلافات داخلی خودمان هستیم و برخی افراد از داخل کشور از پایه های اعتقادی مردم و از امام زمان (عج) سوء استفاده می کنند. متأسفانه انتظار حضرت قائم (عج) را ابزار اهداف و مسایل سیاسی مورد نظر خود کرده اند و اگر ثابت شود که این حرف ها درست نبوده مردم فردا می گویند بحث انتظار از اصل درست نبوده است.

این مرجع تقلید تأکید کرد: امام زمان (عج) خط قرمز ماست و نباید از وجود مقدسش برای رسیدن به اهداف سیاسی استفاده شود.

وی اظهار کرد: ما باید نسبت به مساله امام زمان (عج) و بحث انتظار حساس باشیم و باعث شویم که اعتقادات مردم روز به روز نسبت به این مسئله بیشتر شود.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی افزود: باید روز به روز منتظر ظهور امام زمان (عج) باشیم اما تعیین وقت به اعتقادات مردم بسیار ضربه می زند.

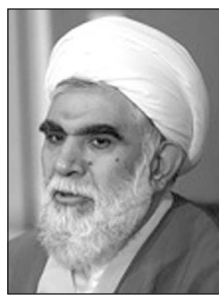
حجت الاسلام والمسلمین اختری:

کسی حق ندارد برای ظهور وقت تعیین کند

کسی نعوذ بالله بیايد بگويد امام زمان مثلاً ۵ سال ديگر ظهور می کند و ۵ سال و یا بیشتر گذشت و این اتفاق نیفتاد آنوقت مردم ديگر در اعتقاداتشان ضعيف می شوند. لذا ائمه ما فرمودند کسی حق ندارد وقت تعیین کند.

وی در عین حال یادآور شد: البته همیشه مسائلی در جهان اتفاق می افتد و این خیزش اخیر در جهان اسلام یکی از وقایع مهم و بسیار ارزنده است و ما امیدواریم که این حرکت به آن عظمت و خیزش عمومی جهانی بینجامد اما اگر کسی بگوید که این خیزش حتماً همان است این اشتباه است و چنین تفسیری از وقایع با اساس قرآن و مکتب تشیع مغایرت دارد و این درست نیست.

رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع) در پایان تأکید کرد: اشاعه چنین تفاسیر و تطبیق علائم ظهور هم باعث سستی عقاید مردم معتقد می شود و هم موجب انحراف افراد ضعیف الایمان می شود و علاوه بر آن، بیان اینگونه تعبیرها ابزاری در دست دشمنان برای مقابله با دین و مذهب ما می شود یعنی اگر آنچه در مذهب شیعه بیان نشده را مطرح کنیم و آنگاه تحقق پیدا نکرد دشمنان از آن علیه ما بهره می گیرند، همچنین افرادی این مسائل را وسیله دغل بازی خود کرده و مردم را به انحراف می کشند مثل مدعیان دروغینی که ما هر از گاهی با آنها مواجه می شویم.



حجت الاسلام محمدحسن اختری رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع) درباره مباحثی که به تازگی و بواسطه مستند «ظهور بسیار نزدیک است» در مورد مسئله ظهور مطرح شده است، گفت: اصل مسلم اعتقادات شیعه در مسئله ظهور این است که زمان ظهور مشخص نیست و هیچکس حق ندارد برای ظهور وقت تعیین کند و در روایات از ائمه معصومین (ع) نیز آمده است که «کذب الوقاوت» یعنی آنانی که برای ظهور وقت تعیین می کنند دروغگو هستند.

وی با بیان اینکه اصل مسئله ظهور حضرت حجت (عج) در آخر الزمان اصل قرآنی و اصل مبدائی در دین اسلام است، افزود: خداوند در قرآن وعده داده است که روزی را برای بشر در نظر گرفته که دین خدا توسط یک مصلح آسمانی در تمام دنیا حاکم خواهد شد و این اصلی است که مورد توافق تمام مسلمانان است.

رئیس مجمع جهانی اهل بیت (ع) تأکید کرد: اصل انتظار در مذهب تشیع به عنوان یک اصل سازنده و پویا از جایگاه والایی برخوردار است و موجب سازندگی در جامعه و امید به آینده روشن می شود. اما یکی از رفتارهای زشت این است که برخی تعبیرها و تفسیرهای شخصی را از علائم ظهور بیان می کنند که این موجب سستی اعتقادات دینی مردم می شود.

حجت الاسلام والمسلمین اختری افزود: اگر

برنامه‌های پژوهشگاه تقریب در سال ۹۰ از زبان حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

ورود بانوان فرهیخته حوزوی و دانشگاهی به پژوهشگاه/ انتشار ۳۰ عنوان کتاب

جدید/ توسعه همکاری‌ها با مؤسسات جهان اسلام و...



اشاره: اواخر سال ۱۳۸۹ بود که مرکز تحقیقات علمی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، اعلام کرد که به جایگاه پژوهشگاه مطالعات تقریبی ارتقا یافته و دور تازه‌ای از حیات و فعالیت‌های علمی پژوهشی را آغاز خواهد کرد. از این جهت، خبرنگار تقریب در گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مبلغی، رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی، اولویت‌های کاری این پژوهشگاه را در سال ۱۳۹۰ مورد پرسش قرار داده است. متن این گفت‌وگو به شرح زیر است:

جناب مبلغی، در ابتدای کلام بفرمایید که تصمیم‌گیری‌ها در پژوهشگاه مطالعات تقریبی، به چه صورت اتخاذ می‌شود؟

پژوهشگاه مطالعات تقریبی که پیش از این به عنوان مرکز تحقیقات علمی مجمع شناخته می‌شد، از آغاز دارای یک هیئت علمی بوده که ریاست آن را شخص آیت الله محمدعلی تسخیری، دبیرکل مجمع برعهده دارند. جلسات این هیئت علمی هر ماه یکبار برگزار می‌شود و تصمیمات و پروژه‌های مربوط به پژوهشگاه در آنجا به تصویب می‌رسد. **سال ۹۰، در حالی برای پژوهشگاه آغاز شده که سطح آن ارتقا یافته است. محورهای اصلی برنامه‌های پژوهشگاه را در سال جدید بفرمایید.** محورهای کلان برنامه‌هایی که در سال جاری در نظر داریم عبارتند از:

۱- تلاش گسترده در جهت فعالیت‌های تقریبی متناسب با تحولات پدیده آمده در جهان اسلام.
۲- پیگیری تحقیقاتی که در سال‌های قبل شروع شده است و در نیمه‌های کار قرار دارد. امسال سعی مان بر این است که آن تحقیقات نیمه کاره را به انجام رسانده و تکمیل کنیم.
۳- عرضه و چاپ بسیاری از کتاب‌هایی که در سال قبل کار تحقیقاتی و مطالعاتی آنها به انجام رسیده است.

۴- تلاش وسیع در جهت تثبیت اندیشه تقریب در سطح حوزه و ایجاد اجماع و اتفاق در میان سطوح مختلف حوزه نسبت به تقریب. سعی مان بر این است که این کوشش را با شیوه‌ها و راه‌های مختلفی که در دست هست، افزایش دهیم.

۵- تلاش می‌کنیم، قدری فراتر از مطالعات عمدتاً معطوف به کتاب‌ها برویم و در حوزه‌های مطالعاتی دیگری که الزاماً منتهی به چاپ کتاب نمی‌شوند نیز وارد شویم.

۶- وارد کردن بانوان عالمه، فرهیخته و فاضله حوزوی و دانشگاهی به عرصه مطالعات علمی تقریبی. پژوهشگاه با توسعه کار خود و ایجاد بخش خواهران، نوعی انسجام و سامانی را در انجام مطالعات از سوی خواهران و بانوان فاضله ایجاد خواهد کرد تا بتوانند در زمینه موضوعاتی که دارای دو بعد تقریب و حوزه مطالعات زنان هستند وارد شوند. امیدواریم این شاء الله امسال این کار صورت بگیرد و به انجام برسد.

تلاش گسترده در جهت فعالیت‌های تقریبی

متناسب با تحولات پدیده آمده در جهان اسلام" را چگونه عملیاتی خواهید کرد؟

ببینید، با توجه به اینکه اوضاع جدید منطقه فضای مناسب‌تر، مهیاتر و خواناتری با اندیشه تقریب دارد؛ کوشش پژوهشگاه نیز آن است که عمدتاً به سمت تعریف تحقیقاتی به پیش برود که معطوف به نیازهای عرصه عمل در ارتباط با این اوضاع باشد و از افتادن در ورطه کلی‌گویی‌ها و اندیشه‌های انتزاعی و کم‌افاده پرهیز کند.

توسعه عمل متناسب با اوضاع متحول جهان اسلام، دست کم دو تلاش را بر ما حتمی می‌سازد: یکی تعریف تحقیقات متناسب با نیازهای این عرصه‌های جدید و دوم، کوشش برای توسعه عمل مشترک با مؤسسات جهان اسلام. البته محور دوم کار سختی است و نیاز به زمینه‌های بسیار دارد ولی در ضرورت آن نمی‌شود شک کرد. یقیناً لازم است که از یکجانبه‌گرایی در انجام تحقیقات تقریبی احتراز کنیم و سعی وافر را بر انجام عمل مشترک داشته باشیم. اگر موضوع تقریب مشترکات بین مذاهب هست، مناسب است که عمل و اقدام مشترک نیز صورت بگیرد.

البته در این زمینه، تلاش شروع شده‌ای در دست هست که انشاءالله در این سال به منصفه ظهور خواهد رسید و آن اقدام مشترک تحقیقاتی بین "مجمع تقریب ایران"، مؤسسه دیانت ترکیه و وزارت اوقاف عمان خواهد بود. صحبتی را در سال قبل به عمل آورده بودیم و در این سال بناسست جدی‌تر دنبال کنیم. ما کوششمان را برای انجام عمل مشترک باید دنبال کنیم که قطعاً متناسب با فضای جدید رخ داده در جهان اسلام است.

در فضای جدید منطقه‌ای، باید سه محور فعالیتی را دنبال کنیم؛ یکی همکاری دولت‌های اسلامی در چارچوب گفت‌وگو تقریب، دوم همکاری مؤسسه‌ها و نهادهای اسلامی که خوب است عمل مشترکی را با هم شروع کنند، و سوم انجام همکاری‌های بین نخبگان جهان اسلام که این هم باز مؤثر است. به هر حال، آنچه که اکنون در دست ماست انجام عمل مشترک مؤسسه‌ای است که آن را پیگیری خواهیم کرد. سال گذشته هم خبر آن را اعلام کردیم که بناسست موسوعه‌ای اصولی را به شکل مشترک انجام دهیم، پیشنهاد هم شده بود به دو طرف ترکی و عمانی و قبول هم کرده بودند. ولی امسال خود آنها پیگیری این ماجرا هستند. در ارتباطی که چند وقت پیش داشتیم خود آنها اظهار تمایل کردند که موضوع پیگیری شود. فضاهای جدید جهان اسلام هم چنین اجازه‌ای را می‌دهد. امیدواریم این کار مؤسسه‌ای مشترک شروع شود چراکه تجربه جدیدی فراروی تقریب است و اگر شکل بگیرد، برکات آن از کارهای یکجانبه‌گرایانه بسیار بیشتر و تأثیرگذارتر خواهد بود.

از "عرضه و چاپ کتاب‌هایی که در سال قبل کار تحقیقاتی و مطالعاتی آنها به انجام رسیده است" سخن گفتید. در این زمینه چه میزان کتاب در دست چاپ است. آیا آماری دارید؟

بله، قریب به ۳۰ کتاب در دست داریم که در سال قبل کار مطالعاتی آنها تمام شده و الان آماده چاپ هستند. خود عرضه این حجم کتاب، یک موفقیت بزرگ برای تقریب است.

اشاره کردید که پژوهشگاه تلاش می‌کند، قدری فراتر از مطالعات معطوف به کتاب‌ها حرکت کند، قدری در این باره توضیح دهید و اینکه چه برنامه‌های عملیاتی در این زمینه در

دست دارید؟

سعی داریم چند نوع تلاش در این عرصه صورت دهیم؛ یکی اینکه دست به انجام یکسری مطالعات میدانی بزیم که الزاماً نتیجه آنها تبدیل به یک متن قابل عرضه به عنوان کتاب نیست؛ بلکه مطالعاتی هستند با نتایجی که می‌توانند مبنای تصمیم‌گیری و راهبردنویسی برای آینده باشند. دومین اقدام، کوشش برای اینکه پژوهشگاه مطالعات تقریبی، خوراک رسانه تقریب و برنامه‌های رسانه‌ای تقریب را تأمین کند. در سال قبل کوشش‌هایی در این زمینه را آغاز کردیم که امسال به امید خدا به بار خواهد نشست.

یک محور دیگر از فعالیت ما این است که در سال جاری مجله "الفقه المقارن" را منتشر کنیم؛ مجله‌ای که کارهای مقدماتی آن شروع شده و در لبنان در حال انجام است. مرحله‌ای از آن طی شده و انشاءالله امسال نهایی خواهد شد و عملاً به صحنه مجلات اسلامی خواهد آمد.

کوشش بر این است که این مجله، صدای فقه تقریب باشد و بتواند اندیشه فقهی تقریب را به صورت مقارن و تطبیقی عرضه کند. این مجله، محصول مهمی است که انشاءالله در سال جاری، شماره اول و دوم آن منتشر خواهد شد. دوره انتشار آن نیز به صورت فصلنامه است. این مجله به یاری خداوند متعال، به صورت مشترک از سوی تحریریه‌ای متشکل از علمای شیعه و سنی به صورت مشترک اداره شود و این جاذبه بسیاری خواهد داشت.

به این ترتیب، انشاءالله طی چند ماه آینده یک مجله فقهی حقوقی تطبیقی و مقارن خواهیم داشت که هم نام جدیدی در میان نشریات جهان اسلام است، هم هر حرف تازه‌ای دارد و هم محورهای مطالعاتی آن نو و جدید است. امیدواریم جای خود را به سرعت در جهان اسلام باز کند.

مجله "الفقه المقارن"، مشخصاً در چه حوزه‌هایی به انتشار مطالب خواهد پرداخت؟

این مجله، در چهار فصل و حوزه مطالعاتی منتشر می‌شود:

الف- پرداختن فقهی به مسائل جدید به صورت تطبیقی و مقارن.

ب- پرداختن به علوم مرتبط به فقه به صورت تطبیقی از قبیل اصول، رجال، قواعد فقهی یا علوم دیگر.

ج- پرداختن به صورت مقارن به تاریخ علوم فقهی یعنی خود فقه و منظومه علمی که بر محور آن شکل گرفته است.

د- منهج‌شناسی یا متدولوژی استنباط به صورت تطبیقی.

نامه آیت الله تسخیری به رئیس

اتحادیه جهانی علمای مسلمان

درباره اوضاع بحرین



دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با مشروع و مسالمت آمیز قلمداد کردن تظاهرات مردمی و برجسته خواندن نقش علمای مسلمان در به بار

نشستن این تظاهرات، بی‌تفاوتی برخی از رهبران مسلمان در قبال انقالب مردم بحرین و قرار گرفتن آنها در کنار حاکمان را نقطه تاریکی در کارنامه آنان خوانده و افزود: در ازای رفتار مسالمت آمیز مردم بحرین، این حرکت مردمی به طرز بسیار وحشیانه‌ای سرکوب و مزدوران و اراذل و اوباش با توسل به خشونت، قتل و دستگیری به متفرق کردن مردم پرداخته‌اند.

آیت الله تسخیری در نامه‌ای خطاب به دکتر یوسف قرضاوی، رئیس اتحادیه جهانی علمای مسلمان، وی را به حمایت از مردم مسلمان و ستمدیده بحرین دعوت کرده و خواستار تغییر موضع ایشان شد و خاطر نشان کرد: ما از شما می‌خواهیم موضع شجاعانه و افتخارآمیزی در ازای این ملت ستمدیده اتخاذ فرمایید که این درخواست را از خاستگاه اصولی که در اتحادیه جهانی علمای اسلامی یعنی دفاع از ملت‌های مسلمان ستمدیده سراغ داریم، مطرح کرده‌ایم.

وی همچنین در نامه جداگانه‌ای به عبدالعزیز بن عثمان التویجری، مدیرکل آیسکو ابراز داشت: کوشش‌ها و تلاش‌های مربوط به همبستگی مسلمانان و گسترش فرهنگ تقریب و تحکیم پیوندهای وحدت‌انگیز اسلامی و ممانعت از فتنه‌انگیزی فرقه‌ای و مذهبی همچنان ادامه دارد. اما آنچه که امروزه از آن به عنوان وجود فتنه‌های مذهبی در کشورهایی همچون یمن و بحرین مطرح می‌شود، ساخته و پرداخته مغزهای علیل و دستگاه‌های تبلیغاتی در جهت اهداف شناخته شده آنهاست. در حالی که این درگیری‌ها کاملاً سیاسی و ناشی از نادیده گرفتن حقوق مردم در دهه‌های متوالی و به کارگیری خشونت در مقابل خواسته‌های آنان است.

بر اساس گزارش روابط عمومی مجمع تقریب مذاهب، آیت الله تسخیری در پایان نامه خود خاطر نشان ساخت: در حقیقت معتقدم که اگر حقوق مردم را آنگونه که باید بدهیم و عدالت را برقرار سازیم، دیگر فرصتی برای اینگونه درگیری‌ها و خشونت‌ها وجود نخواهد داشت و این همان عدالتی است که همگی باید در جهت تحقق آن تلاش کنیم.

یکی از فرمانده‌های انقلابیون لیبی:

تفاوتی بین شیعه و سنی نیست

کشورهای عربی باید تلاش غرب برای ایجاد اختلافات مذهبی بین کشورهای اسلامی را ناکام و به اختلافات مذهبی بین خود پایان دهند.

فیتوری در ادامه از دخالت‌های غرب و در رأس آن امریکا در لیبی انتقاد کرد و اظهار داشت: دخالت‌های نظامی غریبها در لیبی در ابتدا به نفع انقلابیون بود ولی وقتی شاهد پیشرفت بیشتر آنها نسبت به نیروهای نظامی خود بودند، موضع آنها به طور کلی تغییر کرد به گونه‌ای در حال حاضر به صورت مانعی در برابر مردم لیبی قرار گرفتند و تلاش می‌کنند منافع و غنایم را بین خود تقسیم کنند.

یکی از فرمانده‌های نظامیان انقلابی لیبی با تأکید بر تلاش غرب برای ایجاد اختلافات مذهبی و دینی، اظهار داشت: هیچ تفاوتی بین شیعه و سنی و مسلمان و مسیحی، وجود ندارد.

فرج عمران الرزق الفیتوری در گفتگو با تقریب، با تأکید بر لزوم حمایت از مردم و انقلابیون لیبی از کشورهای عربی خواست صفی یکپارچه را در کنار ملت و انقلابیون لیبی تشکیل دهند.

وی با تقدیر از موضع ایران در برابر رخدادهای منطقه، از سرگیری روابط حسنه بین ایران و مصر را مایه ناخرسندی غرب دانست و گفت: ایران دولت اسلامی بزرگی است و

یادی از یک کتاب از یاد رفته در وحدت اسلامی

حجت السلام والمسلمین رسول جعفریان



این روزها که به مناسبت از وحدت اسلامی هم سخن به میان می آید، باید یادی از کتاب *الوحده الاسلامیه* آیت الله شیخ عبدالکریم زنجانی بکنیم، عالمی برجسته در نجف که روشن بینی خاصی داشت و بخشی از تلاش هایش در جهان اسلامی، جدای از ایران، انعکاس یافت.

شاید این مقدمه لازم باشد که در طول صد سال گذشته، شماری از شخصیت های نجف، جدای از تأثیرشان در میان شیعیان، یا به عبارتی در ایران و عراق، شخصیت بین المللی اسلامی هم داشته اند. نگاه بین المللی در میان عالمان شیعه آن روزگار نجف هرچند چندان قوی نیست، اما قابل تأمل است. شیخ عبدالکریم زنجانی و همین طور ابو عبدالله زنجانی از این دسته هستند. علت این امر، جدای از رویکرد آنان در امر وحدت اسلامی، باز بودن درهای مصر به لحاظ فکری، اهمیت یافتن مسأله فلسطین در جهان اسلام، مسافرت خود این افراد به بلاد اهل سنت و همین طور تسلط آنان بر زبان عربی بوده است. در این زمینه، همچنین می توان از مرحوم آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء هم یاد کرد. اعتدالی بودن آنان در نگرش های مذهبی شان هم در این زمینه اهمیت داشت.

مع الاسف از علمای خاص ایرانی، بیشتر به دلیل عدم تسلط آنان بر زبان عربی، چنین زمینه ای را سراغ نداریم و این به رغم آن است که برخی از آنان، از متفکران برجسته ای به شمار می آمدند. به علاوه باید توجه به حوزه نجف هم داشت که در دل خود، عناصر متفاوت زیادی را پرورش می داد. این حوزه، به عنوان یک دانشگاه بزرگ، همیشه این امکان را در خود داشت که دانشمندانی متفاوت هم پرورش دهد.

عبدالکریم زنجانی با داشتن رویکرد جهان اسلامی و وحدت طلب میان شیعه و سنی، سفرهای فراوانی به بلاد عربی داشت و در

دانشگاه ها و مساجد مختلفی سخنرانی کرد. گزارش کامل این سفرها در کتابی قطور در نجف به چاپ رسید که عنوان آن *رحله الامام الزنجانی و خطبه فی الاقطار العربیه* (چاپ ۱۹۴۷م در نجف) بود. این کتاب به طور مبسوط ما را با دیدگاه های وی آشنا می کند و به علاوه فضای آن روز جهان اسلام را به تصویر می کشد. یکی از آثار وی در باره وحدت اسلامی، کتابی است با عنوان *الوحده الاسلامیه او التقریب بین المذاهب الاسلامیه* که در سال ۱۳۸۱ق / ۱۳۴۱ش در نجف منتشر شد. همان سال یک ایرانی با عنوان *عطاء محمد سردارنیا* که به نجف رفته بود، در منزل یکی از علما آن کتاب را دید و به فارسی درآورد و در همان نجف (چاپخانه قضا) چاپ رساند. عنوان فارسی آن چنین بود: *یگانگی اسلام یا هماهنگی مذاهب مسلمین*. در زیر آن این توضیح آمده بود: *قسمتی از سخنرانی ها و مدارک تاریخی نتیجه مجاهدات یک ربع قرن مرجع تقلید اعلی، حجت الاسلام آیت الله العظمی حضرت آقای شیخ عبدالکریم زنجانی دام ظلّه العالی. علت نگارش این کتاب در ۱۴۳ صفحه، پاسخگویی به اتهاماتی است که یک عالم کویتی با نام الجبهان، در باره شیعه نوشته و شیع را به کفر و زندقه متهم کرده است! این نامه علیه فتوای شیخ الازهر، شلتوت، در باره جواز عمل بر فتوای مذهب جعفری نوشته شده و سراسر دشنام و اتهام علیه شیعه است.*

چنان که در مقدمه آمده است، مرحوم عبدالکریم زنجانی به پاسخگویی پرداخته و شرحی مفصل از دیدگاه خود درباره امر وحدت اسلامی ارائه داده است. در مقدمه کتاب ضمن اشاره به فتوای شلتوت، درباره آغاز تدریس فقه جعفری در دانشگاه الازهر سخن به میان آمده است. آنگاه تحلیلی از علل اختلاف میان شیعه و سنی در دوره اموی و عباسی ارائه شده و در ادامه از عناوین زیر سخن به میان آمده است: جنبش تاریخی ازهر به

مفتی اعظم مصر:

زیارت قبور خاندان پیامبر (ص) از افضل اعمال است

وسيله هر آنچه که شرع مقدس تعیین کرده و تعظیم شعائر الهی و آنچه که خداوند بزرگ داشته از جمله مکان ها، زمان ها، اشخاص و اموال مجاز است و مسلمانان با دعا در نزد قبر نبی مکرم اسلام (ص) و با دوست داشتن او به خداوند متعال تقرب می جویند.

علی جمعه در عین حال با اشاره به اختلاف دیدگاه درباره وسیله تقرب الی الله گفت: ممکن است برخی با توسل به قبور صالحان و یا سجده بر قبور و یا طواف به دور آنها به عنوان وسیله تقرب به خداوند متعال مخالف باشند اما نمی توانند با این مخالفشان افراد و اماکن را از دایره وسیله به دایره شرک منتقل کنند.

مفتی اعظم مصر همچنین با اشاره به مساله سوم گفت: بین اینکه چیزی سبب و وسیله باشد و اعتقاد به اینکه آن چیز خالق و فی نفسه موثر است اختلاف وجود دارد و مثلاً مسلمانان مسیح را سببی برای زنده شدن مردگان می دانند اما مسیحیان وی را فی نفسه موثر و خالق می دانند. وی افزود: پس اگر مسلمانی دیده شد که از فردی به غیر خداوند متعال مسأله ای خواست و

افتخار علمای شیعه، سخنرانی رئیس دانشگاه ازهر، سخنرانی آقای زنجانی، ندای اتحاد اسلام در مقر جمعیت شبان المسلمین، اعتراض آیت الله زنجانی به مؤلف فجر الاسلام، سخنرانی آیت الله زنجانی در جامع اموی و بوسیدن دست وی توسط کردعلی، انذار تاریخی بر صهیونیان، مؤتمر علمای اسلام در دمشق، تصویب نامه تاریخی، ملاقات محمدعلی جناح با شیخ زنجانی، نامه شیخ مصطفی عبدالرزاق، نامه زنجانی به امیر کویت، ترجمه نام آیت الله زنجانی به پادشاه سعودی، شروع مبارزه با جبهان، شیعه دشمن یهود صهیونی است، مراتب توحید در مذهب اثنا عشری ... در این کتاب، اطلاعات قابل توجهی در باره مسائلی که در پی فتوای تاریخی شلتوت مطرح شده، صورت گرفته و سخنرانی شماری از رهبران مذهبی مصر از جمله خود شلتوت و نیز شیخ عبدالمجید سلیم آمده است. دوره ای که این مسائل در مصر مطرح شد، دوره ای بود که به لحاظ فکری، مصر، عصری باز را پشت سر می گذاشت. از یک طرف هنوز افکار چپ تند حاکم نشده بود و از سوی دیگر، گرایش های سلفی چندان نیرومند نبودند. مصر آن روزگار با ایران نیز مراوده ای مستمر داشت؛ اما اندکی بعد، شدت گرفتن منازعات با اسرائیل، جدا شدن راه شاه و نزدیکی اش به اسرائیل از یک سو، و بعد از آن انقلاب اسلامی، گرایش مصر به غرب و برآمدن گرایش های تند علیه ایران و شیعه از سوی سلفیان، از تبادل فکری میان شیعیان و سنیان در مصر کاست و آن رویدادهای فکری، بیشتر به صورت یک رؤیا باقی ماند. گفتنی است که عطا محمد سردارنیا، از علاقه مندان مرحوم علامه عسکری و مترجم آثار او است و بعد از انقلاب نیز آثاری از وی به عنوان ترجمه نوشته علامه عسکری منتشر شد. هرچه هست، کتاب یگانگی اسلام یا هماهنگی مذاهب مسلمین، از آثار فارسی منتشره در نجف، از نوشته های خوبی است که در این زمینه منتشر شده و متن عربی کتاب نیز اخیراً از سوی مجمع تقریب منتشر شده است.

از او طلب نفع و یا ضرر کرد باید بدانیم که این مسلمان آن فرد را سبب خیر و شر می داند و نه خالق چراکه مسلمانان همگی می دانند و اعتقاد دارند که منفعت و مفسدت هر دو در دست خداوند است و در این بین مخلوقات هستند که به اذن خدا نفع و یا ضرر می رسانند.

بنابر گزارش خبرگزاری عراقی آباء، علی جمعه مفتی اعظم مصر در ادامه با تاکید بر سه اصل مطروحه خود عنوان کرد: اگر بدانیم مسلمانی که ضریحی را زیارت می کند، زیارتش با اعتقاد به صالح بودن اهل قبر و به نیت قرب الهی بوده، این زیارت عملی صالح است. وی همچنین تاکید کرد: زیارت آل البیت نبی (ص) از اقرب اعمال بوده و دارای بیشترین احتمال و رجای قبول الهی است و پیامبر اسلام (ص) امتش را درباره آل بیتش توصیه کرد و درباره زیارت قبور فرمود: *قبور را زیارت کنید که آن یادآور مرگ است، و نخستین قبری که زیارتش بهتر از باقی قبور است زیارت قبر حضرت رسول (ص) است که زیارت آن موجب مودت و نزدیکی با رسول الله (ص) است.*

بحرین و ستم به خویشان

خداوند فرقه گرایی را نابود کند

حجت الاسلام محمد مهدی تسخیری



خداوند این فرقه گرایی ناپسند و رخنه کرده در استخوانها را نابود کند، آیا ما نمی خواهیم از آن خلاصی یابیم تا مبادا خدا بر ما خشم گیرد و مردمانی بهتر که خداوند را دوست می دارند و خدا آنان را دوست دارد بجای ما برگزیند؟! امروزه جهان اسلام پس از ده

ها سال اختناق و خفقان در برابر ظلم و ستم پیاخته است، تا بتواند نسیم آزادی را استشمام کند و به کرامت انسانی مطلوب برسد؛ عزت و کرامتی که خداوند از بدو خلقت به او هدیه کرده بود، اما این فرعون های زمان ورژیمهای استبدادی انسانیت را از این هدیه الهی محروم ساخته بودند و به صورت سدی در برابر گسترش آن قرار گرفته تا مانع دسترسی ملت ها به آن شوند.

رژیمهای دیکتاتور در راستای اهداف شوم خود از پلیدترین ابزارها مانند ایجاد تقلب در انتخابات صوری و زندانی کردن مخالفان، و ایجاد خفقان و کشتار مردم خود، استفاده نموده و از هیچ امری در بسط اقتدار ظالمانه خود بر ملت ها دریغ نکردند.

در این شرایط بود که ملت های مستضعف و ستم دیده صبر و شکیبایی از دست دادند و به خیابان ها ریخته و یکصدا فریاد مرگ بر دیکتاتور سردادند. آنان از رژیم های استبدادی خواستند تا هرچه زودتر خاک کشور را ترک کنند *چرا که دوران ظلم و دیکتاتوری به سر رسیده است و زمانه دیگر، پذیرای حکومت های استبدادی نیست.*

ولی طاغوت های زمان بجای گوش فرا دادن به خواسته های مشروع و قانونی مردم خود، به زعم باطل جهت ادامه تسلط خود بر آنها، بر طغیان خویش افزودند و عرصه را بیش از پیش بر ملتها تنگ نمودند؛ آنان مردم را در میدانها و خیابانها محاصره کرده و مورد ضرب و شتم قرار دادند. و با استفاده از گازهای اشک آور و انواع سلاحها و حتی هواپیماهای جنگی به ملتها یورش بردند و کشتار فجیعی به راه انداختند.

اما ملت های قهرمان مقاومت کردند و اثر این مقاومت مشاهده کردیم که حکومت های استبدادی مذکور یکی پس از دیگری بدست مردم انقلابی و قهرمان تونس و مصر ساقط شدند مقاومتی که همچنان، تا راندن رژیم های لیبی، یمن و بحرین ادامه دارد.

ونکته شایان ذکر در این روند، همبستگی ملت های عرب و مسلمان و همچنین بیشتر نخبگان و اندیشمندان، فرهیختگان و سیاستمداران منصف و رسانه های آزاد جهان با این نهضتها و انقلابیون بوده است؛ روندی که همچنان بر موضع حق گرای خود علیه حاکمان ظلم و جور، تا بازستاندن کامل حقوق ملتها و ایجاد قانون های اساسی عادلانه پایدار مانده است.

اما آنچه که باعث تأسف می شود تبعیض بین ملتها در اعطای حق آزادی و اندیشه و تعیین سرنوشت است. امری که این سوال را در ذهن متبادر می کند، آیا فرقی بین طاغوتها و احکام ظالمانه آنان وجود دارد تا این همه بین ملتها تبعیض قائل می شوند؟! آیا مستبدان و دیکتاتورها بایکدیگر متفاوتند و آیا قتل مظلومان در کشورهای عربی خلیج فارس با کشتار آنان در دیگر کشورهای اسلامی و افریقایی مانند لیبی تفاوت می کند؟! متأسفانه این همان وضعی است که تمام جهانیان هم اکنون در کشور بحرین شاهد آن هستند؛ کشوری که نظام حاکم آن بای رحمی تمام و با حمایت نیروهای باصطلاح *سپر جزیره* دست به کشتار مردم خود می زند. و علیرغم تمام این کشتارها بعضی از نخبگان و علمای مسلمان و همچنین رسانه های جهانی که خود را آزاد معرفی می کنند سکوت اختیار نموده و موضع قابل توجهی در برابر اشغال این کشور توسط نیروهای مذکور نگرفته اند.

ما در این مختصر نمی خواهیم بطور آشکارا سخن بگوییم اما هشدار می دهیم که موضع گیری مناسبی اختیار کنند! چرا که در غیر اینصورت ملتها و نسلهای آینده شما را نخواهند بخشید. خداوند این فرقه گرایی ناپسند و رخنه کرده در استخوانها را نابود کند، آیا ما نمی خواهیم از آن خلاصی یابیم تا مبادا خدا بر ما خشم گیرد و مردمانی بهتر که خداوند را دوست می دارند و خدا آنان را دوست دارد بجای ما برگزیند؟! به خویشان رحم کنیم و آنانرا مورد ظلم قرار ندهیم.

قائم مقام مجمع جهانی تقریب:

ایجاد تشکل های مردمی تقریبی/حمایت از خیزش های منطقه ای/بررسی عملکرد گذشته در کنگره وحدت سال ۹۰



اشاره: خبرنگار تقریب به سراغ حجت الاسلام والمسلمین سید موسی موسوی، قائم مقام دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی رفته و در گفت وگویی با وی، اولویت های کاری مجمع در سال ۱۳۹۰ را مورد سؤال قرار داده است. متن این گفت وگو به شرح زیر است:

جناب آقای موسوی، اصلی ترین و مهمترین اولویت کاری مجمع تقریب در سال ۱۳۹۰ به نظر حضرت تعالی چیست؟

سال ۱۳۹۰، مجمع جهانی تقریب با شرایط ویژه ای رویه روست که از اواخر سال ۸۹ هم پیش بینی می شد. با توجه به روند رو به گسترش خیزش های اسلامی و بیداری اسلامی که بحمدالله در سطح وسیعی از جهان اسلام اتفاق افتاده یا در آستانه اتفاق است، می توان این

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان:

حاکمان سعودی بی لیاقتی خود

را با سرکوب مردم بی دفاع

بحرین ثابت کردند

آیت الله عباسعلی سلیمانی در خطبه های نماز جمعه زاهدان اظهار داشت: کسانی که با ظالم در ظلم به مظلوم همکاری می کنند لیاقت خدمت گذاری به حرمین شریفین را ندارند و امت اسلام باید در این زمینه تصمیم جدی بگیرد. وی گفت: با کمال افتخار می توان جمهوری اسلامی ایران را از جمله نظام هایی دانست که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون همواره دفاع از مظلوم را وظیفه ذاتی خود دانسته است و همچنان با جدیت آن را دنبال می کند.

امام جمعه زاهدان با اشاره به اینکه بیداری امت های اسلامی در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام رشد فراوانی پیدا کرده است، افزود: قیام های مردمی در کشورهای اسلامی از جمله یمن، مصر، بحرین، لیبی و... سران کفر و استکبار را مبهوت ساخته است.

وی گفت: برخورد خشونت آمیز حاکمان کشورهای عربی علیه ملت های بیدار اسلامی و قیام های مردمی، نسخه نوشته شده توسط آمریکا برای رژیم های وابسته به خودش است.

نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان افزود: برخی از شخصیت های عضو سازمان مرکزی حقوق بشر بحرین ضمن مخالفت شدید با اقدامهای خشونت آمیز حاکمان این کشور با مردم بی دفاع و مظلوم، صدور مجوز اشغال بحرین توسط بیگانگان، ممانعت از کار مداوای مجروحان، بازداشت و مفقود شدن بیش از ۶۰۰ نفر از جمعیت بحرین و انتقال بازداشت شدگان به زندان های سعودی را از مهمترین اقدامات خشونت آمیز رژیم آل خلیفه در بحرین دانستند.

آیت الله سلیمانی گفت: این شخصیت ها همچنین بکارگیری مزدوران انگلیسی برای شکنجه کردن معترضان و زندانیان، اخراج شیعیان از اداره های دولتی و موسسات خصوصی و جلوگیری از حضور آنان در مساجد و حسینیه ها و شناسایی و بازداشت تمام تظاهر کنندگان مستقر در میدان اصلی بحرین را از دیگر اقدامات رژیم منفور آل خلیفه عنوان کردند.

امام جمعه زاهدان تاکید کرد: در آینده ای نه چندان دور شاهد کوتاهی دست ایادی استکبار از سر مظلومان جهان خواهیم بود.

ادعا را داشت که در نظام مقدس جمهوری اسلامی یکی از مهمترین نهادهایی که در راستای این توفیق الهی روی داده در جهان اسلام، مسئولیت سنگین جدیدی برعهده دارد، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی است.

امروز در رابطه با قیام هایی که در کشورهای مختلف اسلامی اتفاق افتاده، بیشترین چیزی که به آن نیاز است، ارتباط میان این نهضت ها و پشتیبانی از آنهاست تا در نهایت، اتحاد و وحدت امت از آن حاصل شود. اگر این تلاش های توده های مردم، طایفه ای نشان داده شده و در یک کشور و مرز خاصی محدود بماند، ضربه های زیادی به آن وارد خواهد شد.

ما در پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم با این حقیقت روبه رو بودیم؛ رهبر کبیر انقلاب از همان اولین روزهای پیروزی مطرح کردند که رستگاری ما در این است که اندیشه انقلاب اسلامی به جهان اسلام منتقل شود و انقلاب در مرزهای ایران محصور نماند.

با توجه به این حقیقت، هرچه بیشتر میان رهبران خیزش های مردمی در جهان اسلام و همچنین بین توده های مردمی که در صحنه هستند، پیوند محکم تری برقرار شود، این نهضت های بیداری به موفقیت نهایی نزدیک تر خواهند شد.

از جمله نهادهایی که بیشترین تأثیر را می تواند در نزدیکی شخصیت های انقلابی و توده های انقلابی داشته باشد، مجمع تقریب مذاهب اسلامی است. بر این اساس، این تکفر و احساس هم در شورای عالی مجمع تقریب وجود دارد و هم در شخص دبیرکل محترم مجمع حضرت آیت الله تسخیری، که برای سال ۹۰ علاوه بر ادامه برنامه های گذشته باید روند جدیدی را در برنامه ریزی ها با توجه به شرایط جدید جهان اسلام داشته باشیم.

با توجه به این اولویت که فرمودید، چه برنامه هایی باید در دستور کار قرار گیرد و مورد توجه مجمع است؟

از جمله پیش بینی هایی که در این راستا شده، این است که رفت و آمدها و همایش ها به صورت فعالانه تر پیگیری و انجام شود؛ به ویژه برگزاری همایش های تقریبی در کشورهای مختلف. از سوی دیگر، تشکیل تشکل های تقریبی به صورت جدی تر در دستور کار قرار خواهد داشت.

امسال همچنین مجمع در نظر دارد، در جهت انجام بهتر مسئولیت تقریبی خود که همانا گسترش اندیشه تقریب است، بازنگری در عملکرد گذشته

خود داشته و در این زمینه آسیب شناسی کند. بر این اساس، کار ویژه ای را امسال در دستور کار قرار داده که می تواند منشأ برکاتی برای تقریب باشد. همچنین امسال تصمیم بر این است که با لحاظ شرایط ویژه منطقه ای، اولاً کنگره وحدت اسلامی مختص اعضای مجمع عمومی تقریب برگزار شود که عدد بالایی از شخصیت های مؤثر داخل و خارج را در برمی گیرد. موضوع مورد عنایت کنگره هم بررسی روند ۲۰ ساله مجمع تقریب و استراتژی ۱۰ ساله مجمع خواهد بود. تا با بررسی روند گذشته و آسیب شناسی آن، موارد قوت و ضعف کار شناسایی شده تا بنیانی برای برنامه ریزی اساسی برای استراتژی آینده تقریب باشد. تصور بنده این است که کار بسیار اساسی و ارزشمندی است که منشأ برکات زیادی خواهد بود.

نکته ای که باید اینجا ذکر کنم این است که طبق تجربه تاریخی به ما روشن شده که هر زمان ارزش های اسلامی بیشتر جلوه کرده، تلاش های دشمن برای زدودن آن نیز مضاعف شده است و هر بار در جهان اسلام فرصتی برای وحدت پیش آمده، تلاش های تفرقه انگیز دشمن هم چندین برابر شده است. ما نباید از این مهم غافل باشیم.

متأسفانه به رغم بیداری اسلامی و گسترش آن و فضای خوبی که در داخل کشور در رابطه با نزدیکی شیعه و سنی داریم، فتنه های جدیدی هم در عرصه تقریب وجود دارد و در راه است. مجمع تقریب از این جهت و با توجه به شرایط خاص کنونی، درصدد شناسایی این فتنه های جدید و بررسی راه های جلوگیری از آنهاست.

از دیگر نیازهای مهم تقریب که جزو اولویت های کاری مجمع نیز هست، تلاش در مسیر ارتقای سطح اطلاع رسانی است. تفاوتی که مجمع تقریب با نهادها و تشکل های مشابه خود دارد، این است که خیلی از این تشکل ها اجرایی هستند ولی مجمع یک نهاد فکری است و هرچند با هدف تقریب شکل گرفته ولی این بدان معنا نیست که مجمع بار اجرایی تقریب را به دوش دارد بلکه مجمع مرکزیت فکر تقریب است. در واقع مجمع بیشتر از آنی که خود را موظف بداند که رأسا وارد میدان شود و تلاش های تقریبی انجام دهد، باید فکر و اندیشه تقریب را در جهان اسلام گسترش دهد. انجام این مهم نیازمند توجه جدی به حوزه اطلاع رسانی و رسانه است. با توجه به این نکته، تصمیم بر آن است که بیش از گذشته در زمینه رسانه ای کار شود و رسانه های وابسته به مجمع مثل خبرگزاری تقریب تقویت شوند. همچنین در نظر داریم فرآیند رسیدن به یک شبکه ماهواره ای را با سرعت و جدیت

با حکم نماینده مقام معظم رهبری در کردستان:

معاون فرهنگی و امور روحانیون مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور معرفی شد

موثری در خنثی کردن توطئه دشمنان ایفا کند لذا باید مسئولان مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور با تمام توان زمینه لازم را برای بهره مندی از نظرات، معلومات و توانمندی های روحانیون برجسته و امامان جمعه و جماعت اهل سنت منطقه فراهم کنند.

در پایان این مراسم حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی با تقدیر از خدمات ارزنده و ماندگار معاونین پیشین فرهنگی، اجتماعی و امور روحانیون طی احکامی، حجت الاسلام والمسلمین فراشی را به عنوان معاون فرهنگی و امور روحانیون، حجت الاسلام والمسلمین عبدالوهاب ابوطالبی را به عنوان مسئول دبیرخانه ائمه جمعه منطقه کردستان و مسئول امور روحانیون و مهدی صفی یاری را به عنوان مسئول اداره فرهنگی و اجتماعی و مسئول اجرایی نشریه تبیان معرفی کرد.

است و امید است مسئولان و کارکنان این مرکز در مسیر تحقق این اهداف تمام توان خویش را به کار گیرند. نماینده مقام معظم رهبری در منطقه کردستان، اظهار داشت: دشمنان نظام مقدس اسلامی تمام تلاش خود را برای به انحراف کشیدن جوانان کشور بویژه جوانان پاک و متعهد این منطقه به کار می گیرند که در این راستا مسئولیت مرکز بزرگ اسلامی غرب کشور و معاونت فرهنگی این مرکز سنگین تر از گذشته بوده و باید با اطلاع رسانی درست و به موقع در برابر شبهه افکنی آنان ایستادگی کنند.

حجت الاسلام والمسلمین حسینی شاهرودی افزود: اطلاع رسانی به روز به روحانیون و طلاب اهل سنت منطقه در راستای پاسخگویی به شبهات و نیازهای جوانان و اقشار مختلف مردم می تواند نقشی

رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی به کنگره آیت الله العظمی مرعشی نجفی:

کتابخانه آیت الله مرعشی نشانه اهمیت و عظمت میراث مکتوب ماست

رهبر معظم انقلاب در پیامی به کنگره بین المللی بزرگداشت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) بزرگداشت چنین شخصیت ارزشمند و ذوابعدی را کاری به جا دانست.

متن پیام که در مراسم آغاز به کار این کنگره توسط حجت الاسلام و المسلمین سعیدی، تولید آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) قرائت شد به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم
خیلی کار به جایی دارد انجام می گیرد که این شخصیت ذوابعد تجلیل می شود؛ مرحوم آیت الله مرعشی (ره) یک تفاوت هایی با معمول و متعارف مراجع داشتند، یکی از این تفاوت ها همین مساله انس با کتاب و کتاب شناسی و نسخه شناسی است، این را ما کمتر دیدیم، البته بزرگانی از مراجع و علمای بزرگ بوده اند که کتابخانه های قدیمی و خوبی در نجف و قم داشتند، اما انس با کتاب و شناختن نسخه های خطی و شناختن مولفین از جمله خصوصیات مرحوم آیت الله مرعشی نجفی بود که ایشان این هنر بزرگ را نیز در کنار سایر مفاخری که در وجود ایشان بود، داشتند.

یکی از علل ارتباط ایشان با بعضی از برجستگان و نام آوران دانشگاهی شاید همین بود که مکاتباتی داشته اند، زیرا مساله کتاب و نسخه و مولفین و جمع کتاب و شناسایی کتاب در زندگی ایشان تأثیر داشت.

یکی دیگر از خصوصیات ایشان تنوع در معلومات بود و همین مساله آشنایی با انساب و مسایل مربوط به انساب چیز کمی نیست، چیز مهمی است، ایشان آشنایی داشتند، کار کرده بودند و مطالعات زیادی در این زمینه داشتند.

در ادامه آمده است: یک مساله دیگر نیز مساله اجازت و تسلسل ارتباط علمای شیعه از لحاظ اجازه روایتی به یکدیگر بود که ایشان در این قضیه هم خیلی فعال بودند.

همین طور که اشاره شد ایشان با علمای معروف دنیای اسلام ارتباط داشتند از آنها اجازه گرفته بودند و به آنها اجازه روایت داده بودند، تبادل اجازات داشتند؛ اینها جزو آن نکات برجسته ای است که خوب است در مورد ایشان شناخته شود و شناسانده شود.

یک خصوصیت دیگر مرحوم مرعشی نجفی در قم، انس با مردم بود، ایشان یک مرجع مردمی بود، با مردم ارتباط داشت، مانوس بود؛ می آمدند؛ می رفتند؛ خیلی راحت با مردم برخورد می کردند، به قدری ایشان با مردم قم ارتباطشان نزدیک بود که خیلی ها ایشان را اصلاً قمی می دانستند، هیچ کس ترکی حرف زدن آقای مرعشی را - خوب ایشان تبریزی بودند - ندیده بود.

در بخش دیگری از این پیام آمده است: ایشان ارتباطشان با مردم خیلی نزدیک بود، حتی گاهی (که) بعضی از طلبه های ترک می رفتند با ایشان

کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره) از لحاظ کیفیت نسخه های نفیس و کهن خطی اسلامی به عنوان بزرگترین کتابخانه در کشور ایران و سومین کتابخانه جهان و مرکز بزرگ فرهنگی بین المللی در دنیا شناخته شده است.

تولیت کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی در گفت و گو با ایرنا بیان کرد: مرحوم آیت الله مرعشی نجفی قبل از تاسیس کتابخانه حدود ۲۸۷ جلد نسخه فارسی از کتابهایشان را به دانشگاه الهیات تهران، ۴۰۰ نسخه خطی را به کتابخانه شهر ری و برخی دیگر از کتابها را به کتابخانه مشهد مقدس، حرم کریمه اهل بیت (ع) و شاه چراغ در شیراز هدیه کرد.

وی افزود: این عالم فقیه پس از تاسیس یکی از چهار مدرسه علمی بزرگ در قم به نام مدرسه مرعشیه، مجموعه ای از کتابهای چاپی و بخشی از نسخه های خطی را به طبقه سوم این مدرسه انتقال و این مجموعه از کتب را در اختیار روحانیون و علما قرار داد.

به گفته دکتر مرعشی، به دلیل استقبال پژوهشگران و محققان، این مکان بزودی با کمبود فضا مواجه شد به همین دلیل، این مرجع زمین کوچکی را در اختیار گرفت و کتابخانه فعلی را تاسیس کرد.

وی ادامه داد: این کتابخانه نیز برای فعالیت طلاب کوچک بود، لذا حضرت امام خمینی (ره) طی حکمی در سال ۱۳۶۷ دولت وقت را موظف کرد که زمینهای اطراف این کتابخانه را در اختیار آیت الله مرعشی قرار دهد و به این ترتیب کتابخانه مرعشی نجفی (ره) راه اندازی شد.

این مرجع تقلید بعد از زمان کوتاهی از تاسیس این کتابخانه، دارفانی را وداع گفت و آثار ارزشمندی را از تالیف خود و کتابهای خطی کشورهای اسلامی را از خود به یادگار گذاشت. کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی بسیاری از کتب خطی اسلامی جهان را داراست، بگونه ای که بسیاری از این کتب جزو نفیس ترین متون تاریخی

ترکی صحبت می کردند، ایشان فارسی جواب می داد، ارتباط با مردم یک خصوصیت برجسته ای در ایشان بود، ایشان با مردم، مانوس و راحت بودند و اینها خصوصیات ممتازی است.

ایشان نسبت به امام و انقلاب نیز، از ابتدا همراهی داشتند، مرحوم حاج آقا مصطفی یکی از بیوتی که بعد از زندانی شدن امام با آنجا ارتباط داشتند، بیت مرحوم آقای مرعشی بود که با ایشان ارتباط نزدیکی داشتند و می رفتند و می آمدند.

واقعاً جوانان ما و خیلی از مردم ما، خصوصیات اخلاقی، منش ها و رفتارهای این بزرگان را می شناسند، (اگر) بشناسند، محبت اینها در دلشان جاگیر می شود و خیلی لازم است که این کار انجام بگیرد.

در بخش پایانی پیام تصریح شد: به هر حال من خوشحالم از اینکه این کار را می کنید (برگزاری کنگره)، از همه هم تشکر نیز می کنم، این کتابخانه هم که ایشان به یادگار گذاشتند، حقاً یک میراث ارزشمند است.

این کتابخانه های بزرگان که من اشاره کردم، خیلی از اینها تلف شده، (دیگر) نیست، مثلاً در نجف کتابخانه مرحوم شیخ علی کاشف الغطاء از کتابخانه های بسیار مهم و معتبر بوده است و بد نیست (این قضیه) دنبال شود، پیگیری شود، کتابخانه مرحوم آنتیخ علی کاشف الغطاء پدر شیخ محمد حسین کاشف الغطاء معروف، اینها معلوم

کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی، بزرگترین کتابخانه کشور



کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی دارای بخشهای دیگری از جمله گنجینه اسناد مکتوب با مجموعه ای بیش از یکصد هزار سند دستنویس از پنج سده قبل تاکنون و نسخه هایی از انجیل به لاتین و ارمنی است. گنجینه نسخه های چاپی بسیار کهن زبان عربی، فارسی، ترکی، لاتین و ارمنی سده های دهم و یازدهم هجری از جمله: القانون و النجاة ابن سینا، تحریر اقلیدس خواجه نصیرالدین طوسی و نزهة المشتاق شریف ادریسی از منابع دیگر این کتابخانه است.

همچنین این کتابخانه دارای گنجینه نسخه های چاپ سنگی نادر و کمیاب، گنجینه های مرکزی کتابهای چاپی فارسی، عربی، ترکی، اردو و غیرلاتین، گنجینه فهارس نسخه های خطی اسلامی کتابخانه های جهان و گنجینه کتابهای مرجع و قفسه باز می باشد.

گنجینه اطلس ها و نقشه های جغرافیایی، گنجینه کتابهای چاپی مکرر، گنجینه کتابهای چاپی و مجلات و روزنامه های لاتین از بخش های دیگر کتابخانه بزرگ آیت الله مرعشی نجفی است.

قم شناسی، تبارشناسی و فهرست نگاری نسخه های خطی از خدماتی است که در این کتابخانه ارایه می شود و کتاب و مقالاتی درباره قم، بیشترین منابع در باره علم نسب به زبانهای مختلف دنیا و تنظیم و نگارش فهرست نسخه های خطی در این بخش گردآوری شده است.

از کارهای مهمی که در این کتابخانه صورت می گیرد می توان به مرمت و بازسازی کتب خطی و اسناد دستنویس اشاره کرد که تعدادی از افراد مجرب و متخصص، نسخه های فرسوده و آسیب دیده را ترمیم و بازسازی می کنند ضمن اینکه افرادی از کشورهای از جمله یمن، آسیای میانه، عراق برای آموزش عملیات مرمت و بازسازی کتب خطی و نسخه به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی عزیمت می کنند.

همچنین برخی از نسخه های خطی این

کتابخانه میکروگرافی (فشرده سازی اطلاعات) و در آن میکروفیلم از نسخ خطی تهیه می شود تا خدمات دهی ایمن تر و نگهداری بهتر انجام پذیرد. بیش از چهار هزار حلقه میکروفیلم از نسخه های نفیس کتابخانه های جهان فراهم شده که این امکان دسترسی به نسخه های خطی کتابخانه های دوردست را به پژوهشگران مسایل اسلامی می دهد. همچنین اطلاعات و داده ها از میکروفیلم ها بر روی دیسکت های رایانه ای با استفاده از اسکنر ویژه نسخه های خطی و ارتباط با کتابخانه های داخل و خارج در این مرکز انجام می شود.

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی، حفظ و حراست از ذخایر مکتوب اسلامی، آگاهی و استفاده پژوهشگران از وجود منابع مکتوب گردآوری شده، ایجاد یک مرکز بزرگ فرهنگی اسلامی بین المللی و گسترش فرهنگ تحقیق و پژوهش در جامعه را از اهداف مهم پدرش برای احداث این کتابخانه برشمرد.

وی افزود: این کتابخانه در خارج از کشور بیشتر شناخته شده است، زیرا محققان و پژوهشگران با منابع این کتابخانه آشنایی پیدا کرده و به اهمیت آن واقف اند.

دکتر مرعشی اضافه کرد: هر سال بیش از پنج الی شش همایش در دنیا در باره کتابخانه ها، نسخه های خطی و شخصیت های علمی برگزار می شود که از این کتابخانه نیز برای شناخت بیشتر دعوت می شود.

انتقاد آیت الله سبحانی از عملکرد برخی نشریات

نشریات باید نسبت به تمام ثابتات و قوانین اسلام معتقد باشند، نباید به عنوان نوآوری و آزادی بیان در ذهن مردم ایجاد شک و تردید نمایند و یا بر ضد صریح قرآن عمل کنند. حضرت آیت الله سبحانی در دیدار رئیس دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم اظهار داشتند: در ماهیت تبلیغ اسلامی محتوای چهارگانه آیه شریفه «الَّذِينَ يَلْعَنُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» (الاحزاب: ۳۹) نهفته است، نظام تبلیغاتی اعم از دفتر تبلیغات و سازمان تبلیغات باید محتوای رسالات الله را تبلیغ کنند.

وی افزود: مبلغ واقعی اسلام غیر از خدا از هیچ کس نمی ترسد لذا باید مبلغان در پیش برد اهداف اسلامی سعی و تلاش خود را در چندان کنند. حضرت آیت الله سبحانی با انتقاد از برخی نشریات، خاطر نشان کردند: اگر گردانندگان نشریات نسبت به ثابتات و قوانین اسلام شک و یا تردید در اذهان مردم ایجاد کنند، ضد صریح آیه قرآن عمل کردند. وی افزود: و کفیی بالله حسیباً چتری است که بر سر همه مسئولین و نهادهای اسلامی گسترده شده و حساب گری

مدیر حوزه علمیه تهران:

حیات تشیع مرهون تبلیغ روحانیت است



مدیر حوزه علمیه تهران گفت: روحانیت از زمان ائمه معصومین (ع)، مبلغ دین خدا بوده و حیات تشیع مرهون زحمات و تبلیغ آنان است. حجت الاسلام والمسلمین سید محمد باقر خسروشاهی در نشستی با معاون تبلیغ و آموزشهای کاربردی حوزه استان تهران و کارکنان این معاونت با اشاره به اینکه روحانیان مورد تایید و اعتماد مردم هستند، افزود: مبلغین باید مشاور مردم و در ارتباط تنگاتنگ با آنان باشد. وی با بیان اینکه امر تبلیغ نباید جنبه صنعتی و آماری داشته باشد، ابراز داشت: حضور مبلغان در میان مردم و به زبان مردم سخن گفتن از ویژگیهای بارز یک مبلغ موفق است. حجت الاسلام والمسلمین خسروشاهی به نقش خانواده‌های مبلغان اشاره کرد و اظهار داشت: باید برای همسران مبلغان نیز تغذیه فکری داشته باشیم تا بتوانند مبلغین را در امر تبلیغ یاری کنند. مدیر حوزه علمیه تهران اظهار داشت: روحانیت از زمان ائمه معصومین (ع)، مبلغ دین خدا بوده و حیات تشیع مرهون زحمات و تبلیغ علماست.

معاون ارتباطات و امور بین الملل جامعه المصطفی العالمیه:

تبیین محورهای اساسی نظام اقتصاد اسلامی ضروری است

معاون ارتباطات و امور بین الملل جامعه المصطفی العالمیه گفت: تبیین محورهای اساسی در حوزه اقتصاد و مشخص کردن چارچوب نظام اقتصاد اسلامی، وظیفه خطیر و بزرگی بر دوش حوزویان است. حجت الاسلام مجید حکیم الهی گفت: تبیین محورهای اساسی نظام اقتصاد اسلامی در سال جهاد اقتصادی ضروری است. وی اصلاح الگوی مصرف، همت مضاعف و کار مضاعف و جهاد اقتصادی را حلقه‌های مرتبط با هم دانست و گفت: پیام‌های نوروزی رهبر معظم انقلاب، منظومه‌ای وابسته به یکدیگرند که به هم پیوند خورده‌اند. وی در ادامه با بیان این که همواره در زندگی برای پیشرفت، تعالی و ترقی جهاد لازم است، افزود: جهاد در عرصه‌های مختلفی به انجام می رسد که از آن جمله می توان به جهاد با جان و نفس، جهاد اخلاقی، جهاد علمی و جهاد اقتصادی اشاره کرد. حجت الاسلام والمسلمین حکیم الهی خاطر نشان کرد: برای این که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور اسلامی برای تمام کشورهای منطقه و حتی دنیا الگو شود، نیازمند رشد و تعالی نظام اسلامی و مردمسالاری دینی در اداره کشور از سویی و از سوی دیگر توجه به امور دنیوی مردم در کنار توجه به امور اخروی است که خود نیاز به یک جهاد اقتصادی دارد. وی با بیان این که اکثر مردم دنیا بر این تصورند که اسلام

پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب در پی درگذشت مرحوم

آیت الله حاج شیخ محمد صادقی تهرانی



حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیامی رحلت عالم متفکر و بزرگوار آیت الله حاج شیخ محمد صادقی تهرانی را تسلیت گفتند. متن پیام تسلیت رهبر معظم انقلاب به شرح زیر است: بسمه تعالی جناب آقای مهدی مصطفوی (دامت توفیقانه) درگذشت عالم متفکر و بزرگوار مرحوم آیت الله آقای حاج شیخ محمد صادقی تهرانی را که عمری به تلاش علمی و قرآنی گذرانیدند و آثار فراوانی از خود به یادگار گذاشتند، به جنابعالی و دیگر بازماندگان محترم ایشان تسلیت عرض می کنم و از خداوند پاداش نیک و مغفرت و رحمت واسعه برای آن مرحوم مسألت می نمایم.

والسلام علیکم ورحمة الله

سیدعلی خامنه‌ای

۶ فروردین ۱۳۹۰

به گزارش آینده روشن، آیت الله صادقی که از یاران با سابقه امام راحل (ره) در دوران مبارزات پیش از انقلاب و مفسری بزرگ و صاحب رساله بود، در اولین روز سال نو بدرود حیات گفت.

بنابر این گزارش، وی از شاگردان آیات عظام مرحوم بروجردی، شاه آبادی و امام خمینی (ره) و از سابقین در امر مبارزه بود و همه عمر خود را در مبارزه صرف کرد. حجت الاسلام والمسلمین شیخ محمدعلی رحمانی از یاران امام در نجف و از اعضای دفتر امام در نجف، قم و تهران که سال ها افتخار حضور در درس تفسیر آیت الله صادقی را داشته است به نقل از آیت الله حسن صانعی که در آن روزها ملازم حضرت امام راحل (ره) در قم بود نقل می کند: «وی در اولین سالگرد ارتحال مرحوم آیت الله بروجردی در حضور امام سخنرانی تند و بسیار افشاگرانه‌ای علیه شاه ایراد کرد که امام ترجیح داد منتظر او بایستد و او را با تاکسی به خانه ببرد تا مبادا به دست ماموران ساواک دستگیر و زندانی شود.

پس از آن به دلیل اینکه رژیم شاه به دنبال دستگیری، محاکمه و اعدام او بود پس از آنکه پنج روز در خانه امام مخفی شد با تدبیر حضرت امام که دستور داد برای او عمامه مشکی تهیه کنند از چنگ ماموران ساواک فرار کرد.

او با این ترفند از خانه امام خارج و بلافاصله به تهران رفت. پس از مدت کوتاهی به قصد حج با گذرنامه برادرش از ایران خارج شد و پس از سفر حج از طریق سوریه به نجف رفت و در ایامی که امام در تبعید ترکیه بود مقدمات ورود امام را به نجف فراهم کرد.

در سال های مهاجرت او به نجف ساواک با اعزام افرادی به عراق به دنبال ربایش و انتقال وی به ایران جهت محاکمه و اعدام بود که موفق به این کار نشد و در ابتدای ورود او به عراق مرحوم آیت الله العظمی خویی به همین دلیل او را سه ماه در خانه خود مخفی کرد تا گرفتار ماموران ساواک نشود.

آیت الله از مفسران بزرگ و معاصر شیعه بود که ۳۰ جلد تفسیر به نام الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة نوشته است. وی علاوه بر سال ها تدریس در حوزه و دانشگاه صاحب بیش از ۲۰۰ جلد کتاب در عمر بابرکت خود می باشد.

هجرت آرام مفسر قرآن

دکتر امیر دبیری مهر -تهران امروز

در تعطیلات نوروزی امسال، حوزه‌های علمیه و قرآن پژوهان جهان اسلام یکی از شخصیت‌های متفکر، متواضع و نوگرای دینی و صاحب تفسیر الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه در ۳۰ جلد یعنی حضرت آیت الله حاج شیخ محمد صادقی تهرانی را از دست دادند. ایشان از روحانیون با صفا و بی ادعا و در عین حال پرکار و محقق و بسیار شجاع در اجتهاد بودند و همین رویکرد ایشان نیز موجب آزدگی خاطر برخی سنت گرایان در حوزه‌های علمیه بود هرچند برخی مواضع فقهی - سیاسی ایشان نیز مخالفان جدی داشت که البته در حوزه‌های علمیه دینی امری طبیعی است. رساله عملیه قرآن محور و عقل مدار ایشان برای بسیاری از محققان آشنا و همواره محل بحث و مباحثه بوده است. ایشان از شاگردان مبارز آیت الله خویی و از مبارزان موثر نهضت اسلامی در دوران ستمشاهی نیز بودند.

چند سال پیش با جمعی از مدیران فرهنگی کشور از جمله برادر ارجمند دکتر سید محمدحسینی وزیر کنونی فرهنگ و ارشاد اسلامی که در آن زمان مدیر حوزه ریاست صدا و سیما بود برای دیدار با تعدادی از مراجع معظم تقلید سفری به قم داشتیم. به تشویق و تحریض یکی از دوستان که از علاقه و شوق اینجانب به دیدار علما و فضلا در نخله هاو مشرب‌های مختلف آگاه بود در وقت استراحتی که داشتیم به منزل حضرت آیت الله صادقی تهرانی رفتیم و ایشان را همانطور که تصور داشتم عالمی ساده زیست و بی پیرایه و شدیداً پژوهش مدار یافتم و در چند دقیقه ملاقات ایشان فقط از قرآن گفتند و ما پرسیدیم و بحث کردیم. ایشان نیز در نهایت صفا و صمیمت شماره مستقیم خودشان را به من دادند و فرمودند هروقت نیاز بود تماس بگیرید تا صحبت کنیم. رفتاری دیگری که تواضع ایشان را بر من هویدا کرد زمانی بود که یکی از همراهان قصد دست بوسی ایشان را داشتند و ایشان جدا امتناع کردند و فرمودند دعا فرماید امام معصوم ظهور فرماید و به دست بوس ایشان بشتابید که جز معصوم کسی شایسته دست بوسی نیست. خدایش رحمت کند و با اولیا و صالحان محشور گرداند.

راه سخت است، امیدها بسیار

خیز نجف برای پایتخت فرهنگی جهان اسلام

شهر آماده نیست

با توجه به آنکه در اکتبر ۲۰۰۹ از سوی سازمان اسلامی آموزشی، علمی و فرهنگی (آی‌اس‌سکو)، سه شهر نجف از عراق، داکا پایتخت بنگلادش و نیامی پایتخت نیجریه به عنوان نامزد های پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۲ شناخته شدند، دولت عراق تاکنون، نیم میلیون دلار برای بازسازی شهر نجف اشرف و آماده سازی آن برای این انتخاب هزینه کرده است، اما هنوز هیچ نشانی نسبت به آمادگی این شهر برای پذیرفتن پایتخت فرهنگی جهان اسلام در سال ۲۰۱۲ دیده نمی شود.

بحران سیاسی و امنیتی که در عراق منجر به آن شده است که موضوع میزبانی شهر نجف برای سال آینده میلادی به تعلیق درآید. بسیاری از پروژه های اصلی که بر اساس آنها بودجه در نظر گرفته شده بود، هنوز حتی آغاز به کار نیز نشده است. با این وجود مسئولان شهر نجف همچنان نسبت به آماده سازی این شهر تا سال آینده خوشبینند.

نزار حسین نفاخ، عضو شورای اداری استان نجف در گفت و گو با خبرگزاری میدل ایست آنالاین گفته است که: «هنوز امکانات اولیه برای زائران شهر نجف فراهم نشده است. ما برای آمادگی جهت پایتختی فرهنگی جهان اسلام راه بسیار طولانی و سختی در پیش داریم. اما امیدواریم که با برنامه ریزی صورت گرفته بتوانیم نجف را برای سال آینده آماده سازیم.» تلاش های بسیاری در جهت عادی سازی شرایط بحرانی عراق پس از سال ها جنگ و دیکتاتوری و ناامنی در حال انجام است که این انتخاب آی‌س‌سکو نیز در همین راستا بود. همچنین به دلیل رایزنی های صورت گرفته دولت عراق با برخی سران عرب، بسیاری انتظار داشتند که جلسه آینده سران کشورهای عربی به میزبانی شهر بصره در جنوب عراق باشد که البته با وقوع حوادث اخیر بصره این احتمال بسیار ضعیف شده است. همچنین است انتخاب بصره به عنوان میزبانی ۲۰۱۳ جام فوتبال کشورهای خلیج فارس که در هاله ای از ابهام قرار گرفته است.

میراث فکری امام

خانم تمارا تنیشویلی، کارشناس یونسکو در امان پایتخت اردن، پیش از این نیز گفته بود که: «تمام این انتخاب ها در شهرهای مذهبی شیعی جنوب عراق، بر اساس بازسازی فرهنگ و معماری و ادبیات این خطه تاریخی و عادی سازی بحران آن منطقه است.»

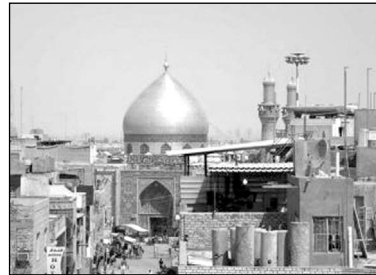
هم اکنون در نجف برای کسب میزبانی پایتختی فرهنگی جهان اسلام، برنامه هایی برای سال ۲۰۱۲ در حال تدارک است که از جمله آن برگزاری جشنواره موسیقی سنتی عراق، سلسله نشست های علمی در ارتباط با موضوع تروریسم اسلامی (اسلام هراسی) و همچنین میراث فکری، عملی و اخلاقی امام علی بن ابی طالب (ع) است که حرم ایشان در نجف این شهر را به عنوان مهم ترین مرکز علمی مذهب تشیع قرار داده است.

نجف با وجود آثار باستانی بسیار گرانبهای پیش از دوره اسلامی و صدر اسلام و همچنین مقبره چند پیامبر بزرگ، می تواند محل جذب توریست های غیرمسلمان نیز واقع شود. اما مهم ترین اتفاق شهر نجف که ابعاد دینی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را با خود در پی داشته است، همان تأسیس حوزه علمیه نجف است که همواره این شهر را در صدر تحولات منطقه قرار می داد و هزاران شاگرد را از سراسر جهان اسلام به خود جذب می کرد.

بودجه نیم میلیون دلاری

لازم به ذکر است بودجه ای که دولت برای آماده سازی این شهر در سال ۲۰۱۲ تخصیص داده رقمی برابر ۴۵۵ میلیون دلار است که بیشتر برای تأسیس مجمع فرهنگی عالی نجف و همچنین کمیته بازسازی و جبران کاستی های این شهر مربوط می شود. طبق برنامه اعلامی کمیته بازسازی، جمعا ۷۰ پروژه در این شهر تا سال آینده تصویب شده است که تاکنون ۲۰ درصد آنها هنوز آغاز به کار نیز نشده اند.

در رابطه با ساختمان مجمع عالی فرهنگی، زمینی به مساحت ۱۱۵ هزار متر مربع برای آن تخصیص داده اند که ۴۴ هزار متر مربع بنا دارد و



طبق گفته کارفرمای این پروژه مهندس اوگوز دوزندور از ترکیه، بنای این ساختمان در موعد مقرر (ماه می ۲۰۱۲) آماده خواهد شد. گفتنی است که روزانه ۶۰۰ کارگر به صورت ثابت روی این پروژه مشغول به کارند تا بتوانند شهر فرهنگی منطقه را که شامل سالن های کنفرانس، آمفی تئاتر، کتابخانه و موزه است را در این زمان اندک بسازند. عقیل مندلاوی مسئول کمیته هماهنگی نجف ۲۰۱۲ در وزارت فرهنگ عراق نیز از این مجمع به عنوان بزرگ ترین مرکز فرهنگی عراق نام برد که می تواند با مراکز فرهنگی کشورهای منطقه نیز رقابت کند. وی همچنین از طرح احداث بزرگ ترین بزرگراه عراق در نجف تا سال آینده خبر داد. مندلاوی ادامه داد: تأخیر در بازسازی نجف، ریشه در اصلاح مشکلات زیربنایی این شهر از جمله راه اندازی سیستم آب و فاضلاب شهری در این شهر دارد که تاکنون در آن وجود نداشته است. همچنین رویکرد تعمیدی دولت دیکتاتوری بعث برای تخریب و ویرانه نگه داشتن این شهر نیز مزید بر علت بود. بسیاری از طرح های ناتمام مانده از دوران صدام که شاید برخی از آنها قدمتی ۳۰ ساله دارند در فراخوانی میان شرکت های داخلی و خارجی به مناقصه گذاشته ایم که برخی از آنان با استقبال خوبی مواجه شده اند.

همچنین یکی از مهم ترین برنامه های کمیته بازسازی در این یک سال، تأسیس و بازسازی هتل های نجف است که از وضعیت اسفناکی برخوردارند و بیشتر تازه تأسیس ها نیز شخصی بوده و اکثراً توسط هیئات ایرانی ساخته شده است. مندلاوی در گزارش خود، از احداث یک هتل ۵ ستاره نیز در نجف پرده برداشت. با دخالت و سرمایه گذاری اتاق بازرگانی نجف، احداث و تکمیل چند هتل مجهز از جمله آن هتل ۵ ستاره تا سال آینده تضمین داده شده است، تا زائران نجف بتوانند از امکانات بهتری برخوردار شوند و دیگر نیازی برای بازگشت آنان و اقامت در بغداد به فاصله ۱۶۰ کیلومتر از نجف نباشد.

همه چیز درباره نجف

شهر نجف مهم ترین شهر مذهبی عراق، مدفن امیرالمؤمنین امام علی (ع) و مرکز استان نجف است و جمعیت آن طبق آخرین سرشماری ها نزدیک به ۶۰۰ هزار نفر برآورد

شده است. نجف در ۷۵ کیلومتری جنوب شرقی کربلا و ۱۶۰ کیلومتری جنوب بغداد قرار گرفته است. شهر نجف از لحاظ جغرافیایی پیوسته به شهر کوفه بوده و در غرب آن قرار دارد. نزدیکی شهر نجف و کوفه به نحوی است که نمی توان این دو شهر را از همدیگر مجزا دانست. نجف در قدیم به عنوان یکی از مناطق حاشیه ای کوفه محسوب می شد، اما امروزه به خاطر اهمیت بالای نجف و موقعیت مذهبی و سیاسی آن، این شهر کوفه است که در ذیل نجف و تحت قیمومت آن قرار گرفته است.

نجف قدیم به حالت یک منطقه بیضی نامنظم است که قطر شرقی - غربی آن ۹۵۰ و قطر شمالی - جنوبی آن ۷۸۰ متر است، دور این منطقه را خیابانی به نام شارع المحيط احاطه و خیابان طوسی و الرسول آن را به دو بخش شرقی - غربی و خیابان امام صادق (ع) و امام زین العابدین (ع) که در شمال و جنوب حرم موازی با هم امتداد دارند این منطقه را به بخش های شمالی و جنوبی تقسیم می کنند که حرم و بازار در حد فاصل آنها قرار دارند، منطقه نجف قدیم به چهار محله مشراق، براق، عماره و حویش تقسیم شده است. به علت حضور علمای بزرگ کشور عراق در شهر نجف از جمله آیت الله سیستانی و افراد متعددی از خاندان آیت الله حکیم و صدر و همچنین وجود حوزه ها و مدارس علمیه متعدد و مرقد مطهر امام علی (ع) و علمای فراوان، نجف مرکز قدرت سیاسی شیعیان در عراق به شمار می رود. گرچه در متون تاریخی اشاره ای به نام نجف در طول تاریخ نشده است، اما بر اساس برخی روایات و احادیث کشتی نوح در این مکان آرام گرفت و فرزندان نوح در این مکان روزگار گذراندند و پس از زیاد شدن نسل در سراسر جهان پراکنده شدند. همچنین نقل شده است که نجف، منزل حضرت ابراهیم (ع) بوده است.

نقطه عطف تاریخ نجف

در عصر اسلامی تا زمان عباسی نام چندانی از نجف به چشم نمی خورد. آشکار شدن قبر مطهر حضرت علی (ع) نقطه عطف تاریخ نجف به حساب می آید. حضرت علی (ع) در ۲۱ رمضان سال ۴۰ هجری قمری به شهادت رسیدند. پیکر مطهر حضرت بر اساس وصیت ایشان شبانه از کوفه به نجف منتقل و دفن شد. فرزندان امام (ع)، ایشان را مخفیانه دفن کردند تا خوارج امکان جسارت به قبر مطهر را نیابند. از مکان قبر امام علی (ع) تنها فرزندان و یاران خاص ایشان باخبر بودند و به صورت مخفیانه ایشان را زیارت می کردند.

امام سجاده (ع) و امام محمدباقر (ع) به صورت پنهانی در دوران بنی مروان به زیارت قبر حضرت می رفتند. امام صادق (ع) در عصر بنی عباس بارها از مدینه به عراق رفتند و سنت زیارت مرقد شریف حضرت علی (ع) از زمان این امام به صورت محدود و مخفیانه رونق گرفت. این مکان مقدس بیش از ۹۰ سال برای عموم پنهان ماند. با آشکار شدن مزار امام (ع)، شهر نجف مورد استقبال و توجه عمومی قرار گرفت و عمران و آبادانی آن آغاز شد.

در شهر نجف اشرف و اطراف آن، علاوه بر مرقد مطهر حضرت علی (ع) اماکن زیارتی فراوانی وجود دارد از جمله مسجد کوفه، مسجد سهله، قبرستان وادی السلام، مسجد حنانه، مرقد کمیل بن زیاد، مرقد میثم تمار، مقام امام زمان (عج)، مرقد حضرت هود و صالح که هر یک به تفصیل شرح داده خواهند شد.

مرتضی اخوان - جوان آنلاین

برترین بانوی خلقت در کلام

حضرت آیت الله جوادی آملی

حضرت زهرا (س) برترین بانوی خلقت، از اوصاف و ویژگی هایی برخوردار است که نیازمند بسط و شرح آن از سوی بزرگان دین و علما می باشیم.

و قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٌ تَحْتَ الْحُجُبِ يَا أَهْلَ الْجَمْعِ غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ وَنَكِّسُوا رُءُوسَكُمْ فَهَذِهِ فَاطِمَةُ بِنْتُ مُحَمَّدٍ رَسُولُ اللَّهِ تَرِيدُ أَنْ تَمْرَعَ عَلَى الصِّرَاطِ. (ارشاد القلوب آلی الصواب، ج ۲، ص: ۲۳۲)

آنچه در پی می خوانید بخشی از سخنان آیت الله جوادی آملی پیرامون حدیث غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ است.

اینکه گفته می شود، در روز محشر وقتی فاطمه (سلام الله علیها) عبور می کند ندا داده می شود و می گویند: غُضُّوا أَبْصَارَكُمْ [چشمان خود را ببندید] به این معنی نیست که چون شما نامحرمید چشمها را ببوشانید، یا دیده ها را بشکنید که او را نبینید، آن روز، سخن از محرم و نامحرم نیست؛ چون قیامت ظرف تکلیف نیست و لذا این دستور هم دستور تکوینی است و نه تشریعی؛ یعنی شما توان آن را ندارید که نور این بی بی را ببینید. چشمها را فرو برنید و دیده ها را بشکنید [و] توان آن را ندارید که نورانیت او را ببینید.

❖ و اینکه احیاناً در بعضی از دعاها این چنین آمده است که خدایا دست ما را از ریشه چادر بی بی کوتاه نکن، بر اثر یک روایتی است که بر اساس آن روایت، وجود مبارک بی بی (سلام الله علیها) در قیامت چادری بر سر می کنند که ریشه های او و دامنه های آن به تمام افراد شایسته اهل محشر می رسد، حال طبق این حدیث، آیا منظور این چادر ظاهری است یا پوشش رحمت است؟!

اگر کسی طبق بیان پیغمبر [صلی الله علیه و آله و سلم] که فرمود: آنت منی و انا منک به منزله پیغمبر [صلی الله علیه و آله و سلم] شد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) رَحْمَةً لِلْعَالَمِينَ است و نیز (وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا) قَهراً چنین بانویی مظهر رحمت جهان شمول ذات اقدس الهی خواهد بود.

❖ این بانو با آن تعلیم و تزکیه توانست در حرمی راه پیدا کند که فرشته امین در آن حرم نازل می شود؛ لذا بعد از رحلت پیغمبر (علیه و علی آله آلاف التحية والثناء) جبرئیل هم بر آن حضرت نازل می شد؛ منتها وحی تشریعی تمام شد [و] احکام فقهی تمام شد، لکن وحی تسدید، وحی های انبایی، ملایم، اخبار غیبی تا روز قیامت ادامه دارد؛ چون رسالت قطع شدنی است [و] نبوت قطع شدنی است، اما ولایت قطع شدنی نیست [و] تا روز قیامت انسانها می توانند به مقام شامخ ولایت راه پیدا کنند.

حجت الاسلام والمسلمین قرنی:

حضرت زهرا (س)

خیر مطلق هستند

حجت الاسلام والمسلمین محمد حسین قرنی سیره شناس درباره معانی ارایه شده از کوثر از جمله به خیرکثیر اشاره کرد و بحثی کلامی را در این خصوص ارایه نمود و گفت که معنای کوثر وسیع تر از این عبارت است. کوثر را باید مطلق خیر بگیریم نه خیر کثیر که کامل نیست. و حضرت زهرا (س) اشرف مصادیق کوثر می باشد.

وی افزود: آنچه مسلم است و جملگی محدثین بر آن اتفاق نظر دارند این می باشد که سوره کوثر در شان حضرت زهرا (س) نازل شده است.

مبلغ بعثه مقام معظم رهبری در مدینه منوره گفت: کوثر خیر محض است و هیچ شبانه ای در این خصوص که حضرت زهرا (س) بانوی دوسرا کوثر مطلق هستند، وجود ندارد.

وی در ادامه بحث درباره واژه کوثر با اشاره به دعاهای حضرت رسول (ص) در نمازهایشان و طلب قره العین از خداوند و با اشاره به احادیث وارده از محدثین شیعه و اهل سنت گفت: حضرت فاطمه زهرا (س) مصادیق تام و کمال قره العینی هستند که رسول الله (ص) از خدا طلب می کردند.

حجت الاسلام والمسلمین قرنی همچنین با اشاره به روایتی از امام محمد باقر (ع) گفت: به فرموده حضرت، ائمه (ع) حجت بر مردم و حضرت زهرا (س)، حجت بر ائمه است.

قضاوت تاریخ درباره پاسخ آن نامه



عکس نوشته اهدایی آیت الله کاشانی به حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسروشاهی

آوردند، باز نشستیم به صحبت. من پرسیدم: آقا! شما چرا این قدر توصیه می کردید؟ فرمود: بی سوات! مردم که دسترسی به بارگاه آقایان نداشتند، به منزل ما می آمدند، ما هم که نمی توانیم نام خود را نائب ائمه بگذاریم و مردم را بی جواب رد کنیم. من توصیه می نوشتم که کار این فرد اصلاح و درست شود. حالا به وزیر یا رئیس اداره یا هر کسی... اگر درست می شد که خوب مؤمنی کارش اصلاح شده بود و اگر پاسخ آنها منفی بود، این فرد نمی گفت که آقا ما را رد کرد و می فهمید که من مسئول نیستم. حالا این توصیه ها دخالت در امور دولت است؟ تازه اگر من برای اصلاح امور دخالت در امور دولت نکنم، پس کی بکند؟

پرسیدم: آقا! با حضرت نواب صفوی چرا وضع این طوری شد؟ او که شما را پدر خود می دانست، چرا برگشت؟

آیت الله آهی کشید و گفت: آری! او فرزند من بود، اما تندرو! می خواست یک شبه حکومت اسلامی تأسیس شود. من اعتقاد آن بود که مسئله را باید از ریشه اصلاح کرد. بی حجابی یا فساد و رشوه خواری و مشروب خواری، معلول نفوذ انگلیس های سگ بود. باید سگ ها را طرد می کردیم تا عوارض و آثار منفی آنها را هم می توانستیم از بین ببریم. مشکل نخستین ما مسئله نفت بود، ولی آقایان می گفتند اول حجاب، اول جمع کردن دکان مشروب خواری ها، خوب من هم موافق بودم. قانونش هم در دوره ریاست من در مجلس تصویب شد، اما دولت، شش ماه برای اجرای آن مهلت خواست و اجرا نکرد و بعد بعضی ها گفتند که آقا شش ماه مشروب خواری را حلال کرده است! خوب این ها درد است بی سوات! یا می گفتند مدارس فاسد است و شما اقدام نمی کنید و یا نواب و برادران ما را دولت زندانی کرده و شما آنها را آزاد نمی سازید. آخر توجه نداشتند که من قوه مجریه نیستم و هر چه آنها را می خواستم و می آمدند و تذکر هم می دادم، عمل نمی کردند و می گفتند آقا اخلاص می کند! (در این زمینه خاطرات آقای دکتر سنجابی به تفصیل مشکلات ناشی از روش دکتر مصدق را شرح داده است.)

گویا در سالیان پایانی حیات، آیت الله کاشانی به رغم پیشینه علمی و اجتماعی خویش، در شرایط معیشتی سختی به سر می برد. در این باره چه خاطراتی دارید؟

بله، همین طور است. یک روز با طلبه جوانی که در آن دوران سمپات فداییان بود و بعد در تهران شد واعظ شهیر، به منزل آقا رفتم. باز تنها بود. خادمی پیر، چایی آورد. تلفن آقا قطع شده بود. پرسیدم: چرا؟ قبض تلفن را نشان داد و با لبخندی

بود، اما مجتهد عصر ما نبود. با انتخابات مخالف بود. ما را هم در کارها تأیید نکرد. از تبریز علمای درجه یک، کمتر در مسائل وارد شدند و یکی از دلایل شکست نهضت هم عدم همکاری علماء بلاد بود.

گفتم: آقا! من از زمان اقامت در تبریز به شما ارادت داشتم و با پدرم هم بحث می کردم ولی ایشان می گفتند: بزرگ تر شدی می فهمی! و من هر چه بزرگتر شدم در عقیده ام راسخ تر شدم و بیشتر فهمیدم که چه باید کرد. سکوت و کناره گیری ما! کارها را اصلاح نمی کند که هیچ، بلکه میدان را برای دشمنان باز می گذارد.

آیت الله کاشانی خندید و گفت: حرف های خوبی می زنی، اما این حرف ها به درد تبریز و قم نمی خورد! بی سوات! از حالا کله ات بوی قرمه سبزی می دهد. کار دست خودت می دهی، آخرش هم مثل من و مانند جدّمان، خانه نشین می شوی و متهم به اینکه جاسوس بوده و نماز نمی خوانده و از انگلیس پول می گرفته..!

گفتم: آقا! تاریخ قضاوت خود را درباره حضرت علی کرده است درباره شما هم خواهد کرد.

آیت الله گفت: نه بی سوات! آدم زنده را، به دست دوستان نادان زنده به گور کنند و نگذارند نفس بکشد و حرف بزند که تاریخ بعدها قضاوت خواهد کرد؟! تازه تاریخ را چه کسانی خواهند نوشت؟ ما یا آنها؟! ماها که به این فکرها نیستیم. آنها هم همین ها را خواهند نوشت با تهمت ها و جعلیاتی بیشتر، بالاخص که خود آدم دیگر زنده نیست که لا اقل بتواند دفاعی بکند، گرچه حالا هم میدان دفاع باز نیست. در دوران حکومت پس از سرنگونی مصدق یک کلمه حقی که زدم، شدم سید کاشی! در دوره مصدق السلطنت هم که دیدید روزنامه های این آقا با من چه کردند و چه چیزهایی بر من بستند! بقیه صحبت ها را علی آقا حجتی ادامه داد.

آمدیم بیرون و رفتیم منزل یکی از دوستان، با یک دنیا تأثر و تأسف که دشمن، این مرد بزرگ و مجتهد و عالم و فرزند پیامبر را چگونه خرد کرده است و ما هم زنده ایم و گویا مسلمان هم؟!

جنابعالی در آن مقطع از فضایی طرفدار فدائیان اسلام بودید. با عنایت به فرجام تعامل فدائیان با آیت الله کاشانی، آیا ارتباط شما با ایشان تداوم پیدا کرد؟

البته هواداری فداییان اسلام، مانع از تجدید دیدار من با آیت الله کاشانی نشد. در دیدار بعدی، نزدیک های ظهر بود که باز با علی حجتی کرمانی از قم رسیدیم و یک راست رفتیم به پامنار - نزدیک شمس العماره هم بود، محل ماشین های قراضه قم! آیت الله به مسجد می رفت. همراهشان به مسجد رفتیم. در طول راه، کسی به آقا سلام نمی کرد. اهل محل، عینو مردم کوفه! که علی را و حسین را تنها گذاشتند. گویا واقعاً تاریخ تکرار می شود!

در مسجد کل نمازگزاران، با ما که نمازمان قصر بود، پنج نفر بودیم با خود آقا شش نفر! بعد از نماز خواستیم برویم، البته سر ظهر جایی را هم نداشتیم که برویم. آیت الله کاشانی گفتند: بی سوات! ظهر برویم منزل، آبگوشتی بار است. به منزل آقا رفتم. نهار را خوردیم. آقا رفت به استراحت و ما ماندیم و یک دنیا غم و اندوه که این خانه، چند سال پیش چگونه بود و اکنون چگونه است. پس راست است که وقتی علی را در محراب شهید کردند، مردم می پرسیدند که مگر علی هم نماز می خوانده است؟! تبلیغات معاویه کار خود را کرده بود و اکنون نیز تبلیغات نظام ملی و سپس رژیم کودتا و سید کاشی و باقی ماجراها!

کمی دراز کشیدیم. آقا آمدند. چایی هم

"مردم مرا نیم قرن بعد خواهند شناخت! این کلامی بود که اطرافیان آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، پیشوای روحانی نهضت ملی، در روزگار عزلت نشینی، فراوان از او شنیده اند. اینک از آن روزگاران نیم قرن سپری گشته و کاشانی پژوهی در میان محققان نهضت ملی مکانی در خور یافته است. در این میان اما، روایت آنان که با وی مراودت و موانستی داشته اند، بیش از دیگران در خور شنیدن و استناد است. خاطرات و تحلیل های پژوهشگر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین استاد سید هادی خسروشاهی از منش فکری و سیاسی آیت الله کاشانی در واپسین سالیان حیات است که در گفت و گو با روزنامه جوان بیان داشته اند، از این جمله است.

ویژه نامه نوروز ۱۳۹۰ - روزنامه جوان

بر اساس آنچه تاکنون از جنابعالی منتشر شده، شما با مرحوم آیت الله کاشانی ارتباط و مراوده ای نزدیک داشته اید. لطفاً برای فتح باب سخن به پاره ای از آنها اشاره کنید.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ بود که به علت فوت پدرم، مرحوم آیت الله سید مرتضی خسروشاهی، برای ادامه تحصیل به قم آمدم. هنوز دروس سطح را به اصطلاح حوزوی، تمام نکرده بودم. حدود پانزده - شانزده سال داشتم ولی بالندیشه های سیاسی روز آشنا بودم. استقرار در قم، مرا (که از راه دور هوادار اندیشه های فداییان اسلام بودم) با بسیاری از مسائل، آشناتر ساخت، به ویژه که در تبریز محیط خانه، خانواده و جامعه، به مسائل سیاسی روی خوش نشان نمی دادند و اصولاً مخالف امور سیاسی بودند اما بنده به تنهایی، در جمع خانواده از این امر مستثنی بودم و به قم که آمدم فکر می کردم که وضع بهتر از این جمع خاندان و محیط تبریز باشد! اما قم هم متأسفانه دست کمی از تبریز نداشت و حتی خواندن روزنامه، با تمسخر و استهزا و گاهی نصیحت مشفقانه بعضی از دوستان و آشنایان - بعدها بعضی ها انقلابی - همراه بود که بنده را دعوت به ترک روزنامه خوانی می کردند!

در این برهه، آشنایی با شهید نواب صفوی، مانع از آشنایی با آیت الله کاشانی که دیگر خانه نشین شده بود، نگردید. آیت الله طالقانی را هم از همان اوان شناختم و اتحادیه مسلمین ایران به رهبری آیت الله حاج سراج انصاری را و انجمن تبلیغات اسلامی را به مدیریت دکتر عطاءالله شهاب پور و انجمن اسلامی مهندسین را به ارشاد مهندس بازرگان. که هر کدام از این آشنایی ها و ارتباطات، همراه با خاطراتی تلخ یا شیرین است که البته نقل همه آنها در این گفت و گو مقدور نیست و در اینجا فقط چند خاطره از چند دیدار با آیت الله کاشانی را، به طور اختصار می آورم. شاید نخستین بار بود که همراه برادر عزیز مرحوم علی حجتی کرمانی، در پامنار به دیدار آیت الله کاشانی رفتم. آقای حجتی مرا معرفی کرد و طبعاً با ذکر نام پدرم، چون بچه طلبه ای را که هنوز فارسی را با لهجه غلیظ ترکی و به زحمت صحبت می کند، چگونه می توان معرفی کرد؟ مثلاً باید چنین معرفی می کرد: آقا! معلم می خواند! و یا تازه به قم آمده است. و یا فارسی هم بلد نیست. و دلیل فارسی ندانستن بنده هم این بود که در تبریز در کتاب و مدرسه خوانده بودیم که مثلاً: آتش سرد شد! و ساز از درخت پرید! که در هیچ مکالمه روزانه ای، به درد هیچ کس نمی خورد. پس باید از نو فارسی را یاد می گرفتم چون آنچه را که خوانده بودم، فاقد کاربرد عملی بود!

به هر حال، آیت الله کاشانی، نام پدرم را که شنید، گفت: خدا رحمتش کند، مرد ملا و با تقوایی

تلخ گفت: خوب پول نداشتیم، تلفن را قطع کرده اند. (در مجله حوزه، ویژه نامه آیت الله بروجردی، از قول اصحاب خاص ایشان نقل شده که سرانجام بدهی آیت الله کاشانی را مرحوم آیت الله بروجردی پرداختند.)

آیت الله کاشانی که تأثر شدید من و همراهم را دیدند گفتند: بی سوات! ناراحت نشوید. اینکه گفته اند من پول گرفته ام، این یک دلیلش که دروغ است چون حتی پول تلفن خانه ام را نداشتیم که بدهم و تازه من به پول احتیاج نداشتیم که از انگلیسی های سگ بگیرم، این ها خودشان پول گرفتند که مرا متهم کنند و ارباب، امروز نفت ما را غارت می کند و می برد، خیلی بدتر از دوران قبل از ملی شدن.

بعد آقا شوخی کرد و گفت: خوب در عوض! من شب ها با طی الارض می روم به لندن و کاخ ملکه انگلیس! او هم که ذات بعلم نیست - شوهر ندارد - صیغه اش می کنم و صبح بر می گردم! خوب می دانید که صیغه اهل کتاب منعی ندارد.

جنابعالی گویا با ایشان مکاتبات و نیز مصاحبه ای هم داشته اید که شنیدن ماجرای آنها در این بخش از گفت و گو برای ما مغتنم است.

در جریان مشکوکی، مرحوم سید مصطفی کاشانی، پسر ارشد آیت الله که در واقع کارهای پدر را انجام می داد و عصای دست او بود، کشته شد. روزنامه ها نوشتند در بستر خواب او موی زن پیدا شده است! خوب عوام هم پذیرفتند، ولی حقیقت امر چنین نبود بلکه خواستند او را که مصونیت سیاسی داشت، از صحنه خارج کنند تا بتوانند پدر را بازداشت کنند و به دست قضایی به نام تیمسار آزموده بسپارند و چنین نیز کردند. و اگر دخالت آیت الله بروجردی نبود، سرنوشت ایشان طور دیگری می شد.

در فوت سید مصطفی، از قم نامه ای به عنوان تسلیت به آیت الله نوشتیم با امضای تبریزی - که آن ایام امضا می کردم - پاسخ آیت الله بعد از مدتی رسید و این، به تاریخ ۵ آذر ۱۳۳۴ بود که من حدود ۱۸ سال داشتم.

در متن نامه عیناً آمده است:

"عرض می شود خط مشعر به ابراز همدردی و تسلیت واصل و باعث امتنان گردید. باینکه مصیبت، بزرگ و ناگوار است، چاره جز صبر نیست. رضا بقضائه و تسلیماً لأمره.

والسلام علیکم ورحمه الله و برکاته
سید ابوالقاسم کاشانی

در یکی از دیدارها، از آیت الله کاشانی خواستم که عکسی را امضا و به من هدیه کنند. فرمود: عکس چه کار می کند؟ گفتم: آقا! شاید روزی خدا توفیق داد تاریخ نهضت را نوشتیم. عکس امضا شده شما می تواند سندی باشد بر اینکه از اول حوادث را به طور عینی پی گیری می کردیم و همه اش شنیده ها و نوشته ها نیست!

آیت الله کاشانی خندید و گفت: بی سوات! فارسی که خوب یاد گرفته ای، ولی از تاریخ نویسی چه فایده؟ آدم زنده را زنده به گور می کنند و بعد در تاریخ از او تجلیل به عمل می آورند!

گفتم: آقا! مقصود انجام وظیفه است. خوب اگر ما هم سکوت کنیم قضیه همانطور می شود که خودتان در یکی از ملاقات ها فرمودید: تاریخ را هم همین عمه ظلمه می نویسند.

آیت الله خندید و گفت: پسر حاج سید مرتضی آقا! آن هم سید و... خوب حرف می زند. خدا عاقبتش را به خیر کند! و بعد عکسی را از لای کتابی در آورد و فرمود: من این عکس را دارم! خوب است؟ گفتم: بسیار خوب است. پس قلم به

دست گرفت و در ذیل عکس نوشت:

یهدی الی السید السند المجاهد بقلمه ولسانه
الفاضل البارع السید هادی الخسروشاهی دام بقائه و
زید تقاه - یوم الاثنین ۱۴ شوال ۸۰هـ - سید ابوالقاسم
کاشانی

البته نخست تاریخ نگذاشته بودند، من مجدداً
خواستم تاریخ هم بگذارند، که مرقوم داشتند.

اما در مورد مصاحبه؛ دیدارها تکرار شد. سید
بزرگوار، سخت آزرده خاطر بود. ملی گراها ستم
بسیار در حق او روا داشتند. پسر پهلوی هم پس از
استقرار سلطه، بدتر از آنها عمل کرد. در دوران
بیماری، برای تکمیل سناریویی که خود تهیه دیده
بودند، نخست علی امینی، (عامل خائن عقد قرارداد
نفت که خود در اواخر سال ۵۷ در مصاحبه‌ای گفت
که آیت‌الله او را از امضای قرارداد تلفنی منع کرده
بود) و سپس خود شاه مزدور به عنوان عبادت! در
بیمارستان به دیدار ایشان رفتند، البته آقای دکتر
سنجابی در خاطرات خود (چاپ لندن) از نصرت
الله امینی نقل می‌کند که آیت‌الله وقتی شاه را دید،
پشت خود را به او نمود و اعتنایی به وی نکرد.

...موقعی که کاشانی مریض و در حال احتضار
بود، قائم مقام رفیع واسطه می‌شود که شاه دیداری
از کاشانی بکند. در بیمارستان، همان رفیع یا کس
دیگری که همراه او بوده، به کاشانی ندا می‌زند که
اعلیحضرت هستند. به دیدن شما آمده‌اند، ولی
کاشانی پشتش را به شاه و رو به دیوار می‌کند. شاه
هم یکی دو بار صدایش می‌زند. ناقل آن برای من
آقای نصرت الله امینی بود. (امیدها و ناامیدی‌ها،
خاطرات دکتر سنجابی، چاپ لندن، ص ۱۵۳).

در دوران بیماری، وقتی آیت‌الله را تازه از
بیمارستان به خانه آورده بودند، در منزل دامادش در
دزآشیب - شمیران - به دیدار ایشان شتافتم.
فرزندش، مرحوم دکتر باقر کاشانی، آنجا بود. دکتر
محمود شروین هم بود و یکی دو نفر دیگر. تحت آقا
را در حیاط گذاشته بودند. آقا دراز کشیده بود.
سئوالی درباره نقش آیت‌الله در انقلاب عراق مطرح
کردم. وقتی پاسخ دادند، گفتم: آقا! چون من تاریخ
انقلاب عراق و نقش علما را در ثورة العشرین
می‌نویسم، اجازه بفرمایید این بار سؤالاتم مکتوب
باشد. گفتند: مانعی ندارد، ولی من حال نوشتن
ندارم. دکتر شروین گفت: آقا! من پاسخ‌ها را
می‌نویسم، شما فقط امضا کنید. فرمود: عیب
ندارد.

دو سؤال از آقا کردم. پاسخ‌ها را ایشان گفت و
دکتر شروین نوشت. دیدم که واقعاً حال حرف زدن
ندارند. ضعف شدیدی برایشان مستولی بود. سخن
را کوتاه کردم. آخر سر، با کمک دکتر باقر کاشانی،
آقا امضایی نمود که متن این پرسش و پاسخ در اینجا،
عیناً آورده می‌شود. امید دارم که مدعیان نگویند که
اشکال دارد! چون اولاً راجع به دکتر مصدق نیست
تا اشکال پیدا کند! ثانیاً اصل آن هنوز در اختیار من
هست.

**مقام منبع حضرت آیت‌الله آقای کاشانی دام
ظله‌العالی محترماً معروض می‌دارد، نظر به اینکه
حقیر تاریخ عراق را می‌نویسم و قسمتی از تاریخ
عراق مربوط به انقلاب ملی است، انتظار می‌رود
که نقش علمای شیعه و بالخصوص نقش خود
حضرت مستطاب عالی را بیان فرمایید.**

در آزادی عراق، مرحوم میرزای بزرگ، قدس
سره، نقش رهبر عالی را داشته و علناً علمای شیعه را
که نهضت عراق را رهبری می‌نمودند، تأیید می‌کرد.
در آن روزگار، سن من در حدود ۴۳ سال بود. نقش
من در این نهضت، بدو از تشویق عشایر عرب به
وسیله پیک‌های مورد اعتماد (طروی) و نامه‌های
سری انجام می‌گرفت. نام‌های ارسالی با مهری به
نام (الجمعیت الاسلامیه العراقیه) مهرور و به پیک‌ها
داده می‌شد تا سران عشایر عرب را به وجود یک
هسته مرکزی آگاه سازد و گرچه این هسته، سازمان
و تشکیلات عظیم نداشت، ولی طرز اجرای فکر به

طوری جدی و سریع انجام می‌گرفت که عشایر
عرب را مطمئن به موفقیت خود می‌ساخت.

مرحوم میرزای بزرگ، اعلی‌الله مقامه الشریف
که در بدو امر، شخصاً به تشجیع و ترغیب قبایل و
عشایر به وسیله نامه‌ها اقدام می‌نمودند و مرحوم
حاج شیخ مهدی خالصی در محضر ایشان سمت
رابط را داشت، بنابر پیشنهاد من، دیگر شخصاً از این
اقدام خودداری و ارسال نامه و پیک را به
عهده‌اینجانب و بعضی دیگر قرار داد، زیرا معتقد
بودم که چون میرزا قطب و رأس روحانیت بودند،
باید از تظاهر در این نهضت خودداری نمایند تا اگر
شکستی نصیب شد، برای ایشان اهانتی نباشد و عالم
تشیع دچار نگرانی نگردد و هرگاه پیروزی به دست
آمد، بدیهی است که در تاریخ نهضت، ایشان در
رأس مجاهدین قرار می‌گرفت و این بدین ترتیب
توفیق حاصل شد که قوای کلی عشایر به
حمایت این نهضت برخاستند و توانست نهضت را
مورد توجه و ثمربخش نشان دهد.

**نتیجه‌ای که از این انقلاب عاید عراق و
مسلمانان آن سامان شد، چه بود و این انقلاب در
کسب استقلال عراق چه نقشی داشت؟**

در نتیجه تجمع و وحدت فکر قبایل عراق، کم
کم نفوذ انگلستان در ادارات و تشکیلات، جای
خود را به مردم اصیل عراق داد و ناچار کرد که
سیاست انگلستان به عقاید و خواسته‌های نهضت
توجه کند و بالاخره منجر گردید که ملک فیصل اول
را به عنوان پادشاه مستقل عراق بشناسند.

**دکتر شروین
سید ابوالقاسم کاشانی (محل مهر)**

این سؤال و جواب به تاریخ جمعه ۱۸ ربیع
الثانی ۱۳۸۱ هـ - ق نوشته شد. آیت‌الله کاشانی با ۸۴
سال سن، ضعف شدیدی داشت و بقیه کسالت
هنوز باقی بود. جواب‌ها را آقای دکتر شروین
نوشت و سپس ایشان با کمک آقای دکتر سید باقر
کاشانی (فرزند ایشان)، امضای خود را با زحمت

تمام زیر آن صفحه نوشتند و سپس مهر زدند.
**علاوه بر این خاطرات خصوصی مستند که
بسیار جالب بود، آیا خاطرات دیگری درباره
مسائل سیاسی دوران نهضت ملی، از ایشان
ندارید؟**

مثلاً در چه موردی؟ چون من در یکی دو دیدار
دیگر، سؤالاتی درباره مسائل آن دوران مطرح کردم
و ایشان پاسخ‌های مفصلی دادند که بعضی از آن
پاسخ‌ها را به طور اجمال بخاطر دارم. یعنی چون
تقریباً نیم قرن از نقل آن حوادث توسط آیت‌الله
کاشانی می‌گذرد، همه آن پاسخ‌ها و توضیحات را
بخاطر ندارم و اگر به مواردی به طور مشخص اشاره
کنید، می‌توان توضیح داد...

**مثلاً بفرمایید که علت اصلی مخالفت‌های
آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق و جبهه ملی چه
بود؟ آیا واقعاً مسائل شخصی مطرح بود یا اینکه
آیت‌الله کاشانی مصالح جامعه و نهضت را در
نظر داشت؟**

اختلاف آیت‌الله کاشانی با حکومت وقت، پس
از آن همه پشتیبانی و فتوا و دفاع، از آنجا آغاز شد که
آقای دکتر مصدق خواستار انفراد در اداره امور
کشور و حذف یا دور نگه داشتن کسانی چون
آیت‌الله کاشانی و فداییان اسلام بود که نقش اساسی
و اصلی را در به روی کار آمدن آقایان داشتند.

در همین راستا شهید نواب صفوی دستگیر و به
زندان آقایان ملی گراها منتقل شد و ۲۲ ماه تمام در
زندان آقای دکتر مصدق باقی ماند و این فقط برای
دور کردن ایشان از امور جاری نبود بلکه به طور
ردیانه‌ای، اجرای طرح توطئه ایجاد تفرقه و جدایی
بین جناح‌های مذهبی بود.

فداییان اسلام به شدت به آیت‌الله کاشانی
معترض بودند که چرا به دکتر مصدق فشار
نمی‌آورد که رهبر آنان آزاد شود؟ و دکتر مصدق به
توصیه و نصیحت آیت‌الله کاشانی در این زمینه
اهمیت نمی‌داد و همین امر باعث جدایی فداییان

اسلام از آیت‌الله کاشانی شد که البته هدف مطلوب
جبهه ملی بود.

به هر حال به طور قطع و یقین آیت‌الله کاشانی
غرض خاص و هدف شخصی نداشت و می‌کوشید
که نهضت ملی شکست نخورد و انگلیس که از در
دروازه ایران طرد شده است، از پنجره وارد نشود،
امامتأسفانه بعضی از اطرافیان دکتر مصدق از
عنصری بودند که وابستگی آنها به سیاست انگلیس
بر همگان آشکار بود. مثلاً رضا فلاح را که ارتباط
مستقیم با انگلیسی‌ها داشت و اسناد آن را آقای
حسین مکی در مجلس افشا کرد به ریاست شرکت
نفت ملی شده منصوب کرد و شاپور بختیار را معاون
او قرار داد. البته وابستگی آنها در اسناد "خانه سدان"
کشف شده بود ولی متأسفانه توجهی به این نکات
بعمل نیامد.

من نمی‌گویم همه اطرافیان آیت‌الله کاشانی
"سالم" و "قدیس" بودند و اغراض شخصی نداشتند،
ولی بعضی از یاران دکتر مصدق واقعاً قابل اعتماد
نبودند، اما از مقربین ایشان شده بودند.

این قبیل انتصابات آیت‌الله کاشانی را آزرده
خاطر می‌ساخت و اعتراض ایشان که مطرح
می‌شد، داد آقایان جبهه ملی بلند می‌شد که آقا! در
امور دولت دخالت و یا حتی "کارشکنی" می‌کند و
خود دکتر مصدق هم طی نامه‌ای رسمی، از ایشان
خواست که در امور کشور دخالت نکنند.

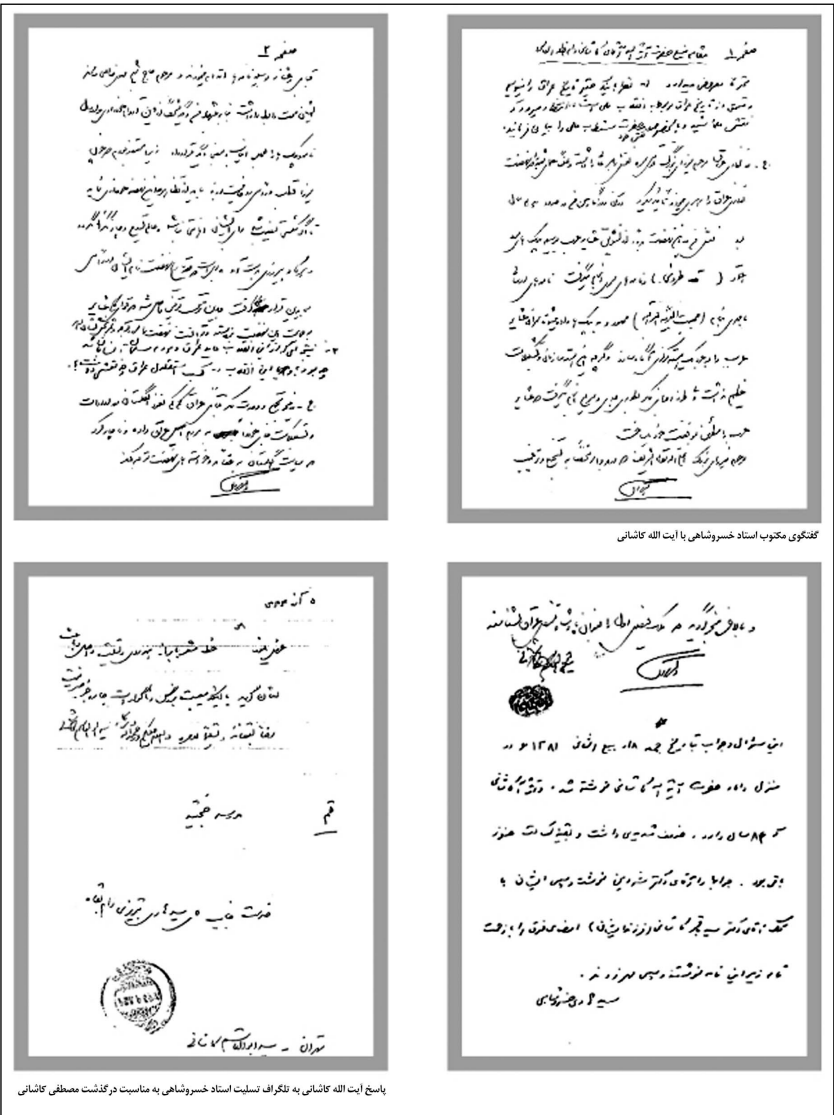
دکتر مصدق توسط جبهه ملی در انتخابات
ریاست مجلس که در آغاز آیت‌الله کاشانی انتخاب
شده بود، به طور مستقیم دخالت کرد و بار دوم،
آقای دکتر معظمی را به ریاست مجلس انتخاب
کردند که البته ریاست مجلس برای آیت‌الله
کاشانی، افتخاری نبود و ایشان اصلاً در مجلس
حضور نمی‌یافت، ولی طرح توطئه و غرض ورزی
آقایان ملی گرا را کاملاً روشن می‌سازد.

**نظر خود آیت‌الله کاشانی به طور موردی،
در این زمینه‌ها چی بود؟**

اشاره کردم که در یکی دو موردی که من
شخصاً سؤال کردم آیت‌الله کاشانی توضیح مفصلی
دادند که کلیات آنها به یادمانده است که نقل
می‌کنم.

روزی از آیت‌الله کاشانی پرسیدم که اشکال
عمده و اساسی جنابعالی به دکتر مصدق چی
بود؟ ایشان در پاسخ گفتند: اشکال اساسی من این
بود که این نهضت با همکاری همه گروه‌ها به
پیروزی رسیده است الا نباید با تکروری آن را
در معرض خطر قرار داد. این انتصابات که مصدق
السلطنه انجام می‌داد، هرگز به نفع آینده نهضت
نبود. اختیارات تامه‌ای که مصدق السلطنه
می‌خواست (آیت‌الله کاشانی اغلب نام او را با لقب
قدیمی‌اش که السلطنه! بود می‌آورد) نه قانونی بود و
نه مشروع و نه به صلاح مردم و سرآغاز یک نوع
دیکتاتوری با پوشش مجلس و پشتیبانی احزاب
بود. خوب من مخالف این کارها بودم. در مورد
اجرای قانون مشرویات الکلی که به تصویب مجلس
رسیده بود، مصدق السلطنه، بهانه آورد که فعلاً پول
نداریم و کشور به مالیاتی که از آن می‌گیریم، نیازمند
است و قانون را اجرا نکرد. یا هر پیشنهاد اصلاحی
که داده می‌شد، می‌گفت که این دخالت در امور
دولت است و آخر سر هم با وقاحت نامه‌ای بر من
نوشت که در امور کشور دخالت نکنم! آیا ابراز نظر و
مطرح ساختن یک امر مشروع دخالت در امور
کشور است؟ خوب اگر اقدامات و فتواها و
اعلامیه‌های من نبود و یا اقدام فداییان اسلام
نبود، این آقایان که به حکومت نمی‌رسیدند.

من باز در مورد اختیارات از آیت‌الله سؤال کردم
که شما چرا مخالف بودید؟ ایشان گفتند: بی‌سوات!
مصدق السلطنه پس از آنکه آن نامه وقیحانه را بر من
نوشت، ناگهان یک لایحه را که قبلاً با قید سه فوریت
به مجلس داده بود به تصویب رساند که به موجب آن
اختیارات قانونگزاری مجلس به مدت شش ماه به



گفتگوی مکتوب استاد خسروشاهی با آیت‌الله کاشانی

پاسخ آیت‌الله کاشانی به تلگراف تسلیت استاد خسروشاهی به مناسبت درگذشت مصطفی کاشانی

خمینی(ره) است که در ذیل ورقه آن را نوشته اند:

«به رأی صادره که مغایر قانون اساسی و استقلال قضاات است و متهم حق شرکت در جلسه هم ندارد معترضم. و آنچه البته به جایی نرسد فریاد است. پیرمرد ۸۵ ساله سید مرتضی پسندیده!»

اتفاقاً من در تبعیدگاه انارک در محلی که آیت الله پسندیده اقامت داشتند، همراه ایشان بودم. روزی به ایشان که علاقمند به دکتر مصدق بودند، گفتم: آقا توجه دارید که ما طبق قانون مصوبه آقای دکتر مصدق بازداشت و تبعید شده ایم؟

ایشان گفتند: «من به رأی صادره اعتراض کرده ام که غیرقانونی است» و بنده عرض کردم که چه حضرتعالی اعتراض بکنید یا نکنید بالاخره ما طبق قانون آقای دکتر مصدق تبعید شده ایم. ایشان لیخندی زد و چیزی نگفت و من هم در مواردی که با معظم له هم عقیده نبودم، فقط به موضوع اشاره می نمودم و دیگر پی گیر آن نمی شدم که مبادا «پیرمرد ۸۵ ساله» قلباً ناراحت شود...

به هر حال به نظر من به آیت الله کاشانی ظلم شد و البته ستمکاران نیز به کیفر اعمال خود، هریک به نحوی رسیدند و ای کاش که همه اسناد مربوط به زندگی و مبارزه آیت الله کاشانی، توسط فرزند گرامی ایشان جناب آقای دکتر سید محمود کاشانی، هرچه زودتر جمع آوری و منتشر گردد تا حقایق روشن شود.



منازل سید مرتضی الگبرگی. دیدار آشتی آیت الله کاشانی با دکتر مصدق

و محرکین اخیر قم که نتیجه آن کشته شدن عده ای از افراد و وارد شدن خسارت سنگین به بانک ها و تأسیسات عمومی و اخلاص نظم و سلب آسایش مردم بود... کمیسیون حکم اقامت اجباری افراد معضل الاسامی ذیل را به مدت سه سال اقامت اجباری در شهرستان انارک نایین صادر می نماید: ۱- سید صادق روحانی ۲- سید هادی خسروشاهی ۳- سید احمد کلانتر ۴- عباس ضیغمی ۵- سید مرتضی پسندیده

این حکم را فرماندار، رئیس دادگستری، دادستان شهر، نماینده نخست وزیری، رئیس شهربانی و فرمانده هنگ ژاندارمری قم امضا کرده و سپس به اجرا گذاشتند... البته تفصیل این ماجرا را من در جای دیگر توضیح داده ام ولی نکته ای که بی مناسبت نیست در اینجا نقل کنم، جمله اعتراضیه مرحوم آیت الله پسندیده، برادر حضرت امام

آزادی های عمومی بود. این قانون شامل ۹ ماده بود. من به ماده اول آن اشاره می کنم که می گوید کسی که به تحریک عمومی و اعتصاب و نافرمانی و اخلاص در نظم و آرامش و امنیت شهر یا کشور اقدام بنماید، طبق این قانون باید دستگیر شود و از شش ماه تا یک سال یا سه سال تبعید گردد. این زورگویی و قلدری، به نام قانون، در تاریخ ایران سابقه ندارد و ما دیدیم که پس از سرنگونی وی،

دولت بعدی با استفاده از همین ۱۳۲۷. منزل سید مرتضی الگبرگی. دیدار آشتی آیت الله کاشانی با دکتر مصدق

ماده اول، چه تعداد از افراد را دستگیر و زندانی و یا تبعید نمود. در آینده هم خدا می داند که چه سوء استفاده هایی از این قانون امنیت مصدق السلطنه خواهد شد و کسی هم نمی تواند اعتراض کند.

ظاهراً این پیشگویی آیت الله کاشانی شامل حال خود جنابعالی هم شد؟

بلی!! اتفاقاً می خواستم به آن اشاره کنم. در طول دوران حکومت کودتا، سازمان امنیت هر کسی را که می خواست دستگیر و تبعید کند، با استناد به همین قانون اقدام می کرد و این ستم از سال ۳۲ تا سرنگونی شاه همچنان ادامه یافت و از جمله آخرین موارد آن، اینجانب بودم که طبق صورت جلسه کمیسیون امنیت اجتماعی شهرستان قم، به تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۱ که به درخواست نماینده نخست وزیری - ساواک قم - در فرمانداری قم تشکیل شده بود پنج نفر از عاملین

شخص وی که رئیس قوه مجریه بود و اگذار شده بود. این قانون با اصل تفکیک قوا که در قانون اساسی کشور بود منافات داشت و معنی نداشت که رئیس قوه مجریه وظیفه امور قوه مقننه را در دست بگیرد. مردم که با قیام خود با استبداد و استعمار مبارزه کرده بودند، این بار به طور قانونی! با استبداد جدید مواجه شدند و من وظیفه داشتم که تذکر دهم و مخالفت کنم و حتی دکتر شایگان را خواستم و توسط او پیام به مصدق السلطنه فرستادم که این لایحه چه لزومی داشت؟ مگر ما در همه امور و تصویب همه لوایح پیشنهادی دولت، از وی پشتیبانی و حمایت نکرده ایم. اگر فردا یک قلدری پیدا شد و مجلس طبق دلخواه خود تشکیل داد و سپس به تصویب مجلس اختیارات تامه گرفت، می دانید که کسی پاسخگوی قلدری او نخواهد شد؟

گویا دکتر مصدق پاسخ داده بوده که برای تصویب قوانینی بر ضد سرمایه داران و اخذ مالیات از آنها، به این اختیارات احتیاج دارد؟

اتفاقاً من همین نکته را به آیت الله کاشانی عرض کردم ولی ایشان گفتند: «خوب شما به قوانین مصوبه آن دوران نگاه کنید، ببینید آیا قانونی برای اخذ مالیات از ثروتمندان تصویب یا اصلاً مطرح شده است؟ جریان اینطور نبود، بلکه هدف قلدری در لباس قانون بود».

در اینجا من از آیت الله کاشانی پرسیدم که پس چه قوانینی با استفاده از این اختیارات مطرح و تصویب شد؟ ایشان گفتند: «به یکی از آنها اشاره می کنم: قانون امنیت اجتماعی».

تصویب قانون امنیت اجتماعی توسط دولت مصدق السلطنه یک خیانت بزرگ بر ضد

سوم فروردین ۱۳۰۱ حوزه علمیه قم توسط آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی تأسیس شد. در تاریخ سرزمین اسلامی ایران از این مکان همیشه به عنوان کانون اسلام خواهی و مبارزه علیه استعمار، استکبار، استبداد و در عین حال برای احیای مجدد مکتب اسلام ناب محمدی یاد شده است.

در مسیر تاریخ با تأسیس مراکز علمی و دینی همراه بوده است اما در اواخر قرن سیزدهم تحولی در آن ایجاد شد که باعث تثبیت این شهر به عنوان مرکز اصلی تحصیل علوم دینی و موجب روی آوردن علما و بزرگان و طلاب و دانش پژوهان به این شهر مقدس گردید. این تحول زمانی رخ داد که حضرت آیت الله العظمی شیخ عبد الکریم حائری یزدی به این شهر آمد و در این مکان مسکن گزید و با تدبیر خویش حوزه علمیه قم را جانی تازه بخشید و خود به آیت الله مؤسس شهرت یافت.

قم از آن تاریخ بیشتر و بیشتر به عنوان مهمترین شهر مذهبی جهان تشیع معنی گرفت و به مرکزیت شیعه شهرت یافت و این مرکزیت خود را در دانش و بینش اسلامی و نقش پذیری موثر در جریانات سیاسی و اجتماعی حفظ کرده است، همچنین نمی توان نقش این شهر را در خصوص برپایی حوزه های علمیه و پایگاه های دینی در سایر نقاط ایران، نادیده گرفت.

آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در ۱۲۷۶ هجری قمری در مهر جرد از توابع یزد متولد شد. در ۶ سالگی پدر خود را از دست داد و تحت سرپرستی مادرش قرار گرفت. پس از تحصیلات مقدماتی در اردکان و یزد، در هجده سالگی جهت تحصیل و تکمیل علوم دینی به کربلا و سپس به سامرا و نجف مهاجرت کردند.

با اینکه در آن زمان حوزه سامرا رونق بیشتری داشت اما او نزدیک دو سال در جوار حرم قدس حسینی به تهذیب و تحصیل پرداخت. او در کربلا دوران آرامش خود را طی کرد و در فضای آرام و دور از هیاهو به فراگیری علم و کسب تقوی پرداخت، در مدت دو سالی که در کربلا بود علم و نبوغ او بر همه اساتید به ویژه آیت الله فاضل اردکانی ثابت شد به گونه ای که این عالم تشیع او را

حوزه علمیه قم، کانون اندیشه اسلامی

که قرنهای پیش در حوزه علمیه نجف شروع شده بود و ریشه در روایات امامان معصوم(ع) داشت. امام صادق(ع) در قرن دوم هجری قمری برای یاران خود از شهر قم سخن گفته و در جهت مرکزیت این شهر برای دانش اسلامی چنین بیان داشتند:

«زود باشد که کوفه روزگاری از مؤمنان خالی گردد و علم ودانش در آن ناپدید شود... و به شهری که آن را قم گویند ظاهر شود و روشن گردد و معدن اهل علم و فضل شود...»

و در طول این قرنهای این نوید امامان بزرگوار شیعه بود که همواره زبان به زبان نقل می شد و در ذهن شیعیان جای می گرفت. پس از دو ماه از اقامت آیت الله حائری در شهر قم، در اوایل بهار ۱۳۰۱ هجری خورشیدی، جلسه ای از سوی علما، بازاریان و کسبه تهران در منزل آیت الله پایین شهری تشکیل شد در این جلسه فقهای قم چون آیت الله بافقی، آیت الله کبیر و آیت الله فیض شرکت داشتند. گفتگو پیرامون تأسیس حوزه علمیه قم در این جلسه مطرح و بعد از ساعتها بحث و مجادله تصمیم نهایی به آیت الله حائری محول شد اصرار علما و حمایت مالی کسبه موجب شد آیت الله حائری که اصرار داشت بزرگان قم این کار را انجام دهند، این وظیفه و تکلیف سنگین را بر عهده گیرد و با ذکر این عبارت که: «استخاره خواهیم کرد که آیا صلاح است در قم مانده و به فضلا و محصلین حوزه اراک که انتظار بازگشت مرا دارند بنویسم به قم بیایند تصمیم خود را به بعد موکول کرد.

صبح روز بعد پس از آنکه نماز صبح را به پایان رساند در حرم حضرت معصومه (س) به دعا و نیایش ایستاد و به استخاره روی آورد نقل است که آیت الله حائری به قرآن استخاره نمی کرد، اما در مورد ماندن در قم به قرآن استخاره کرد و خود را به مشیت الهی سپرد که آیه ای زیبا از سوره یوسف که مناسب حالش بود، مسیر او را روشن کرد ... اتونی باهالکم اجمعین ... و همه کسان خود را نزد من بیاورید» آیت الله حائری پس از آن مصمم شد تا حوزه علمیه قم را سامان دهد و از شاگردان خود در

برای پرورش و شکوفایی خلاقیتهای بیشتر علمی به سوی میرزای بزرگ شیرازی (مرجع تقلید وقت) در سامرا فرستاد. آیت الله حائری در سامرا مورد عنایت میرزای شیرازی قرار گرفت و پس از چندی در شمار علما و فضایی مشهور آن سامان درآمد. آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی پس از ۳۷ سال اقامت در کربلا، سامره و نجف در سال ۱۳۳۳ هجری قمری به دعوت مردم اراک و با درخواست آقا حاج میرزای محمود فرزند حاج آقا محسن اراکی به این شهر آمد و حدود هشت سال به تربیت طلاب و تشکیل حوزه مشغول شد. تا جایی که تعداد طلاب در حوزه علمیه اراک از سیصد نفر تجاوز کرد و اراک یک مرکز عظیم علمی و تحقیقی شد. پس از این دوران به سال ۱۳۴۰ قمری مطابق به قصد زیارت حضرت معصومه (س) به همراه مرحوم آیت الله سید محمد تقی خوانساری و فرزند بزرگش آیت الله مرتضی حائری، به قم حرکت کردند، شهر قم که به دلیل تقارن عید مبعث، نیمه شعبان و عید نوروز جمعیت زیادی را از تهران و شهرهای دیگر کشور بسوی خود کشانده بود مهیای استقبال از آیت الله حائری شد.

با انتشار خبر ورود آیت الله حائری به قم، مردم دلباخته مرجعیت برای استقبال از او به خارج شهر شتافتند آیت الله حائری در میان انبوه جمعیت استقبال کننده وارد شهر قم شدند و در مجالس جشن و سرور عید مبعث در نقاط مختلف قم شرکت کردند.

همین سفر بود که مرحله تازه ای در تاریخ پرشکوه شیعه را رقم زد، واعظان و کسانی که آیت الله حائری را از دوران حضور او در سامرا و نجف می شناختند بر منابر و مجالس وعظ و خطابه از کمالات معنوی و علمی او برای مردم سخن گفتند و اهالی را برای نگهداشتن آیت الله حائری در قم تشویق کردند و ایشان با اصرار علما و مردم قم خصوصاً حاج شیخ محمدتقی بافقی و پس از استخاره با قرآن تصمیم به اقامت در شهر قم و تأسیس حوزه علمیه این شهر گرفتند.

ریشه های تأسیس حوزه علمیه قم چیزی بود

اراک خواست به شهر قم بیایند.

با مصمم شدن آیت الله حائری در قم در سال ۱۳۴۰ هجری قمری مطابق با ۱۳۰۱ هجری خورشیدی بنیان حوزه علمیه قم نیز نهاده شد و با گامهای موثر و بزرگی که وی برداشت این حوزه به تدریج ارتقاء یافت و به عنوان یکی از بزرگترین حوزه های علمیه جهان تشیع مطرح شد.

اساسی ترین اقدام آیت الله حائری پس از تأسیس حوزه از نظر فیزیکی تعمیر مدارس دینی بود و در محتوا نیز با تغییر روش آموزشی، تحولی عظیم را در آنها ایجاد کرد وی در این راه همت و تجربه تدریس سی ساله خود را به کار بست به گونه ای که با این روش برنامه های درسی حوزه علمیه نجف اشرف با همه ابعاد و وسعتش در حوزه علمیه قم رایج شد و دوران نابسامان حوزه علمیه قم که پس از وفات میرزای قمی وضع نامطلوبی یافته بود، پایان گرفت.

مهمترین نوآوری و ابتکار آیت الله حائری پس از توجه دادن محصلین علوم علوی، به ژرفنگری در درس و بحث علمی، گزینش «هیئت ممتمنه» برای گذراندن درس حوزوی بود که امروز چنین روشی در آموزش و پرورش دنیا از اصول مهم و با اهمیت محسوب می شود.

حوزه علمیه ای که در عصر خفقان رضا خانی، ایجاد شده بود، مردان روحانی بزرگی را گرد شمع وجودی آیت ... حائری یزدی پرورش داد به نحوی که شاگردان ایشان بالغ بر ۶۰۰ نفر شدند. در این میان تقدیر الهی چنین بود که بزرگترین احیاگر اسلام ناب، حضرت امام خمینی (ره)، از این حوزه برخاسته و دست به قیامی الهی بزنند و نهضت عظیم اسلامی به رهبری روحانیت مبارز شیعی را ایجاد کنند.

موسس حوزه علمیه قم، آیت الله حائری در سن ۸۴ سالگی، در ۱۷ ذیحجه ۱۳۵۵ هجری قمری برابر با ۱۳۱۵ هجری خورشیدی به رحمت حق رفت و پیکر پاکش در جوار آرامگاه حضرت معصومه(س) به خاک سپرده شد.

این روز به عنوان روزی که مرکز اصلی مبارزه و اندیشه مترقی اسلام تأسیس شد و نام آیت الله موسس، همیشه در یادها ماندگار است.

استفاده آل خلیفه از شیوه صهیونیست ها در سرکوب مردم

گرفت و بلدوزهای کاترپیلا ر ساخت آمریکا به عنوان نماد ویرانی در سرزمین های اشغالی عکس اول بسیاری روزنامه ها بود، حال رژیم آل خلیفه با الگو برداری - شما بخوانید آموزش مستقیم - از صهیونیست ها اقدام به انهدام منازل و مساجد مخالفان - مسلمانان شیعه - می کند.

جندی پیش پایگاه اطلاع رسانی العالم در گزارشی تاکید کرده بود وزیر امور خارجه آل خلیفه با بنیامین نتانیا هو دیدار کرده است، سوالی که مطرح می شود این است که بحرین و اسرائیل چه مناسبات اقتصادی می توانند داشته باشند در حالی که تمام تجارت خارجی بحرین از چند صد میلیون دلار تجاوز نمی کند؟ آیا غیر از این بوده که افسران اطلاعاتی و امنیتی اسرائیلی برای آموزش مزدوران آل خلیفه به کار گرفته شوند؟ همانگونه که در خبرها آمده بود بازجوهای انگلیسی مخالفان بحرینی را شکنجه می کنند.

سوال مهم مطرح دیگر این است چرا باید بحرینی که بیش از ۹۹ درصد مردم آن مسلمان هستند سفیری را به آمریکا بفرستد که یک یهودی دو آتشه طرفدار صهیونیسم بین الملل باشد، که می توان گفت این موضوع در راستای طرح نزدیکی آل خلیفه و صهیونیست ها برای سرکوب مردم فلسطین و بحرین بوده است.

البته در مورد دلایل آموزش مزدوران بحرینی توسط افسران موساد و شایاک اسرائیل می توان دلایل عمده دیگری را هم برشمرد، اما همین اندازه نیز کفایت می کند تا ثابت شود رژیم آل خلیفه و اشغالگران سعودی با صهیونیسم بین الملل همراه هستند و آنها در سرکوب مردم بحرین همکاری نزدیکی دارند.

گفتنی است صهیونیست ها نه تنها به آل خلیفه در بحرین برای سرکوب مردم کمک می کنند، بلکه افشای روابط پشت پرده صهیونیست ها با رژیم قذافی و کشف سلاح های ساخت این رژیم توسط انقلابیون نشان داد هر جا مبحث سرکوب پیش می آید، صهیونیست ها به عنوان پای ثابت آن حاضر هستند همان گونه که در موضوع کشمیر نیز این افسران اسرائیلی بودند که شیوه های سرکوب را به ماموران هندی برای ویران کردن منازل مسلمانان کشمیری و آواره کردن آن نشان دادند، روابطی که در سطحی گسترده تر همچنان ادامه دارد و برای انتقام گیری تاریخی صهیونیسم از اسلام و مسلمانان به همه جا سرایت می کند.

تلاش افراط گرایان لیبرال

برای ایجاد درگیری های قومی در مصر

اساسی مصر که اسلام را دین رسمی این کشور می داند علت اصلی این درگیری ها نیست.

وی همچنین افزود: جمعیت اخوان روز چهارشنبه گذشته نامه ای به علمای سلفی که به حکمت و عقلانیت شهرت دارند ارسال کرده و از آنها خواسته است از فتاوی دینی و مواضع متعصبانه از جمله فتوای تخریب ضریح ها و منع گردشگری که موجب جدال در خیابان های مصر و ایجاد ناامنی در این کشور می شود، دست بردارند.

اخوان المسلمین در این نامه با تاکید بر لزوم پیروی از شیوه های عقلانی و دوری از افراط و تعصب و عدم اسرار بر یک نظر واحد در مسائل فقهی که آرا و اجتهاد های مختلفی از آنها استنباط می شود، از علمای سلفی خواسته است در فتاوی خود مصالح وطن را در نظر گرفته و راه را برای داعیان فتنه و کسانی که در صدد هدف قرار دادن امنیت، وحدت و صلح هستند، ببندند تا این کشور مرحله ای را که در پیش رو دارد، پشت سر بگذارد.

یک ماه و نیم پس از قیام مردم بحرین برای تحقق خواسته های مشروع خود، آنها نه تنها به این خواست ها نرسیدند، بلکه در ادامه با اشغال سرزمین شان توسط بیگانگان سعودی، اماراتی و کویتی مواجه شدند تا همراه با مزدوران وابسته به آل خلیفه اقدام به قتل عام مردم و سرکوب شدید آنها کنند.

اما آنچه در این میان به نظر با واقعیت های میدانی و عملکرد آل خلیفه بسیار همخوانی دارد، شباهت هایی است که میان این رژیم و رژیم صهیونیستی وجود دارد. این شباهت ها را می توان اینگونه بر شمرد:

۱- بحرین و فلسطین هر دو اشغال شده اند: در اولین شباهت نزدیک، بحرین و فلسطین هر دو سرزمین های اشغالی به شمار می روند. در بحرین اقلیت کوچکی بنام آل خلیفه که از بیابان های نجد وارد آنجا شدند با حمایت انگلیسی ها موفق به تثبیت موقعیت خود شدند، در فلسطین نیز صهیونیست ها در حالی که اقلیت کوچکی بودند با حمایت انگلیسی ها سرزمین دیگران را اشغال کردند.

۲- شباهت در تغییر ساختار هویتی: آل خلیفه در طول سال های اخیر تلاش گسترده ای کرده تا با وارد کردن مهاجران خارجی ترکیب جمعیتی آنجا را تغییر دهد، این سیاست درست آموزه ای است که آنها از صهیونیست ها فرا گرفته اند. حکایت فلسطین اما ۶۰ سال است که ادامه دارد.

۳- مقابله با مردم معترض: در سرکوب مردم فلسطین صهیونیست ها از ارتش، توپ، تانک، بالگرد و هواپیما استفاده می کنند، همین اتفاق در مورد بحرین هم روی داده است. اشغالگران خارجی و مزدوران داخلی آل خلیفه از تمام سلاح ها و امکانات برای سرکوب مردم بهره می گیرند.

۴- آواره کردن مردم: مساله آوارگان فلسطینی دهه ها است که بر سر زبان ها است، صهیونیست ها با آواره کردن مردم فلسطین سرزمین های آنها را غصب کرده و می کنند، همین رویداد در طول دهه های گذشته هم به شدت جریان داشته و دارد. تاکنون هزاران بحرینی به جرم مسلمان و شیعه بودن اخراج شده و آواره شده اند که این مساله در قیام اخیر شدت و حدت بسیار بیشتری داشته است.

۵- ویران کردن منازل و اماکن مقدس: برای اولین بار این رژیم صهیونیستی بود که شیوه ویران کردن منازل و نمادهای مذهبی مسلمانان فلسطینی را در پیش

سخنگوی جمعیت اخوان المسلمین بر تلاش برخی گروه های لیبرال برای ایجاد درگیری های مذهبی در مصر تاکید کرد.

عصام العربان سخنگوی رسمی جمعیت اخوان المسلمین در مصر با بیان این که مصر در طول تاریخ خود هیچ گاه از درگیری های قومی رنج نبرده است تاکید کرد: مصر با همه مقدسات خود از آلازهر گرفته تا کنیسه از انقلاب و دستاوردهای آن دفاع می کند.

وی با بیان این که افراط گرایان لیبرال تلاش می کنند میان اقوام و مذاهب مختلف در مصر نزاع ایجاد کنند گفت: این افراد با بهره گیری از خطاهایی که از سوی گروه های منتسب به اسلام رخ می دهد جنجال ایجاد می کنند که بیشترین سهم از این جنجال به اخوان المسلمین می رسد. وی با بیان این که جمعیت اخوان تنها خواستار تشکیل یک حکومت مدنی است، به غیر قابل قبول بودن درگیری های گروه های لائیک و آزادی خواه با جریان های اسلامی به ویژه در ارتباط با همه پرسى متمم قانون اساسی اشاره و تصریح کرد: ماده ۲ قانون

سکوت عربستان در قبال جزایر اشغالی آن توسط اسرائیل

میلادی به اشغال خود در آورد، زمانی که ملک فیصل کنترل این دو جزیره را در زمان جنگ اسرائیل با مصر، به مصر واگذار کرد زیرا این دو جزیره از نظر استراتژیک و جغرافیایی اهمیت زیادی داشت و می توانست مانع حرکت کشتی های رژیم صهیونیستی به بندر ایلات شود.

پس از سال ۱۹۶۷ که رژیم اسرائیل بخش های زیادی از کشورهای عربی و همچنین این دو جزیره را به اشغال خود در آورد، عربستان و مصر هر یک دیگری را مالک این دو جزیره معرفی می کردند تا باعث ایجاد حساسیت مردمشان در مورد این دو جزیره اشغالی نشوند. اما حقیقت این است که این دو جزیره، به عربستان تعلق دارند.

با مراجعه به سایت های جست و جوگر متوجه می شویم که در مورد آنها نوشته است به عربستان تعلق دارند. با نگاه به نقشه عربستان که در ادارات دولتی این کشور نصب شده اشت و همچنین کتاب های جغرافیای عربستان، متوجه می شویم که این دو جزیره جزء خاک عربستان است نه مصر.

طبیعتا از نظر اطلاع رسانی، این امر سانسور شده است، زیرا برادران صهیونیست مقامات سعودی به این گذرگاه دریایی برای عبور کشتی هایشان و رسیدن به بندر ایلات بسیار نیاز دارند.

خروج صهیونیست ها از این جزایر

رژیم اسرائیل پس از پیمان کمپ دیوید، تنها نیروهای نظامی خود را از این جزایر خارج کرد؛ این خروج پس از آن صورت گرفت که توافق حاصل شد، کشتی های اسرائیلی با آزادی تمام از آن جا عبور کنند و تنگه تیران نیز به عنوان یک گذرگاه بین المللی شناخته شود و اینگونه بود که عربستان، حاکمیت خود را بر این گذرگاه بسیار مهم از دست داد.

این منطقه اکنون به منزله دهانه بطری برای بندر ایلات اسرائیل از سمت دریای سرخ است که تنها راه ارتباطی با داخل آن است.

پس از خروج رژیم صهیونیستی

اینگونه به نظر می رسد که اسرائیل خواسته است سلامت و امنیت این ورودی را تضمین کند به گونه ای که بعدها باعث ایجاد هیچگونه مشکلی برای آن نشود و به همین دلیل توافق شد که سازمان ملل متحد این جزیره را به وسیله نیروهای چندملیتی شامل نیروهای آمریکا و مصر آن را اداره کند و یک دفتر برای نظارت بر پایبندی تمامی طرف ها در الجزیره تاسیس شود.

از آن زمان تا کنون، عربستان حاکمیت خود را بر این منطقه استراتژیک در دریای سرخ از دست داد و حاکمیت اصلی آن در زمان حاضر در دست صهیونیست است.

رژیم صهیونیستی به صورت صوری نیروهای نظامی خود را از آن خارج کرده و نیروهای آمریکایی جایگزین آن ها شده اند، امروز به آسانی کشتی های این رژیم به آنجا رفت و آمد می کنند، صهیونیست ها از آنجا اسلحه برای جنگ ها می فرستند و ارتش خود را تجهیز می کند در نزدیکی مرزهای عربستان. بدون اینکه در عربستان کسی جرات داشته باشد چیزی در این مورد بگوید.

منبع العالم

رژیم صهیونیستی از سال ۱۹۶۷ میلادی تاکنون برخی از جزایر و گذرگاه های دریایی عربستان سعودی از جمله دو جزیره صنایع و تیران را در اشغال خود دارد و این در حالی است که حاکمان سعودی در قبال این اشغالگری صهیونیست ها سکوتی معنادار اختیار کرده اند.

به نظر می رسد بیشتر مردم عربستان گمان می کنند که رژیم صهیونیستی تنها اراضی فلسطینی، ارتفاعات جولان سوریه و مزارع شبعا را اشغال کرده و برای آنان تصور اشغال بخشی از سرزمینشان توسط این رژیم اشغالگر سخت باشد.

کارشناسان بی خبری مردم عربستان از اشغال سرزمینشان توسط صهیونیست ها را به سکوت معنادار مقامات سعودی و سانسور رسانه های وابسته به رژیم سعودی مرتبط دانسته و معتقدند هدف این سکوت و سانسور فراهم نشدن زمینه های رویارویی آنها با برادران صهیونیستشان است.

امروز زمان پاسخگویی مقامات سعودی به سکوت در مقابل اشغال کشورشان توسط صهیونیست ها فرارسیده است و آل سعود باید به مردم خود درباره صدور نفت با قیمت ارزان از بندر "ینبع" به بندر "ایلات" در جهت منافع رژیم صهیونیستی پاسخگو باشند.

موقعیت این دو جزیره

همانگونه که از نقشه ها پیداست، این دو جزیره، موقعیت استراتژیک و بسیار پر اهمیتی برای رژیم صهیونیستی دارند، این دو جزیره، تنها منفذ و ورودی این رژیم به دریای سرخ هستند.

رژیم غاصب اسرائیل در زمان حاضر در این دو جزیره، ایستگاه بزرگی برای واکنش سریع به وجود آورده است.

در دو جزیره بزرگ تیران و جزیره کوچک صنایع، اگر تجهیزات نظامی مستقر شود، براحتی می توان حرکت کشتی های رژیم صهیونیستی را از طریق بندر ایلات و خلیج عقبه را بطور کامل فلج کرد.

ادعاهای عربستان

عربستان ادعا می کند که این دو جزیره، جزایری مرجانی و بدون اهمیت و غیر مسکونی هستند و به همین دلیل است که توجهی به آن ندارد و البته این ادعا به هیچ وجه درست نیست.

این دو جزیره به دلیل موقعیت استراتژیکی حساسی که دارند، جزایری حیاتی محسوب می شوند؛ این دو جزیره در ورودی تنگه تیران قرار دارند و با توجه به این، بر ورودی خلیج عقبه و بندر ایلات رژیم صهیونیستی اشراف و تسلط دارند.

اهمیت این دو جزیره همانند جزایر حریش است که یمن با پناه بردن به دادگاه های بین المللی آن را از اریتره باز پس گرفت.

عربستانی ها اگر راست می گویند و این جزایر مرجانی و غیر مسکونی و بی اهمیت هستند و منابع معدنی و نفت در آن وجود ندارد، چرا با یمن در مورد برخی جزایر مرجانی کوچک و مشابه مانند جزیره فرسان وارد نزاع های خونینی شدند، هر چند این جزایر همانند جزایر تیران و صنایع، برگذرگاه ها و ورودی های دریایی مشرف نیستند؟

داستان اشغال این دو جزیره

رژیم صهیونیستی این دو جزیره را به دلیل اهمیت استراتژیک آن ها، در سال ۱۹۶۷

ریشه‌های مقاومت در فلسطین

دکتر سیدمحمد صدر



تعدادی را از دو طرف بازداشت نمودند و طی یک برخورد خشن ۲۵ نفر فلسطینی و تنها یک یهودی را به اعدام محکوم کردند. این اقدام انگلیس زمینه‌های درگیری و عملیات‌های مسلحانه فلسطینی‌ها را به صورت پراکنده علیه مراکز ارتش سلطنتی و نیز یهودیان گسترش داد. در اواسط سال ۱۹۳۱ نماینده دولت انگلستان در فلسطین به یهودیان اجازه می‌دهد برای حفاظت و حراست از شهرک‌های یهودی از سلاح استفاده کنند. این امر عملاً به رشد جریانات مسلحانه در بین فلسطینی‌ها کمک کرد. یک سازمان انقلابی سری که رهبری آن را حاج امین الحسینی، رئیس مجلس اعلاهی اسلامی و مفتی قدس برعهده داشت با حمایت و همراهی شکیب ارسلان درزی اعلام موجودیت کرد و عملیات‌هایی را علیه یهودیان انجام داد ولی با جدا شدن ارسلان این سازمان فروپاشید. در اواخر سال ۱۹۳۱ همزمان با ۲۷ رجب روز معراج در یک اقدام جمعی حاج امین الحسینی کنفرانسی را از جهان اسلام در قدس تشکیل داد که از ایران سیدضیاءالدین طباطبایی و از کشورهای دیگر شخصیت‌هایی مانند کاشف الخطاء، اقبال لاهوری، عبدالقادر گیلانی، ریاض الصلح، رشیدرضا و دیگران در آن حضور یافتند. در پایان این کنفرانس تعدادی به عنوان عضو کمیته اجرایی تعیین شدند که سیدضیاء و کاشف الخطاء نیز جزو آنها بودند و نهایتاً حاج امین الحسینی به عنوان رئیس و سیدضیاء طباطبایی به عنوان دبیرکل دائم آن منصوب شدند. این کنفرانس عملاً شیوه مسالمت‌آمیز و مذاکراتی را با طرف‌های انگلیسی در پیش گرفت و امین الحسینی بارها با یهودیان ملاقات و مذاکره کرد.

قیام شیخ عزالدین القسام

وی متولد لاذقیه سوریه، فارغ‌التحصیل الازهر مصر، امام جماعت و خطیب بانفوذی بود که در سال ۱۹۲۱ به دلیل شرکت در عملیاتی علیه نیروهای فرانسوی چون تحت تعقیب بود به فلسطین گریخت و در شهر حیفا ساکن شد و به تدریج مدرسه‌ای را تأسیس کرد و با سخنرانی‌های خود جایگاه مثبتی نزد مردم حیفا پیدا کرد. وی ابتدا جمعیتی را با نام جمعیت جوانان مسلمان تأسیس کرد و پس از تلاش‌های فرهنگی سرانجام در ۱۹۳۵ تشکیلات مسلحانه سری را از میان جوانان جمعیت مذکور سامان داد. وی محل عملیات خود را به جنین منتقل کرد و از آنجا عملیات‌های جهادی را علیه یهودیان مهاجر و کاروان‌های مسلح انتقال یهود رهبری کرد تا اینکه توسط نیروهای انگلیسی شناسایی و محاصره شد و طی یک درگیری در اواخر سال ۱۹۳۵ به شهادت رسید. اهمیت قیام شیخ عزالدین بیشتر از این جنبه است که وی کادرهای زیادی را که عموماً از جوانان متدین و مذهبی بودند آموزش ایدئولوژیک و نظامی داد و این افراد بعداً پایه‌گذار قیام‌های دیگری تا قبل از تأسیس اسرائیل شدند. جنبه دیگر اهمیت اقدام شیخ عزالدین، همزمانی وی با ریاست حاج امین الحسینی بر اوقاف و مجلس اعلاهی اسلامی فلسطین بود که شیوه مسالمت‌آمیزی را در پیش گرفته بود. گفته شده شیخ عزالدین بارها از امین الحسینی درخواست سلاح و مساعدت مالی کرده که بدون پاسخ گذاشته شده است. وی سلاح مورد نیاز را از سوریه و اردن وارد می‌کرد. در سال ۱۹۳۹ جنگ جهانی دوم آغاز می‌شود. در فلسطین دو اتفاق می‌افتد اول، نیروهای مبارز فلسطینی از آلمان و رهبر آن هیتلر حمایت می‌کنند حتی حاج امین الحسینی که از

روشنفکران و افراد ذی نفوذ فلسطینی بود که بعداً به مناطق دیگر مانند سوریه نیز توسعه پیدا کرد. این افراد با استفاده از هر امکانی تلاش می‌کردند مانع مهاجرت یهودیان شوند که در آن زمان شامل یهودیان کشورهای عربی نیز می‌شد. خبر تشکیل این جبهه را روزنامه مصری الاقدام در ۱۹/۸/۱۹۱۴ منتشر کرد. تلاش اولیه این جبهه، آگاه‌سازی اقشار مختلف مردم نسبت به خطر مهاجرت تدریجی یهودیان بود. تا اعلام وعده بالفور این وضعیت ادامه یافت. یکماه بعد در پایان سال ۱۹۱۷ اولین گروه از ارتش سلطنتی انگلستان به فرماندهی ژنرال آلتبی وارد فلسطین و قدس گردید. راه ورود نظامیان انگلیسی توسط اقدامات حمایتی گسترده و کمک‌های رهبران عرب مانند شریف حسین با جنگ‌هایی که علیه نظامیان عثمانی کرده بودند فراهم گردید. آلتبی پس از ورود به فلسطین اقداماتی را در جهت مهاجرت و اسکان یهودیان در اطراف قدس به عمل آورد. در این میان نقش بسیار فعال حاییم وازمن، رهبر جنبش صهیونیسم را که مذاکرات سری طولانی با رهبران سیاسی و نظامی انگلستان به عمل می‌آورد نباید فراموش کرد. از نظر اعراب اقدام آلتبی یک خیانت بزرگ محسوب می‌شد. از آن به بعد در سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ درگیری‌ها و تظاهرات مردمی از سوی جمعیت‌های اسلامی و مسیحی در قدس علیه اقدام یهودیان در اطراف این شهر ادامه یافت. این درگیری‌ها به تدریج ابعاد گسترده‌تری به خود گرفت و به شهرهای نابلس و الخلیل نیز منتقل گردید. در آوریل ۱۹۲۰ طی یک درگیری مسلحانه تعداد ۲۰ عرب و یهودی کشته شدند. نیروهای انگلیسی تلاش نمودند براساس وعده بالفور از مهاجرت یهودیان و اسکان آنان حمایت کنند. از سوی دیگر فلسطینی‌ها در قالب تشکل جبهه مقاومت فلسطین اقدامات سیاسی داخلی خود را سازماندهی کرده و کنفرانس‌هایی را برای تبادل نظر تشکیل دادند. کنفرانس سوم فلسطینی‌ها در شهر حیفا بیانیه‌ای را صادر کرد و در سه بند اعلام داشت که وعده بالفور را نمی‌پذیرد، در برابر مهاجرت یهودیان مقاومت خواهد کرد و به دنبال استقلال و حکومت ملی در فلسطین است. ریاست فلسطینی‌ها را در این نشست حاج موسی کاظم الحسینی که دارای گرایشات اسلامی بود؛ عهده‌دار شد. (در سال ۱۹۱۸ تعداد اعراب بیش از ۶۵۰ هزار نفر بود که ۹۰ درصد از خاک فلسطین را در اختیار داشتند در حالی که تعداد یهودیان ۵۵ هزار نفر برآورد گردید). در سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۲۹ صحنه فلسطین به ویژه در قدس شاهد درگیری‌های ایدئولوژیک بین اعراب و یهودیان مذهبی بود که بر سر عبادت در کنار دیوار براق یا ندبه با یکدیگر درگیر می‌شدند. در آن زمان قدرت عرب‌های فلسطینی در قدس از نظر تعداد و امکانات بر یهودیان برتری فاحش داشت و معمولاً بر آنها غلبه می‌کردند. در عین حال نیروهای انگلیسی معمولاً دخالت کرده و اجازه گسترش درگیری‌ها را نمی‌دادند. مهم‌ترین حادثه در ۲۳ اوت ۱۹۲۹ تحت عنوان انقلاب براق روی داد که نمازگزاران مسجدالاقصی به محله یهودیان در کنار دیوار براق حمله بردند و این درگیری به دیگر شهرها و مناطق مشترک فلسطینی-یهودی نیز کشیده شد و طی سه روز نزاع خونین بیش از ۲۰۰ کشته و صدها مجروح از دو طرف بر جای گذاشت. نیروهای ارتش انگلیس که قبلاً طی بیانیه‌ای، در اختیار اعلام سلاح توسط فلسطینی‌ها و یهودیان را ممنوع اعلام کرده بودند پس از درگیری‌های مسلحانه فوق‌الذکر

مبارزات فلسطینی‌ها که امروز تحت عنوان مقاومت علیه اشغالگران صهیونیستی نامیده می‌شود در یک تقسیم‌بندی تاریخی سه دوره یا سه مرحله مبارزاتی را از ابتدای شکل‌گیری آن تاکنون پشت سر گذاشته است:

دوره اول

از آغاز فعالیت جنبش صهیونیسم اواخر قرن ۱۹ میلادی در داخل فلسطین شروع شد و تا سال ۱۹۶۷ با شکست سنگین دولت‌های عربی از اسرائیل ادامه یافته است. ویژگی این دوره مبارزات پراکنده و غیرمنسجم گروه‌ها یا افراد فلسطینی علیه یهودیان به ویژه مهاجران است. سازماندهی قوی تشکیلاتی وجود ندارد اما حمایت دولت‌های عربی به ویژه مصری‌ها در کنار نهضت فلسطین به نحو نسبتاً مطلوبی وجود دارد.

دوره دوم

از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۸۸ است که دولت اشغالگر اسرائیل توسط سازمان آزادی‌بخش فلسطین (مورخ ۸۸/۱۷/۱۵) با تشکیل اجلاس مجلس ملی فلسطین در الجزایر به رسمیت شناخته می‌شود. ویژگی این دوره سازمان‌یافتگی مقاومت فلسطینی‌ها و انجام عملیات‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر حتی در سطح جهان است. اوج فعالیت‌های ساف، فتح و گروه‌های دیگر مسلح در این دوره است. البته حمایت کشورهای عربی به مراتب کمتر از گذشته بوده و بزرگ‌ترین کشور عربی که قوی‌ترین آن هم هست یعنی مصر با رژیم اسرائیل قرارداد صلح امضا می‌کند.

دوره سوم

از ۱۹۸۸ یعنی آغاز شروع انتفاضه تا امروز است که اساساً شکل و مضمون مقاومت تغییر می‌یابد. مردم وارد صحنه مبارزه می‌شوند و پیام ویژه این دوره برجستگی پیام دینی و اسلامی مبارزه است. برای پرداختن به ریشه‌های مقاومت در فلسطین نمی‌توان دو اتفاق مهم در صحنه داخلی که البته مرتبط با تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است را نادیده گرفت. این دو اتفاق که در واقع نقطه عطف مهمی در تغییرات بنیادین منطقه و شکل‌گیری واحدهای سیاسی جدید و به تبع آن اسرائیل و جریان مقاومت فلسطینی‌ها به حساب می‌آید یکی توافقنامه سایکس-پیکو در تاریخ ۱۹۱۶/۵/۹ است که سرزمین‌های دولت فروپاشیده عثمانی بین دو قدرت انگلستان و فرانسه تقسیم می‌گردد و عملاً ارتش انگلیس در منطقه فلسطین جایگزین نمایندگان مسلمان عثمانی می‌گردد. دوم وعده بالفور در ۱۹۱۷/۱۷/۲ است که دولت انگلستان با درخواست یهودیان مبنی بر تأسیس میهن یهودی در فلسطین موافقت می‌کند و وزیر خارجه انگلیس متعهد می‌گردد از یهودیان موجود در فلسطین و از روند مهاجرت آنان حمایت کند. البته این دو اتفاق مهم و تعیین‌کننده، موجب شد جریان مبارزاتی فلسطینی‌ها علیه نیروهای انگلیسی و جنبش صهیونیسم افزایش یابد. قابل ذکر است که مبارزه فلسطینی‌ها همزمان با شکل‌گیری جنبش صهیونیسم در داخل سرزمین فلسطین آغاز شده بود. جنبش صهیونیسم توسط سازمان جهانی یهود در اواخر قرن ۱۹ میلادی و با هدف ترغیب بیشتر یهودیان به مهاجرت به فلسطین و حمایت از حضور آنان در این سرزمین شکل گرفته بود. شاید بتوان گفت اولین تشکل مقاومتی در فلسطین همزمان با آغاز جنگ جهانی اول تحت عنوان «جبهه مقاومت علیه صهیونیسم» به وجود آمد که مرکزیت آن در قدس و حیفا بود. این جبهه که هدف خود را مقابله مستقیم با جنبش صهیونیسم اعلام کرد متشکل از

خیانت انگلستان و رفتار آنان به سود یهودیان به ستوه آمده به آلمان سفر می‌کند و با هیتلر دیدار و مورد حمایت سیاسی او قرار می‌گیرد. دوم، نیروهای مسلح یهودی در کنار ارتش انگلستان با نیروهای فرانسوی حکومت ویشی (حامی هیتلر) در سوریه و لبنان می‌جنگند. رهبر آنها موشه دایان بوده که یک چشم خود را در همین جنگ‌ها از دست می‌دهد. این مساله که در نهایت با پیروزی متفقین همراه بوده شرایط سیاسی یهودیان را در داخل فلسطین پس از جنگ بهبود چشمگیری داده و منجر به قطعه‌نامه تقسیم به شماره ۱۸۱ در مورخ ۱۹۴۷/۱۷/۵ می‌شود.

قیام عبدالقادر الحسینی

پس از قرار تقسیم و متعاقب آن اعلام تأسیس دولت صهیونیستی در ۱۴/۵/۱۹۴۷، جریان مبارزاتی در داخل فلسطین علیه صهیونیست‌ها شدت پیدا می‌کند. در حالیکه یهودیان به جشن و پایکوبی می‌پردازند خشم و غضب و نگرانی جامعه عربی فلسطین را فرا می‌گیرد و تظاهرات گسترده مردمی علیه سازمان ملل و یهودیان تمام مناطق عربی را فرا می‌گیرد. عبدالقادر الحسینی که از مبارزان مشهور قدس بوده با فراهم نمودن نیروهای جوان و آموزش دیده اقدامات نظامی متعددی را علیه ورود یهودیان به قدس به عمل می‌آورد. حوزه عملیات وی راه‌های ارتباطی بین قدس و تل‌آویو بوده و موفقیت‌هایی را نیز به دست می‌آورد تا اینکه توسط نیروهای انگلیسی قبل از خروج از فلسطین محاصره و شهید می‌شود.

ارتش نجات بخش فلسطین

فلسطینی‌ها که حاضر به پذیرش قطعه‌نامه ۱۸۱ نشده بودند و ارتش و دولت و سیستم دفاعی در اختیار نداشتند با موج عملیات‌های نظامی و پارتیزانی گروه‌های تندرو صهیونیستی مانند هاگانا، اشترن و ارگون روبه‌رو شدند. در این مقطع شهرها و روستاهای عرب‌نشین فلسطینی هدف این حملات واقع می‌گردید تا به تدریج مردم عرب وادار به فرار شوند. در چنین شرایطی کشورهای عربی که تازه استقلال یافته و با یکدیگر اختلافات زیادی داشتند در قاهره گردهم آمدند و ارتشی را به نام ارتش آزادی‌بخش فلسطین تأسیس کردند. هدف آنها مقابله با یهودیان در داخل فلسطین بود. فرماندهی این ارتش به یک افسر عراقی به نام اسماعیل صفوت داده شد. اوج اختلافات عربی بین عبدالله اول در اردن که خواستار وحدت اردن و فلسطین بود با سوریه که خواهان وحدت شامات از جمله کل فلسطین بود و نیز مصری‌ها به رهبری ملک فاروق که ادعای ریاست و رهبری جهان عرب را داشتند عملاً اجازه فعالیت جدی به ارتش نجات‌بخش را نداد اما این کشورها هرکدام به نمایندگی از طرف خودشان وارد جنگ با اسرائیل به فاصله کوتاهی پس از اعلام موجودیت اسرائیل شدند. ارتش‌های عربی با همراهی مبارزان فلسطینی در آغاز جنگ پیشروی خوبی داشته و تا آستانه تل‌آویو جلو رفتند اما سبیل کمک‌های تسلیحاتی غرب به اسرائیل و خیانت‌های پشت‌پرده رهبران عرب که حکومت‌های خود را مدیون غرب می‌دانستند موجب شکست سنگین ارتش‌های عربی و تصرف بیشتر فلسطین توسط اسرائیل شد.

جنبش ناسیونالیستی عرب (حرکة القومین العرب)
بین سال‌های ۱۹۵۲ تا ۱۹۵۶ جهان عرب شاهد کودتاهای نظامی بسیاری بود. مهم‌ترین آنها در مصر با روی کارآمدن افسران آزاد به رهبری ژنرال نجیب و جمال عبدالناصر اتفاق افتاد. محیط داخلی فلسطین و روند مبارزاتی فلسطینی‌ها نیز تحت تأثیر اندیشه‌های ناسیونالیستی قرار گرفت. جنبش ناسیونالیستی عرب به‌عنوان یک جریان مقاومتی در سال‌های ۱۹۵۳ و ۱۹۵۴ توسط برخی دانشجویان فلسطینی دانشگاه آمریکایی بیروت پایه‌گذاری شد. رهبران این جنبش جرج حبش، ودیع حداد و احمد الخطیب بودند. قبل از این جنبش، جمعیتی تحت عنوان عروه‌الوئقی که دارای گرایشات لیبرالیستی بود در دانشگاه مذکور شکل گرفته و فعالیت می‌کرد. جرج حبش و دوستانش که تحت تأثیر ایدئولوژی مارکسیسم لنینیسم بودند وارد این جمعیت شده و به تدریج بر آن سیطره پیدا کردند. این جریان از همه اعراب عضو می‌پذیرفت. گروه چریکی این جنبش در سال ۱۹۵۶ همزمان با جنگ کانال سوئز تحت عنوان "شباب الثار" شکل گرفت که بیشتر به افکار حزب بعث تمایل داشت اما به تدریج جذب جریان ناسیونالیستی ناصر گردید. اختلافات درون این جنبش نیز بین حامیان عبدالکریم قاسم و جمال عبدالناصر بالا گرفت. این روند دودستگی تا جنگ ۱۹۶۷ ادامه داشت. گروه چریکی جنبش در جنگ مشارکت نمود اما با شکست سنگین اعراب، جنبش ناسیونالیستی عرب به جبهه آزادی بخش فلسطین تغییر نام داد و ایدئولوژی خود را مارکسیسم لنینیسم اعلام نمود. (اولین بیانیه آنها در ۶۷/۱۲/۱۱ منتشر شد). اوایل سال ۶۸ جرج حبش و ودیع حداد از جبهه آزادی بخش جدا شده و جبهه مردمی برای آزادی فلسطین را تأسیس کردند. در اواخر همان سال احمد جبریل از جبهه جدا شده و شاخه فرماندهی کل را تأسیس نمود و در پی آن در سال ۱۹۶۹ جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین به رهبری نایف حواتمه با تمایلات عراقی از جبهه جدا شد.

سازمان آزادی بخش فلسطین

پس از شکست اعراب در جنگ ۶۷ اسرائیل سرزمین‌های سینا و کرانه غربی را ضمیمه خاک خود کرد. این شکست ضربه روانی بسیار سنگینی بر جنبش‌های مبارزاتی فلسطینی وارد کرد. بروز ناامیدی در بین مردم عرب از توانایی ارتش‌های خود، جریان مقاومت مسلحانه را که از نوعی حمایت مستقیم دولت‌های عربی نیز برخوردار بودند تقویت نمود. بنابراین جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل را می‌توان نقطه عطف تاریخی برای آغاز موج جدید جنبش‌های آزادی بخش و جریانات چریکی نسبتاً منسجم در مقابله با صهیونیست‌ها دانست. با پیشنهاد جمال عبدالناصر در سال ۱۹۶۴ و به منظور ایجاد پایگاهی برای هماهنگی گروه‌های انقلابی فلسطینی با دولت‌های عربی، سازمان آزادی بخش فلسطین



اریک رولو : ماموریت من به یک معنا به بازپرسی در کشوری کاملاً دستخوش حوادث می‌مانست. رییس بورقیه که چند بار با او ملاقات کردم از قدرت تشخیص درست برخوردار نبود. هنگام دیدار، بارها با بیان مطالب نه‌چندان دیپلماتیک، حتی نامنسجم، الباجی قائد السبسی، وزیر خارجه‌اش را دچار آشفتگی و پریشان‌خاطری می‌کرد. پس از پایان ملاقات، وزیر

(ساف) با موافقت اتحادیه عرب در قدس اعلام موجودیت کرد. اولین رییس آن احمد شقیری بود. هدف اولیه تأسیس این سازمان، آزادی فلسطین از طریق مبارزات مسلحانه بود. گرچه در سال‌های بعد یعنی ۱۹۷۴ بحث تشکیل دولت مستقل فلسطینی را به میان کشید و در سال ۱۹۸۸ اسرائیل را به رسمیت شناخت. محمد عبدالرئوف القدوه‌الحسین موسوم به یاسر عرفات در سال ۱۹۶۹ جانشین احمد شقیری رییس ساف گردید. عرفات که در سال ۱۹۵۹ همراه با خلیل الوزیر، صلاح خلف و فاروق القدومی جنبش فتح را در قاهره پایه‌گذاری کرده بودند با مبارزات مسلحانه خود طی سال‌های تأسیس فتح تا پایان دهه هفتاد جایگاه بسیار خوبی را در بین مردم فلسطین به‌دست آورده بودند. عرفات که ابتدا مخالف سرسخت ساف بود و آنرا آلت دست حکام عرب می‌نامید پس از مشارکت در جنگ ۶۷ و سپس در جنگ کرامه در سال ۶۸ که پیروزی نسبی همراه با ارتش اردن در برابر نیروهای اسرائیلی به‌دست آورد با تقاضای رو به افزایش مردم فلسطین و حمایت عبدالناصر به ریاست ساف انتخاب شد. عرفات قبلاً در زمان اقامت در قاهره همراه با ارتش مصر به‌صورت داوطلبانه در جنگ ۱۹۴۸ و سپس در جنگ کانال سوئز در سال ۱۹۵۶ مشارکت نموده و مورد توجه مصری‌ها قرار داشت. گرچه وی دو سال قبل از تأسیس جنبش فتح در کویت به‌عنوان مهندس ساختمان مشغول به کار شده بود. جنبش فتح به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین سازمان انقلابی فلسطین از بدو شروع مبارزات مسلحانه تا زمان انتفاضه ۱۹۸۷ و به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه مقاومتی در ساف، محبوبیت خود را در بین فلسطینی‌ها به‌دلیل اقدامات چریکی و مقاومتی بزرگی که انجام داد به‌دست آورد. این جنبش پایگاه‌های خود را پس از شکست اعراب در جنگ ۶۷ در مرزهای کشورهای عربی همجوار فلسطین از جمله مرزهای اردن قرار داد. پیروزی فتح در جنگ کرامه و اقدامات مسلحانه در داخل اسرائیل و علیه صهیونیست‌های خارج فلسطین اوج مبارزات فتح است اما این جنبش مردمی از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد درگیر اختلاف با دولت‌های عربی شد. شاید یکی از دلایل آن قدرت بیش از حد انتظار این جنبش و نگرانی رهبران دولت‌های عربی بود. به‌هرحال در سال ۱۹۷۰ جنبش فتح با ارتش اردن درگیر و با اتفاق موسوم به سپتامبر سیاه مجبور به ترک اردن و اقامت در جنوب لبنان گردید. درگیری و نزاع با مسیحیان لبنانی و جنگ داخلی در این کشور موجب هجوم اسرائیل به جنوب لبنان و سپس اشغال بیروت شد. نتیجه این نزاع، اخراج عرفات و جنبش فتح از لبنان و اقامت در تونس بود که عملاً این جنبش را از نظر نظامی و میزان نفوذ در بین فلسطینی‌ها به تضعیف کشانید. عرفات از این پس حجم تحرکات سیاسی خود را با استفاده از مشروعیت سیاسی ساف افزایش داد و به‌طور کامل

ساف را در اختیار گرفت. با تضعیف کشورهای عربی پس از صلح سادات با اسرائیل و امضای قرارداد کمپ دیوید در ۱۹۷۹، شیوه مبارزاتی ساف به سمت سازش و مذاکره پیش رفت تا اینکه در سال ۱۹۸۸ مجلس ملی فلسطین، اسرائیل را به رسمیت شناخت.

انتفاضه اول فلسطین و اعلام موجودیت حماس

انتفاضه اول یا انقلاب سنگ در اواخر سال ۱۹۸۷ ابتدا در غزه علیه اشغالگران اسرائیلی شکل گرفت و سپس به کرانه باختری و متعاقب آن به داخل سرزمین‌های اشغالی ۴۸ کشیده شد. ویژگی آن حضور اقشار مختلف مردم به‌طور گسترده در مقابله با نیروهای صهیونیستی بود. اسباب شکل‌گیری انتفاضه را هر گروه براساس دیدگاه خود تفسیر کرده است. اما نقطه آغازین آن پس از کشته شدن تعدادی از کارگران فلسطینی در مرز غزه اسرائیل به وسیله یک کامیون نظامی ارتش صهیونیستی بود. البته شاید بهترین دلیل آن را بتوان سرخوردگی و یأس اعراب از اقدامات دولت‌ها و نیز گروه‌های مسلح فلسطینی از جمله فتح دانست. در این جریان مساجد و ائمه جماعات نقش مهمی در بسیج و سازماندهی مردم برعهده گرفتند. شیخ احمد یاسین و برخی دیگر از رهبران اخوان المسلمین در فلسطین از جمله عبدالعزیز الرنتیسی بلافاصله پس از شروع انتفاضه اول آغاز یک جنبش اسلامی در فلسطین را با صدور بیانیه‌ای در دسامبر ۱۹۸۷ اعلام داشتند که بعداً تحت عنوان حرکت مقاومت اسلامی فلسطین - حماس - نامیده شد. مشی این جنبش مسلحانه و ورود همه اقشار مردم فلسطین در آن آزاد اعلام گردید اما خط فکری آن برگرفته از جریان اخوان المسلمین باقی ماند. حماس در عملیات‌های بسیاری در داخل فلسطین و در کرانه باختری و غزه علیه نیروهای اسرائیلی شرکت کرد. شاخه نظامی این جنبش گردان‌های عزالدین القسام نام دارند. نیروهای اسرائیلی در اقدامی تروریستی طی سال‌های ۲۰۰۴ و ۲۰۰۵ شیخ احمد یاسین، رهبر این جنبش و برخی مسوولان دیگر آنرا به شهادت رساندند. جنبش حماس در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶ فلسطین شرکت کرد و موفق شد اکثریت کرسی‌ها را (۷۶ کرسی از ۱۳۲) به‌دست آورد. رهبر این جنبش در داخل فلسطین در حال حاضر اسماعیل هنیه و رییس دفتر سیاسی آن خالد مشعل است که در سوریه اقامت دارد. اختلافات جنبش فتح و حماس در داخل فلسطین، موجب شد که پس از خروج نیروهای اسرائیلی از نوار غزه، مدیریت کامل این نوار از سال ۲۰۰۶ در اختیار حماس قرار گیرد.

جنبش جهاد اسلامی

در اواخر دهه ۱۹۷۰، دکتر فتحی شقاقی که خود دارای گرایشات اخوان المسلمین بود همراه با

دو فلسطینی فعال دیگر به‌نام عبدالعزیز عوده و دکتر بشیر موسی این جنبش را پایه‌گذاری کردند. این افراد تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران بودند و با عضوگیری در داخل فلسطین در پیروزی انتفاضه نقش موثری ایفا کردند. جهاد اسلامی گرچه کوچک‌تر و از نفوذ به مراتب کمتری از حماس در بین فلسطینی‌ها برخوردار است اما بی‌تردید سومین گروه در فلسطین پس از حماس و فتح است. گرایشات اسلامی، ریشه اخوانی، مبارزه مسلحانه و نزدیکی به جنبش‌های مقاومتی دیگر در منطقه مانند حزب الله لبنان از ویژگی‌های مشترک جنبش جهاد اسلامی و حماس است.

دکتر فتحی شقاقی در اکتبر ۱۹۹۵ در جزیره مالت توسط موساد اسرائیل به شهادت رسید و از آن به بعد رهبری آنرا دکتر رمضان عبدالله شلح در اختیار دارد که در دمشق مستقر است. جنبش جهاد اسلامی در عملیات‌های مهمی علیه اسرائیل شرکت داشته است. گردان‌های قدس شاخه نظامی این جنبش است که عمده عملیات‌های خود را در داخل فلسطین انجام می‌دهد. این جنبش از نظر سیاسی مخالف دولت خودگردان و توافقنامه اسلو است.

انتفاضه دوم فلسطین

این انتفاضه موسوم به انتفاضه الاقصی است که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ پس از ورود آریل شارون به صحن مسجدالاقصی و به نشانه اعتراض مردم مسلمان فلسطین به این اقدام وی آغاز گردید و به‌طور نسبی ادامه دارد. این اقدام شارون نه تنها موجب حضور اعتراض‌آمیز و درگیرانه مردم فلسطین در خیابان‌ها و حمله به نیروهای صهیونیستی گردید بلکه در سایر کشورهای عربی و اسلامی نیز مردم را به خیابان‌ها کشاند. این شیوه مبارزاتی به‌لحاظ فراگیری آن در دیگر کشورها، در تاریخ فلسطین بی‌سابقه بوده است. باوجود اینکه انتفاضه اول شش سال بیشتر به طول نینجامید و در سال ۱۹۹۴ متوقف شد، اما اسرائیل و جامعه بین‌الملل را همراه با برخی رهبران عرب سراسیمه وارد روند پرشتاب مذاکرات سازش بین دو طرف عربی و اسرائیل کرد که البته نتیجه آن توافقنامه اسلو و صلح وادی عربیه بین اردن و اسرائیل بود. این اقدامات موجب یأس مجدد فلسطینی‌ها و توقف انتفاضه شد. اما با اقدام شارون و شروع انتفاضه دوم که دامنه آن فراگیرتر از قبلی بود گرچه مذاکرات اعراب و فلسطینی‌ها با اسرائیل به شکل‌های مختلف ادامه یافته است و نتیجه‌ای تاکنون دربر نداشته است. دستاورد عملی دو انتفاضه برای مردم فلسطین، پس از تجربه شیوه‌های مختلف مبارزاتی نشان می‌دهد که امیدی به حمایت دولت‌های عربی نزد فلسطینی‌ها وجود ندارد و این مردم تنها به اتکای خویش و اراده‌ای مستقل به مبارزه خواهند پرداخت.

زین العابدین بن علی و راشد الغنوشی از دیدگاه یک سفیر

سن سیر بودند و همدیگر را "تو" خطاب می‌کردند و عادت داشتند که درباره مسائل مشترک‌المنافع گفت‌وگو کنند. ایوان دو لی نیبر، گلیست چپ، دارای مدال افتخار برای خدمات مسلحانه‌اش در مبارزه با "سازمان ارتش مخفی" (OAS یک سازمان مخفی سیاسی- نظامی فرانسوی که خواهان حفظ وضع استعماری در الجزایر بود) در الجزایر، آشنا به زبان عربی تونسوی بخاطر درستکاری و علاقه به کشورش مشهور بود.

طبیعتاً این اطلاعات در یک تلگرام سری و خطاب به مسوولان بالای وزارت خارجه و کاخ الیزه ارسال شد. تناقض‌ها به اسرار زیادی دامن زد: بن علی داوطلبانه با من بطور خصوصی ملاقات می‌کرد. گفت‌وگوهای ما عمدتاً به فروش سیستم

ادامه در صفحه بعد

وزیر کشور بود، برای فرانسه یک معما بود. او به بهانه‌های مختلف از پذیرفتن شخصیت‌های فرانسوی که از تونس دیدار می‌کردند، خودداری می‌کرد. از جمله خاتم ادیت کرسون

(Edith Cresson) و پی‌یر برگوآ (Brgovoy) که وزیر بودند. از آنها شگفت‌آورتر خودداری وی از ملاقات با ژنرال رنه امبو (Ren Imbot) رییس کل امنیت خارجی فرانسه (DGSE) بود. اوج ماجرا زمانی بود که سرهنگ (ژنرال آینده) ایوان دو لی نیبر (Ivan deLignire) وابسته نظامی سفارت به من اطلاع داد که از چند هفته پیش، بن علی او را بایکوت کرده است، در حالی که مرتباً با رییس سیا (CIA) در تونس ملاقات می‌کند. در حالی که وابسته نظامی ما و بن‌علی، هر دو دانشجوی هم‌دوره پیشین دانشکده افسری

ادامه از صفحه قبل

ارتباطات بسیار پیچیده به گارد ملی تونس اختصاص داشت. دولت فرانسه اعتبارات سخاوتمندانه‌یی برای این خریده‌ها در اختیار تونس می گذاشت. با وجود این، مزالی نخست‌وزیر، مرتبا با این خریده‌ها مخالفت می کرد و دلیل می آورد که این خریده‌ها بودجه کشور را سنگین تر خواهد کرد.
پیرو اطلاعات ما، این بهانه‌یی بیش نبود. نخست‌وزیر از جاه‌طلبی‌های سیاسی وزیر کشورش هراس داشت.درست است که گذشته حرفه‌یی بن علی در اعضای غیرنظامی دولت اعتماد چندانی برنمی‌انگیخت اما او را به عنوان “سرکلانتر” سنگدلی می‌شناختند که شورش گرسنگان در سال ۱۹۸۴ را سرکوبی خونین کرد و همچنین تظاهرات گوناگون اعتراضی کارگری و دانشجویی را نیز به همین سرنوشت دچار کرد. بن علی که در یک مدرسه عالی اطلاعات و امنیت در ایالات متحده تحصیل کرده بود، تا حد وسواس شکاک بود و همه می‌دانستند که درباره همه پایگانی اطلاعاتی دارد.

در یکی از دیدارهایمان، او خارج از موضوع، ۳ عامل بی‌ثبات‌کننده رژیم را چنین بیان کرد: نابسانانی اجتماعی، تنش بالیبی و قذافی و تهدید اسلام‌گرایان که به عقیده او خطرناک‌ترین عامل بود. او توضیح داد که جنبش وابسته به راشد الغنوشی در همه جا حضور دارد از جمله بین افسران جوان و با حرکتی نمایشی به دکمه دستگاهی فشار داد و فهرست درازی از نام کسانی بیرون زد که مظنون بودند و زیر مراقبت دایمی. بن علی که مهندس کامپیوتر و شیفته فنون است از استفاده از این وسیله کسب اطلاعات، برای هدف‌های پلیسی خسته نمی‌شد. او در ادامه افزود: مسلم است که الغنوشی به دولت تضمین صریح داده که هرگز دست به خشونت نخواهد زد اما او نتیجه گرفت که چالشی که باید از میان برداشته شود سیاسی است زیرا او فکر نمی‌کرد بتواند بطور نامحدود از توسعه سریع “جنبش اسلامی جلوگیری کند.

من نمی‌توانستم با عقیده او موافق باشم، چراکه اطلاعاتی که به سفارت می‌رسید و نیز نظر کارشناسان در پاریس خلاف نظر وی بود و حاکی از واقعی بودن رشد جنبش اسلامی بود ولی آن را تهدیدی نمی‌دانست. وانگهی ۲ سال پس از به قدرت رسیدن جانشین بورقیبه در انتخابات مجلس در ۱۹۸۹ که تا حدودی آزاد بود، هواداران اسلام‌گرایان ۱۴ درصد رای آوردند. با وجود این، بن علی حزب را منحل و هزاران هوادار آن را زندانی کرد که برخی زیر شکنجه به قتل رسیدند. او هرگز از تکان دادن مترسک اسلام‌گرایان دست برنداشت و این امر موجب پشتیبانی قدرت‌های غربی و نیز بیشتر دولت‌های عربی از او شد. این دولت‌ها خود از همین ترفند برای خفه کردن اپوزیسیون از جمله لاییک‌ها استفاده کرده و می‌کنند.

آقای الغنوشی آنگونه نبود که تبلیغات تونس معرفی می‌کرد. من که در محل تبعید او -لندن- در سال ۱۹۹۰ او را ملاقات کرده بودم، استنباطم این بود که شیخ، عنوانی که برایش دکترای الهیات از دانشگاه سوربن را به ارمغان آورد، فرد بالیمان، پرشور و پیرو اسلام راهب‌ی بخشی است که عدالت و بهزیستی همه شهروندان را تضمین می‌کند. ولی به عنوان استاد فلسفه، نظراتش را با چنان ظرافتی همراه با خردمندی طرح می‌کرد که بن علی در صحبت‌های خصوصی، “هراسناک” ارزیابی‌اش می‌کرد.

در جهان عرب، او با تجدید اندیشه و وابستگی‌اش به یک جامعه کثرت‌گرا از رهبران اسلام‌گرای دیگر تمیز داده می‌شد و این خصلت وی بود که از نگاه رژیم خودکامه بیشتر از طرفداران مثنی خشونت‌آمیز خطرناک‌تر جلوه می‌کرد. در یک گفت‌وگوی طولانی که در ژوئن ۱۹۹۶ در لندن با او داشتم (فرانسه تقاضای پناهندگی سیاسی وی را رد کرده بود)، او توضیح می‌داد که کاربرد زور اثر معکوسی“ دارد، همانطور که تجربه نقاط دیگر نشان داده است. به همین رو، او کسانی از اعضای حزب را که برای تضعیف رژیم بن علی، دست زدن به سوءقصد را توصیه می‌کردند، از حزبش اخراج کرد. او با جنبش‌هایی هم‌نظر بود که با موفقیت روش مشارکت در زندگی سیاسی، در مجلس و حتی در برخی حکومت‌های کشورهای عربی را برگزیده بودند. سمت‌گیری او به “دموکرات‌های اسلامی” ترکیه شباهت داشت که موفق شدند از راه‌های پارلمانی به قدرت برسند. آنان به نظام لاییکی که کمال آتاتورک پایه گذاشته است، پایبندند. الغنوشی، مرتبا سوءقصدهایی را که جنبش‌های دیگر منتسب به اسلام مرتکب می‌شدند، محکوم می‌کرد. از این رو، برای من طبیعی بود که در دوران مسوولیت دیپلماتیکم در تونس، با او مثل بقیه مخالفان تونس‌ی رفتار کرده و نامش را به مدعوین ضیافت‌های سفارت اضافه کنم. روشن بود که او با کمال میل در آنها شرکت می‌کرد. این اقدام من برخی را می‌آزرد. در روز خداحافظی از وزیر کشور، بن علی با خشمی آشکار از من پرسید که چرا من او را مامور سیا دانسته و فردی جاه‌طلب می‌دانستم؟ و او برای اثبات گفته‌اش، تقریبا کلمه به کلمه، تلگرام‌های محرمانه مرا که به وزارت خارجه فرانسه فرستاده بودم، بازگویی کرد... سفیر نیز از حلقه شبکه‌های جاسوسی او در امان نمانده بود. اریک رولو در جولای ۱۹۸۵ و در زمان ریاست جمهوری میتران سفیر فرانسه در تونس بود.

منبع: فیگارو

نگاهی به نیروهای اپوزیسیون در سوریه

ترجمه : محمدعلی عسگری - ملت آنلاین

۵- حزب اصلاح‌طلب

این گروه در سال ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا به وسیله فرید الغادری تأسیس شد. وی یکی از سوریه‌ای‌های دارای تابعیت آمریکاست. بعضی او را فردی بحث برانگیز می‌دانند و به او لقب “چلبی سوریه” می‌دهند تا با احمد چلبی در عراق مقایسه‌اش کنند که در حمله سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق به ایالات متحده کمک فراوانی کرد. این گروه خود را جایگزین دو حزب بعث حاکم و گروه اخوان‌المسلمین می‌داند و به صورت خلاصه برنامه خود را در تأیید سرنگونی رژیم با کمک آمریکا و به شیوه‌ای که در عراق اتفاق افتاد می‌داند و حتی معتقد به همکاری با اسرائیل است. قانونی را که این حزب پیشنهاد می‌دهد مبتنی بر تشکیل مجالس قانونگذاری و شوراهای اجرایی برای استان‌های سوریه به سبک شوراهای فدرال آمریکاست. حزب اصلاح‌طلب در سند اساسنامه خود افتخار می‌کند که مایل است رابطه‌ای عمیق با نهادهای آمریکا و محافل نو محافظه‌کاران و لابی‌های اسرائیلی داشته باشد.

۶- تجمع ملی دموکراتیک

این طیف در واقع نقطه مقابل “جبهه ملی پیشرو” به حساب می‌آید. گاه در دولت‌های خاورمیانه احزابی به چشم می‌خورند که مشابه آنها در میان مخالفان نیز با همین نام و عنوان‌ها یافته می‌شوند. تجمع در واقع مرکب از پنج حزب سیاسی چپ سوریه است از جمله: حزب اتحاد سوسیالیسیم عربی دموکراتیک، حزب کمونیست، حزب بعث عربی سوسیالیستی دموکراتیک، حزب انقلابی عربی کارگران و جنبش سوسیالیست‌های عرب.

۷- جنبش سوسیالیست‌های عرب

این جنبش مانند اکثر جریانات سیاسی در سوریه دچار شکاف شد. بخشی از آنها به همکاری با نظام حاکم روی آوردند و همین اسم را بر خود گذاشتند اما بخش دیگری از آنها در صف مخالفان قرار گرفتند و رهبرشان عبدالغنی عیاش است. ستاره بخت این جنبش در دهه ۵۰ بود که درخشید یعنی زمانی که سیاستمدار پرشوری مانند اکرم الحورانی صحنه گردان آن بود. کسی که گفته می‌شد در تمام کودتاهای سوریه از دهه ۵۰ به بعد دست داشته است. در نیمه دوم قرن بیستم این جنبش در معرض لرزش‌های شدیدی قرار گرفت. تا آنجا که الحورانی سند جدایی خود از این گروه را امضا کرد و به صورت آشکار با جمال عبدالناصر درافتاد. به این دلیل رفته رفته ستاره اقبالش فروکش کرد و از طرفدارانش نیز در بین مردم سوریه به شدت کاسته شد.

۸- اتحاد عربی سوسیالیستی

این حزب در سال ۱۹۶۴ با ترکیب تعدادی از تشکل‌های سیاسی سوریه تأسیس شد و رویکردی ناصری داشت. این تشکل‌ها عبارت بودند از: جنبش ملی گراهای عرب، جنبش سوسیالیست‌های طرفدار وحدت، جبهه عربی متحد، اتحاد سوسیالیستی سوریه.

۹- حزب انقلابی کارگران

تشکیلاتی سیاسی با رویکردی مارکسیستی است که طارق ابوالحسن آن را رهبری می‌کند و از همان زمان تأسیس (سال ۱۹۸۰) به عضویت تجمع ملی دموکراتیک درآمد.

۱۰- حزب کارگران سوسیالیست

این حزب در نیمه دهه هفتاد تحت نام “جمعیت عمل کمونیستی” تأسیس شد اما سپس به حزب کارگران سوسیالیستی تغییر نام داد که در دهه هشتاد به صورت مخفی فعالیت می‌کرد. رژیم حافظ اسد این حزب را به شدت سرکوب کرد و این سرکوبی به همین سبک و سیاق در دوران بشار اسد نیز تداوم یافته است.

۱۱- حزب نوگرایی و دموکراتیک

یک حزب کردی و لیبرال سکولار که تاکنون به رسمیت شناخته نشده است. تاریخ تأسیس آن به سال ۱۹۹۶ باز می‌گردد و کما اینکه اساسنامه‌اش می‌گوید هدفش مقاومت در برابر استبداد و کشف ریشه‌های فرهنگی آن است و قصد دارد تا حیات سیاسی در سوریه را دموکراتیک کند.

۱۲- حزب وحدت دموکراتیک کردها

این حزب در سال ۱۹۷۰ در سوریه تأسیس شد و تاکنون به رسمیت شناخته نشده است. حزب یادشده امتداد “حزب دموکراتیک کردستان” به حساب می‌آید و هدفش رفع محرومیت از خلق کرد سوریه و اداره خودمختار مناطق کردنشین در چارچوب کلی کشور است. این حزب سعی می‌کند دولتی مدرن برمبنای دموکراسی با مشارکت همگان و احترام به حقوق بشر در سایه قانون تأسیس کرده و رسانه‌هایی به زبان کردی داشته باشد.

منبع: الجزيرة

نقشه سیاسی احزاب و گروه‌های فعال در سوریه نشان می‌دهد که به جز حزب بعث سوسیالیستی (حزب حاکم) گروه‌های دیگری نیز در این کشور فعال هستند که به دلیل محدودیت‌های اعمال شده قادر به تأثیر گذار ی نیستند و در مجموع در شرایط دشواری به سر می‌زنند. برخی از این گروه‌ها در داخل پایگاه داشته و برخی دیگر در خارج از کشور هستند. برجسته‌ترین احزاب اپوزیسیون در سوریه عبارتند از:

۱- حزب کمونیست

این حزب در سال ۱۹۲۴ تأسیس شد و جایگاهی تاریخی و تأثیر گذار در این کشور دارد. در سال ۱۹۸۵ این حزب بود که با یکپارچگی مصر و سوریه مخالفت کرد و به همین خاطر تعدادی از اعضایش روانه زندان شدند یا تحت پیگرد قرار گرفتند. از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۲ این حزب شاهد یک سری تنش‌های داخلی بود و در نهایت به دو شاخه تقسیم شد. شاخه خالد بکداش و شاخه ریاض‌الترک که نام “حزب کمونیسم /دفتر سیاسی” را بر خود نهاد و بعدها به ائتلاف گروه‌های مخالف چپ به نام “تجمع ملی دموکراتیک” پیوست که در سال ۱۹۸۰ تأسیس شد.

ریاض‌الترک که یک وکیل است یکی از رهبران برجسته حزب کمونیست سوریه به حساب می‌آید. او خواستار ایجاد دموکراسی در این کشور است و به همین دلیل تاکنون بارها به زندان افتاده است. آخرین بار ابتدای سپتامبر سال ۲۰۰۱ بود و همین مساله موجب شده تا به “ماندلا ی سوریه” شهرت پیدا کند.
الترک در نهایت ۱۶ نوامبر سال ۲۰۰۲ آزاد شد. یکی از انتقادهایی که سایر گروه‌های اپوزیسیون در سوریه به حزب کمونیست وارد می‌کنند این است که در خلال کشتار حماه در ۱۹۸۲ از نقش جماعت اخوان‌المسلمین انتقاد نکرده است. ریاض‌الترک در آن زمان حافظ اسد رئیس‌جمهور فقید سوریه را عامل حوادث یاد شده دانست.

۲- گروه اخوان‌المسلمین

این جنبش در سال ۱۹۴۲ توسط دکتر مصطفی السباعی تأسیس شد و در حال حاضر رهبری معنوی آن را ریاض‌الشفقه بر عهده دارد و امتداد جماعت اخوان‌المسلمین در مصر به حساب می‌آید که در سال ۱۹۲۸ توسط حسن البنا تأسیس شد. گروه مذکور در فعالیت‌های رسمی سیاسی مشارکت داشت و تا سال ۱۹۶۲ اعضای آن در پارلمان و دولت نیز حضورداشتند. تا اینکه در نهایت این گروه نیز با دولت در افتاد. پس از درگیری‌های فوریه سال ۱۹۸۲ بود که این گروه از صحنه سیاسی خارج شد. زیراقانون شماره ۴۹ سال ۱۹۸۰ که توسط حافظ اسد صادر شده بود این جنبش را حرکتی غیرقانونی معرفی می‌کرد و هرکس را که به آن وابسته بود تحت تعقیب قرار می‌داد. در سال ۲۰۰۶ این گروه به کمک عبدالحلیم خدام معاون سابق ریاست جمهوری سوریه، جبهه نجات ملی در تبعید را از بین نیروهای مخالف تشکیل دادند اما سه سال بعد از آن جدا شد. در طول جنگ اسرائیل علیه غزه در اوایل سال ۲۰۰۹ این گروه مخالفت خود را با رژیم حاکم بر سوریه به حالت تعلیق درآورد اما در پی انقلاب‌های مردمی مصر و تونس که منجر به سرنگونی حسنی مبارک و زین العابدین بن علی شد، اخوان‌المسلمین سوریه تهدید کرد اگر حکومت به سیاست فشار خود ادامه دهد این گروه مردم را به شورش مدنی و ریختن به خیابان‌ها تشویق خواهد کرد.

۳- جبهه نجات ملی

این گروه در سال ۲۰۰۶ در بروکسل با حضور عبدالحلیم خدام معاون سابق اسد که از او جدا شد، تشکیل شد. نماینده اخوان‌المسلمین در این جبهه صدرالدین البیانونی بود و نمایندگانی از گروه‌های لیبرال و ملی‌گرای سوریه که در تبعید به سر می‌برند در آن شرکت جستند. جبهه نجات خواستار تغییر رژیم بشار اسد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز است. در سال ۲۰۰۹ گروه‌اخوان از این جبهه جداشد با این توجیه که این گروه از پاسخ‌گویی به خواسته‌های مشروع مردم ناتوان است.

۴- جنبش عدالت و سازندگی

این گروه در سال ۲۰۰۶ در لندن تأسیس شد. اعلامیه‌ای توسط این گروه تهیه و به وسیله تعداد زیادی از نیروهای سیاسی در تبعید امضا شد که به اعلامیه دمشق”موسوم شد و همچنان یکی از مواضع قابل قبول در بین سوری‌هاست. زمانی که این جنبش به جبهه نجات ملی دعوت شد حتی پیش از جدایی اخوان از آن چنین دعوتی را نپذیرفت. در اساسنامه این جنبش آمده است که رژیم حاکم باید اولویت را به آزادی‌ها و گردش مسالمت‌آمیز قدرت بدهد و قانون فوق‌العاده را لغو کند. این موارد در اعلامیه دمشق نیز ذکر شده است. کما اینکه این گروه خواستار آزادی عمل سیاسی و تشکیل احزاب و بازگشت همه تبعیدشدگان و آزادی زندانیان سیاسی است.

اخوان المسلمین: تاریخ یک جنبش

از بنیادگرایی تا مردم سالاری

دکتر طارق رمضان*

روح سعودی ها قرار گرفتند، گروه دیگری که به ترکیه و اندونزی هجرت کردند با جوامعی مواجه شدند که با وجود اکثریت مسلمان دارای طیف گسترده ای از گروه ها و اجتماعی بود که به طور مسالمت آمیز در کنار هم زندگی می کردند و عده کمی از ایشان نیز در کشورهای غرب ساکن و سنت اروپایی آزادی های دموکراتیک را به ارث بردند.

امروزه اخوان المسلمین حاوی چنین نگرش های متفاوتی است اما در رهبری جنبش - آنها که متعلق به نسل بنیانگذاران هستند بسیار پیر و قدیمی و چندان برای نسل جوانی که با جهان آزاد در ارتباط بوده و دل مشغول اصلاحات داخلی و شیفته مدل حکومتی ترکیه اند الهام بخش نیستند. در پشت این ظاهر سلسله مراتبی تأثیر و تأثرات متناقضی در جریان است که نمی تواند به طور قطعی سمت و سوی حرکت آینده جنبش را تعیین کند. اخوان المسلمین خیزش مردمی اخیر که منجر به سقوط

مبارک شده را رهبری نکرده است. این مهم به دست زنان و مردان جوانی شکل گرفته که خواهان پایان دیکتاتوری بوده اند. اسلام گرایان و اخوان المسلمین تجسم اکثریت نیستند اما تردیدی وجود ندارد که آنها پس از خروج مبارک امیدوار به مشارکت در یک انتقال دموکراتیک اند اما هیچ کس نمی تواند بگوید که در آینده آیا این جناح در عرصه سیاسی در وضعیت غالب قرار خواهد گرفت یا نه. از این رو تعیین اولویت های جنبش ناممکن است و میان ایدئولوژی خشکه مقدس عربستان و هواداری از مدل ترکیه هر چیزی می تواند اتفاق بیفتد. اندیشه سیاسی اخوان المسلمین در بیست سال گذشته بسیار متحول شده است.

ایالات متحده و اروپا به مردم مصر اجازه نخواستند داد که به سادگی رویایشان را برای رسیدن به دموکراسی و آزادی تحقق ببخشند. با توجه به ملاحظات استراتژیک و ژئوپولیتیکی سرویس های اطلاعاتی آمریکا هماهنگ با ارتش مصر با بازی کردن با زمان نقش میانجی را بر عهده گرفته و کاملاً حرکت های مردمی را زیر نظر گرفته اند. اخوان المسلمین با حمایت از البرادعی که در طول اعتراضات بر ضد مبارک در نقش رهبر ظاهر شد اعلام کرده است که با توجه به مصالح مردم مصر اکنون زمان طرح خواسته های سیاسی که غرب را به وحشت می اندازد نیست. احتیاط شرط عقل است! احترام به اصول دموکراتیک اقتضا می کند تمام نیروهایی که خشونت را رد و به حکومت قانون احترام می گذارند چه قبل و چه بعد از انتخابات به طور کامل در روند سیاسی مشارکت کنند. با آنکه هنوز هیچ کس نمی تواند تصور درستی از نیت پنهان قدرت های خارجی داشته باشد، در صورت روی کار آمدن دولتی دموکراتیک حتی به صورت حداقلی در مصر باید که اخوان المسلمین به عنوان شریکی تمام عیار در روند تغییرات حضور داشته باشد و البته خواهد داشت. ایذا و سرکوب ها هرگز قادر به حذف اخوان المسلمین نبوده است.

تضادها واقعی است اما تنها بحث و گفت و گوهای دموکراتیک و تضارب آرا و عقاید است که تأثیر عظیمی در تحول بغرنج ترین نظریات و آرا اسلامی، از درک مفاهیم فقهی تا احترام به آزادی و دفاع از برابری داشته است. فقط از طریق برخورد اندیشه ها و نه از راه دیکتاتوری و سرکوب می توان به راه حلی که به خواست ملت احترام بگذارد، دست یافت.

هنگامی که تظاهرات عمومی مردم در تونس آغاز شد چه کسی می توانست فکر کند که رژیم زین العابدین بن علی به این سرعت متلاشی شود یا چه کسی می توانست پیش بینی کند که مصر عن قریب شاهد چنین اعتراضات بی سابقه مردمی خواهد بود. سدها فرو ریخته است و دیگر هیچ چیز به شکل سابق نخواهد بود. با توجه به اهمیت سمبلیک و کانونی مصر چندان بعید نیست که دیگر کشورها نیز از آن تبعیت کنند اما سوال اینجاست: نقش اسلامگراها پس از سقوط این دیکتاتوری ها چه خواهد بود؟ حضور اسلامگراها دهه هاست که برای غرب پذیرش بدترین دیکتاتوری ها را در جهان عرب توجیه کرده است و به سبب همین حمایت، آنها بسیاری از مخالفین شان را از دور خارج کرده اند، به ویژه اخوان المسلمین مصر را که از نظر تاریخی معرف اولین جنبش سازماندهی شده، با نفوذ و دارای توان رقابت در جهان عرب بوده است. فعالیت این جنبش متجاوز از ۶۰ سال غیر قانونی و ممنوع بوده است اما هنوز به حیات خود ادامه داده و این گواهی است بر ظرفیت بالای آن در بسیج توده های مردم برای شرکت در انتخابات نه چندان دموکراتیک سابق و حضور در عرصه هایی نظیر اتحادیه های کارگری، شهرداری ها، انجمن های صنفی و پارلمان اخوان المسلمین دارای قدرت فزاینده ای در مصر است و از این رو چگونه می توان آن را در عرصه تحولات نادیده گرفت؟

در غرب همواره تجزیه و تحلیل های سطحی از اسلام سیاسی عموماً و اخوان المسلمین خصوصاً وجود داشته است با این وجود نه تنها اسلام آمیزه ای از گرایش ها و جناح بندی های وسیع و گسترده است بلکه بسیاری از جنبه های گوناگون اش نیز در طی زمان و در پاسخ به تحولات تاریخی آشکار شده است.

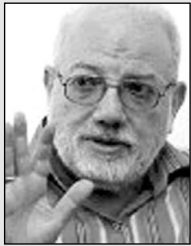
اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۰ به عنوان یک جنبش ضد استعماری، ضد خشونت و قانونگرا که خواهان مقاومت مسلحانه علیه توسعه طلبی صهیونیسم در طول دوره قبل از جنگ جهانی دوم بود کار خود را آغاز کرد. نوشته های حسن البنا مؤسس اخوان المسلمین در بین سال های ۱۹۳۰ تا ۱۹۴۵ نشان می دهد که او نه تنها مخالف استعمارگرایی بلکه به شدت منتقد دولت های فاشیست ایتالیا و آلمان نیز بوده است. با آنکه او کاربرد خشونت در مصر را رد می کرد اما مشروعیت آن را در فلسطین برای مقاومت در برابر گروه های وحشت و ترور صهیونیستی نظیر اشترن و ایرگون می پذیرفت. حسن البنا به حکومت پارلمانی به شیوه انگلستان باور داشت و آن را با اصول اسلام هماهنگ می دید. او واقع گرایانه در پی تأسیس یک دولت اسلامی مبتنی بر اصلاحاتی آرام و تدریجی و آغاز آموزش مردم و پی ریزی برنامه های اجتماعی فراگیر بود. حسن البنا در سال ۱۹۴۹ به دستور اشغالگران انگلیسی و به وسیله دولت مصر ترور شد.

پس از انقلاب جمال عبدالناصر در سال ۱۹۵۲ این جنبش در معرض سرکوب شدید و خشونت آمیز قرار گرفت و این زمینه بروز گرایشات متفاوت در میان اعضای آن را پدید آورد. تجربه زندان و شکنجه بعضی از اعضا را به سمت افراط گرایی و به این نتیجه گیری رساند که دولت باید به هر قیمتی حتی با خشونت ساقط شود اما اکثریت گروه بر سر اصول اولیه سازمان مبنی بر اصلاحات تدریجی باقی ماندند. پس از آن بسیاری از اعضای اخوان المسلمین به خارج از کشور تبعید شدند، آنهایی که به عربستان سعودی رفتند تحت تأثیر ایدئولوژی خشک و بی

دکتر احمد راسم النفیس:

در پی تحقق وحدت و عدالت در

میان کشورهای اسلامی هستیم



یکی از رهبران شیعیان مصر بارد تأسیس حزبی شیعی گفت: در پی تأسیس حزبی هستیم تا شعار آزادی، عدالت و وحدت را در کشورهای اسلامی محقق کند. در زیر گفتگوی فارس با دکتر احمد راسم النفیس را می خوانیم:

برخورد و تعامل شورای عالی نظامی مصر با جریان شیعی پس از انقلاب ۲۰ ژانویه در این کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟

شورای عالی نظامی مصر برخورد خاصی با جریان شیعی در مصر نداشته، اما این به معنای برخورد منفی آنها نیز نمی باشد، بطور کلی تمام جریان های فکری، مذهبی و سیاسی مصر پس از انقلاب ۲۵ ژانویه در چارچوب فضای باز سیاسی بوجود آمده از وضعیت بهتری نسبت به گذشته برخوردار هستند.

به اعتقاد شما بهبود روابط مصر با ایران بازتاب مثبتی بر تعامل حکومت با شیعیان خواهد گذاشت؟

شیعیان در مصر گروه تازه شکل گرفته و نوپا و کم جمعیتی نیستند، بلکه همواره در عرصه مصر حضور فعال داشته و در انقلاب مصر نیز از این جهت که خود را جزئی و بخشی از جامعه مصر می دانستند، حضور چشمگیر داشتند، اما با کمال تأسف رژیم گذشته با شیعیان از بعد طایفه ای برخورد می کرد و اعتقاد داشت، آنها جزئی از جامعه ایران و نه ملت مصر هستند، اگرچه شیعیان مصر نیز خود را جای از ملت ایران نمی دانند و بسیاری از حوادث تاریخی از جمله حمایت مصر از انقلاب مصدق علیه شاه وقت ایران در زمان عبد الناصر و ازدواج سیاسی شاه ایران با شاهزاده مصر در زمان ملک فاروق ثابت می کند که این دو کشور چه در بعد سیاسی و چه در بعد ملی با یکدیگر رابطه ویژه و نزدیکی داشته دارند.

آیا قصد دارید به نام شیعیان مصر حزبی سیاسی تأسیس کنید؟

از سال ها پیش ما تأسیس هرگونه حزبی بر مبنای طایفه ای "بی شک جامعه مصر افکار و اندیشه های سلفی ها را به شدت رد می کند و بارها روی گردانی خود از افکار و اندیشه های سلفی اعلام کرده است، اما به نظر می رسد، سلفی ها با حمایت عربستان سعودی و در راستای اموال هنگفتی که عربستان در اختیار این جریان قرار می دهد، تلاش می کند به هر نحو ممکن بر جامعه استیلا یابد."

و نژادی را رد کرده ایم، چون خود را جزئی از ملت مصر می دانیم، در اینجا نیز اعلام می کنم، ما در صدد هستیم حزبی تأسیس کنیم که شعار آن آزادی و عدالت و وحدت میان کشورهای اسلامی است.

نظر شما درباره اقدام جریان سلفی نسبت به تخریب زیارتگاه ها آنهم در این برهه از تاریخ مصر چیست؟

اصول و مبادی سلفی ها ریشه در وهابیتی دارد که بر تکفیر دیگران استوار است و از دید آنها زیارتگاه ها بسان بت ها هستند که باید آنها را تخریب کرد، درحالی که دیدگاه حاکم بر جامعه اینگونه نیست و مردم مصر عقیده آنها را به شدت رد می کنند، به همین دلیل به نظر می رسد، اگر آنها بخواهند بر این اعتقاد خود پافشاری کنند، موجب بروز برخوردهایی در جامعه خواهند شد و به نظر می رسد، عربستان سعودی از این گروه برای تضعیف ثبات و استقرار سیاسی در مصر و عدم تجدید روابط حسنه تهران - قاهره بهره برداری می نماید.

کشور اسلامی ترکیه می تواند الگویی الهام بخش برای ما باشد. شکی وجود ندارد که غرب نیز با کاربرد همیشگی تهدید اسلام دست به توجیه انفعالش زده و بر حمایت صریحش از دیکتاتوری ها ادامه خواهد داد. هنگامی که مقاومت و اعتراض بر ضد مبارک بالا گرفت دولت اسرائیل بارها واشنگتن را دعوت به ایجاد زمینه بازگشت حکوت نظامیان و مخالفت با اراده مردم فراخوان و اروپا نیز سیاست صبر و انتظار را در پیش گرفت. هر دو این نگرش ها فاش کننده نیت غرب است. برای آنها چرب زبانی درباره پابندی به اصول و قواعد دموکراسی در مقایسه با دفاع از

منافع سیاسی و اقتصادی از وزن کمتری برخوردار است. ایالات متحده دیکتاتوری هایی که روند دستیابی آسان به ذخایر نفت منطقه را تضمین و اسرائیلی ها را در ادامه استعمار بطنی و آرام شان در مناطق اشغالی آزاد بگذارد بیشتر می پسندند تا اعتراضات مردمی که دیگر نمی

توانند ادامه چنین روندی را بپذیرند. سر دادن ندای "اسلام گراهای خطرناک" برای توجیه نشنیدن صدای مردم هم یک استراتژی کوتاه مدت غیر منطقی است که غرب در پیش گرفته است و این امر به اعتبار ایالات متحده در دولت های بوش و اوباما و همچنین به وجهه اروپا لطمه شدیدی وارد کرده است. تأثیرات منطقه ای سقوط مبارک بسیار عظیم و پیامدهای آن غیر قابل پیش بینی خواهد بود. پیام انقلاب های تونس و مصر روشن است: شاهان و رؤسای جمهور منطقه فشار این نقطه عطف تاریخی را حس کرده اند. اکنون ناآرامی ها به الجزایر، یمن و موریتانی رسیده است و باید منتظر سرایت آن به سوریه و اردن و حتی عربستان سعودی بود. احساس مشترک ترس و آسیب پذیری موجب اعلام اصلاحات به منظور پیشگیری از این روند شده است. حاکمان همه این کشورها به خوبی می دانند که با فروپاشی مصر سرنوشت مشابهی آنها را تهدید می کند. بی ثباتی وضعیت نگران کننده و در عین حال بسیار نوبدبخش است. جهان عرب بیدار شده و شأن و جایگاه خود را بازیافته است. این دگرگونی ها برای هواداران راستین مردم سالاری امید و آرزو و برای آنان که قواعد دموکراسی را فدای محاسبات اقتصادی و ژئواستراتژیک خود می کنند ناامیدی و پریشانی در پی داشته است. به نظر می رسد آزادی مصر تازه آغاز کار باشد. چه کسی نفر بعدی خواهد بود؟ اگر یمن و اردن کشورهای بعدی باشند بی شک عربستان سعودی در وضعیت بحران قرار خواهد گرفت و ریاض ناگزیر به توسعه فضای سیاسی اش خواهد شد. حساسیت عمومی که اکنون در میان مسلمانان سراسر جهان پدید آمده است از این جنبش و ضرورت انقلاب حمایت خواهد کرد و در آخر تنها دموکراسی هایی که به نیروهای سیاسی مسالمت آمیز باور دارند، می توانند موجب صلح در خاور میانه شوند. صلحی که باید شأن و منزلت فلسطینی ها را در نظر گرفته و بدان احترام بگذارد.

✽ دکتر طارق رمضان نوه حسن البنا مؤسس اخوان المسلمین مصر است. وی اکنون استاد مطالعات اسلامی معاصر در دانشگاه آکسفورد انگلستان و از رهبران فکری مسلمانان اروپا به ویژه فرانسه است.

منبع: کریستین ساینس مانیاتور

فوریه ۲۰۱۱



برای نوروز و اعیاد سنتی نمی توان ادعای تقدس کرد

نوروز را با اعیاد واقعیه ای که در شریعت اسلام موجود بوده، مثل عید ولایت در غدیر یا عید فطر خلط کنیم. این ایام ذاتا دارای تقدس هستند. خصوصیت زمانی و مکانی خاص که برخی زمانها و مکانها را مقدس می کند، نباید با یک سری امور جعلی و اعتباری خلط شوند. لحظه تحویل سال جز یک امر قراردادی چیزی نیست.



آیت الله صادق آملی لاریجانی اظهار کرد: این جدید شدن سالها اسباب تنبه است برای همه ما. اگر چشم بصیرت باز کنیم، سالی گذشته است با اعمالی و سال نویی وارد می شود که همه قابل برای ارزیابی است؛ در سال گذشته چه کرده ایم و در سال آینده چه می خواهیم بکنیم و اگر این عین بصیرت گشوده تر باشد هر ماه این چنین است و اگر باز انسان عمیق تر نگاه کند، گذشت هر روز این چنین است، که انسان احساس می کند روزی گذشت و روز نویی پدید آمد و چه کرده است و چه باید بکند. بلکه برای انسان متنبه متوجه هر لحظه این چنین است. اهل الله هر لحظه را نو شونده می بینند. لحظه ها دائما نو می شوند و ما هستیم که باید ببینیم که با لحظه ها نو می شویم یا درجا زده ایم و در مسیر کمال و تعالی قدمی برنداشته ایم. ان شالله مردم و مسئولان بیش از پیش به وظایف خویش توجه کنند و حلول سال نو را بهانه ای برای ارزیابی مجدد اعمال و رفتار خود قرار دهند.

وی افزود: بی شک شادی انسان ها، صله ارحام و دستگیری از مستمندان و امثال اینها که از سنتهای خوب این ایام است، همگی مطلوب و محبوب است ولی اینها ربطی به تقدس این ایام ندارد و نباید مثل

رییس دستگاه قضایی با انتقاد از تقدس بخشیدن به برخی از اوقات قراردادی توسط عده ای اظهار کرد: من حتی شنیده ام که برخی ادعا کرده اند که در نوروز شیطان در غل و زنجیر است، همان تعبیری که برای لیالی قدر آمده است. اینها سخنان من عندی و باطلی است که گاهی جریانهای انحرافی به آنها دامن می زنند. این سخنان باطل برخلاف مذاق دینی است. هر چیزی باید بر اساس صحیح خودش استوار باشد، نه اینکه ما خودمان را جای وحی بنشانیم. هر وقت دلمان خواست شیطان را در غل و زنجیر کنیم و هر وقت نخواست، آزاد! علی ای حال ما امیدواریم که همه لحظات ما چه ایامی که ذاتا مقدس هستند و چه ایامی که ما به اعتبار خودمان آنها را موقعیت هایی برای اعمال نیک قرار داده ایم، همه در اصلاح باطن ما و در تعالی ما ان شالله موثر و مفید بیفتند.

اسلام ایرانی اگر جهانی شد، موجب تجزیه اسلام می شود

استاد اخلاق حوزه علمیه قم با بیان اینکه اسلام را بدون یک کلمه کم یا زیاد باید معرفی کرد، گفت: همگان باید در مسائل جاری بر مشترکات تکیه کنند. عده ای با برنامه به دنبال آن هستند که علما را وارد بگو مگوهای سیاسی کنند، باید مواظب بود که فریب این ترفند حساب شده را نخورید. وی خاطرنشان کرد: آنها به دنبال زیبا جلوه دادن اعمال خود به وسیله و همراهی علماء با نظرات خود هستند. لذا باید حساب شده و به درستی و راستی حرکت کنید.

آیت الله محی الدین حائری شیرازی، در اولین جلسه جامعه روحانیت شیراز در سال ۹۰، گفت: با جشنهای نوروزی نمی توان اسلام را صادر کرد، نوروز جشن ملی و باستانی است و اگر جهانی باشد، خوب است؛ اما نباید این گونه کارها را به حساب اسلام گذاشت.

وی ادامه داد: نباید به مسئله نوروز که امری ملی است، رنگ و بوی اسلامی داد. اسلام ایرانی اگر جهانی شد، موجب تجزیه اسلام می شود و از دل این تلاشها، اسلام ایرانی، اسلام افغانی، اسلام ترکی و آفریقایی و... به وجود می آید.

آیت الله نورمفیدی:

تعیین وقت ظهور حرکتی کاملاً انحرافی از سوی دشمنان است

نماینده ولی فقیه در گلستان، با انتقاد از توزیع گسترده مستند "ظهور نزدیک است"، گفت: توزیع این مستند یک حرکت کاملاً انحرافی است که از سوی دشمنان اسلامی هدایت می شود. وی با تأکید بر این که این گونه مسائل نباید موجب سست شدن اعتقادات دینی خواهران و برادران دینی ما شود، افزود: عاملان تولید این مستند به طور حتم از دشمنان اسلام ناب هستند و هدف آنها از تولید این مجموعه ها انحراف مردم است. امام جمعه گرگان با تأکید بر این که به هیچ عنوان نمی توان برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) زمان خاصی را تعیین کرد، بیان داشت: بیان زمان خاصی برای ظهور آن حضرت یک مسأله انحرافی از سوی دشمنان اسلام است.

آیت الله نورمفیدی، ظهور امام زمان (عج) را بر اساس مشیت الهی دانست و با بیان این که روایاتی که در مستند مورد نظر آمده صحت و سقم آن خدشه دار است، خاطرنشان کرد: مستند ظهور نزدیک است دورخی آشکار است و مردم مسلمان ما نباید گول این بازار گرمی ها را بخورند. نماینده ولی فقیه در گلستان با تأکید بر این که در صورت صحیح بودن برخی روایات، تعیین مصداق برای این موضوع، آثار سوئی به دنبال خواهد داشت، تصریح کرد: اگر این مسأله اتفاق نیفتد، مردم در اصل مسأله ظهور شک می کنند و این موضوع صحیح نیست.

نماینده مردم گلستان در مجلس خبرگان رهبری با اشاره به این که تولید این گونه مستندهای بی محتوا و منحرف دوستی با امام زمان (عج) نیست، خاطرنشان کرد: مراجع عظام تقلید نیز با تولید این مجموعه به شدت مخالفت کردند.

برای اولین بار به زبان فارسی منتشر شد؛

گلچینی از معارف تشیع به قلم علامه طباطبایی



کتاب گلچینی از معارف تشیع به قلم علامه سید محمد حسین طباطبایی منتشر شد.

کتاب گلچینی از معارف تشیع تألیف علامه سید محمد حسین طباطبایی، تنظیم ویلیام چیتیک، ترجمه دکتر سید محمد تقی و به کوشش استاد سید هادی خسروشاهی منتشر شده است. "یگانگی خدا، حکومت و زمامداری و زندگی معنوی: دعا و تضرع به درگاه خداوند" بخشهای سه گانه کتاب را تشکیل می دهد.

(گلچین ادبی شیعه) یا (گلچینی از معارف تشیع) سومین و آخرین کتاب از مجموعه ای است که برای شناخت تشیع و معرفی آن به مردم اروپا و آمریکا پس از دو کتاب: قرآن در اسلام و شیعه در اسلام توسط استاد بزرگوار، مرحوم علامه سید محمد حسین طباطبائی تهیه و تألیف شده است.

اصل طرح و اجرای این مجموعه به پیشنهاد دکتر کنیت مورگان و دانشگاه کالگیت آمریکا و به وسیله استاد دکتر سید حسین نصر از شاگردان و علاقه مندان علامه طباطبائی - سالیانی پیش سامان گرفت. دو کتاب نخستین، به زبان فارسی، انگلیسی، عربی و... بارها، در ایران، اروپا، آمریکا و کشورهای عربی چاپ و منتشر شده اند. اما کتاب سوم، که در واقع نخست به زبان انگلیسی تهیه و تنظیم شده است، تاکنون به زبان فارسی در نیامده و منتشر نشده بود.

در بخشی از این کتاب می خوانید: "برای مسلمانان امری که همراه با اقرار به وحدانیت خداست، دعا به درگاه اوست. بُعد ظاهری این دعاها دستورهایی است که دین مبین (شریعت) در مورد نحوه عبادت صادر کرده است، نمازهای یومیه، خواه واجب یا مستحب، روزه گرفتن، زیارت، صدقه دادن و غیره. اما بُعد درونی دعاها بسیار پیچیده تر از آن است که بتوان فهمید. بر خلاف بُعد ظاهری آن نمی توان این دعاها را در چند جمله تعریف کرد. بلکه تنها باید با مطالعه زندگی و پرتو معنوی انسان های مقدس و اولیا، آن را درک کرد. برخی از نگاه های اجمالی صمیمی روح انسان های متقی در تضرع ها یافت می شود. کتاب گلچینی از معارف به قلم علامه سید محمد حسین طباطبائی با شمارگان ۱۵۰۰ نسخه در ۱۸۸ صفحه و با قیمت ۳۲۰۰ تومان به همت مؤسسه بوستان کتاب منتشر شده است.

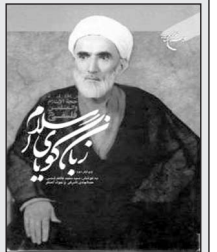
یادنامه حجت الاسلام فلسفی؛

کتاب زبان گویای اسلام با ویرایش جدید منتشر شد

کتاب زبان گویای اسلام به کوشش حجت الاسلام سید محمد کاظم شمس، حجت الاسلام عبدالهادی اشرفی و جواد آهنگر پس از ویرایش دوم منتشر شد.

چاپ دوم کتاب زبان گویای اسلام یادنامه حجت الاسلام و المسلمین فلسفی از سوی مؤسسه بوستان کتاب منتشر شده است.

"جلوه هایی از حیات پر بار حضرت آیت الله شیخ محمد رضا تنکابنی، بزرگی از خاطرات، کاری که فلسفی کرد، درس ها و خاطراتی از فلسفی، بررسی ترجمه حدیثی تربیتی، موضع گیری حجت الاسلام فلسفی در برابر فرقه ضاله بهائیت، دین و تمدن بشری، روش سلوک حافظ، شرح حدیثی از امام هفتم علیه السلام، تجزیه و تحلیل متن حکم ولایت عهدی، امام، حفظ سنن و احکام، اسلام و محیط طبیعی و اجتماعی، شخصیت مرحوم فلسفی، برخی از مطالب این کتاب را تشکیل داده است. کتاب زبان گویای اسلام در سال ۱۳۸۹ با شمارگان ۷۰۰ نسخه در ۵۳۲ صفحه و با قیمت ۱۰۰۰۰ تومان منتشر شده است.



انتشار ویژه نامه امام موسی صدر در فضای مجازی



پایگاه فرهنگی "روایت صدر" ویژه نامه ی بهاری امام موسی صدر را به مناسبت سال نو شمسی و نوروز ۱۳۹۰ با مطالب متنوع و گوناگونی درباره امام موسی صدر و خاندان شریف صدر منتشر کرده است.

در این ویژه نامه شرح حال ناتمام آیت الله العظمی سید رضا صدر در صدر مطالب قرار دارد که در آن -علی رغم ناتمام بودنش- شرح حال جامعی از برادر امام موسی صدر می خوانیم. از دیگر مطالب این ویژه نامه دیدار با آیت الله میرزا محمد شاه آبادی است که شرح دیدار دکتر محسن کمالیان، مدیر پایگاه روایت صدر با این عالم وارسته است که

حاوی مطالبی درباره حیات امام موسی صدر و تحقیق درباره نقل قولی از ایشان در این رابطه است.

"جایگاه علمی امام صدر(۱) بخش دیگری از این ویژه نامه است که پاسخی است به سؤالی درباره جایگاه علمی امام موسی صدر به قلم دکتر کمالیان. این پرسش این بوده است که: "جایگاه علمی، فقهی و اجتهادی امام صدر چگونه است؟ راجع به توان اجتهادی امام صدر و آرای فقهی ایشان خیلی کم نوشته شده است و ابهامات زیادی در این خصوص وجود دارد. آیا امام صدر آرای فقهی جدید نیز داشتند؟"

در بخش خواندنی دیگری از این ویژه نامه با عنوان "شیخ جعفر مجتهدی و مسئله حیات امام صدر" می خوانیم: "شاعری معاصر روزی در محضر مرحوم شیخ جعفر مجتهدی و در هنگام صرف غذا برای لحظاتی فکرش متوجه آقای صدر شده و راز سرنوشت آن بزرگوار ذهن او را درگیر می نماید. در این هنگام شیخ جعفر که متوجه حالت روحی شاعر گشته، علت مکث چند لحظه ای ایشان را سؤال می کند. شاعر ابتدا از بیان آن چه در خاطر گذرانده امتناع می نماید. اما شیخ جعفر می فرماید که آن که یادش ذهن شما را مشغول ساخته، زنده است..."

آخرین بخش این ویژه نامه نیز اثری ادبی از جواد عنابستانی است با عنوان "همایش های یک روز در میان (۱)" که چنین آغاز می شود: "آهای جماعت خواب! / ۳۳ سال است به خواب رفته اید! وقت بیداری است! / چشم ها بملاید و کم کم بیدار شوید! ..."

مجموعه سایت های مرکز:
سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir
سایت استاد خسروشاهی
www.khosroshahi.org
سایت سید جمال الدین اسدآبادی
www.moslehesargh.com

بحث

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
صاحب امتیاز و مدیرمسئول:
سید هادی خسروشاهی
سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائیه) نبش ممتاز

تلفن: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیکی:

Besatonline@gmail.com